IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

[redacted]

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 39 Date of filing: 23/10/89

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: statement of mr khalilzad

- Date 30 Jun 89
_____ pages in English 12 pages in Farsi

R/12

متن انگلیسی این بیانیه در ۹ تیرماه ۱۳۶۸
[۳۰ ژوئن ۱۹۸۹] تهیه و ثبت شد.

English version
Filed on 30 JUIN 1989
۱۳۶۸/۴/۹ نسخهٔ انگلیسی در تاریخ
ثبت شده است.

پرونده شماره ۳۹
شعبه دو
حکم شماره ۲-۳۹-۴۲۵

دیوان داوری دعاوی
ایران - ایالات متحده
FILED ثبت شد
DATE 23 OCT '89
۱۳۶۸/۸/۱ تاریخ

فیلیپس پترولیوم کامپنی ایران،
خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،
شرکت ملی نفت ایران،
خواندگان.

DUPLICATE ORIGINAL
«نسخه برابر اصل»

بیانیه قاضی خلیلیان در این باره که چرا
امضای حکم نابهنگام بود

---

۱ - متنی که امروز به عنوان حکم شماره ۲-۳۹-۴۲۵ صادر شد فقط به امضای دو تن از سه داور شعبه دو رسیده است. یعنی، آقای برینر، داور کشورثالث، و آقای آلدریج، داور ایالات متحده.

۲ - اما من که به عنوان داور ایرانی فقط در مرحلهٔ شور این پرونده مشارکت داشتم - نه

در استماع و دیگر مراحل دادرسی آن - براین احساس بودم که ما هنوز به چند جلسهٔ دیگر برای شور نیاز داشتیم تا بر اثر مباحثه و تبادل نظر شاید می‌توانستیم بر سر پاره‌ای از مسایل مهم، به توافق رسیم.

۳ - هرگز در شعبهٔ دو از پیش چنین قراری نبود که حکم باید حتما" در سی‌ام ژوئن امضا شود. اما اگر آقای برینر و یا آقای آلدریچ با خود یا با دیگری چنین قول و قراری می‌داشتند، ای‌کاش آن را به من نیز می‌گفتند. بهرحال، آقای برینر مرا غافلگیر کرد چه ناگهان در ساعت ٦ بعدازظهر روز جمعه ۲۳ ژوئن، یادداشتی صادر و در آن داوران شعبهٔ دو را برای امضای حکم در روز پنجشنبه - پس از پایان جلسهٔ استماع پروندهٔ ۱۲۴۵۸ - دعوت کرد. جلسه‌های استماع معمولا" در حدود ساعت شش بعدازظهر پایان می‌یابد. من دیگر به یقین دریافتم که آن دو دارند فشار بر دولت ایران را به نهایت می‌رسانند و می خواهند برپایهٔ اطمینانی که بی‌تردید از پیش به فیلیپس داده‌اند، حکم را با دستپاچگی هر چه بیشتر امضا کنند تا بابت یک قرارداد مشارکت ناکام براثر حوادث انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران، فیلیپس را به ۵۵ میلیون دلار برسانند.

۴ - آقای برینر نه تنها پیشنهاد مرا دایر بر مباحثه بیشتر درجا رد کرد وی همچنین درخواست مرا برای دو یا سه جلسه مشورتی دیگر در هفتهٔ اول ژوییه، بر زمین نهاد. آقای برینر چند لحظه بعد در همان جمعه ۲۳ ژوئن، لاهه را ترک گفت.

روز دوشنبه به نزد آقای آلدریچ رفتم تا برای شور در مسایل عمده‌ای که دریافته بودم، اندکی فرصت بیشتر بطلبم. ولی وی پاسخ داد که این امر امکان پذیر نیست، چه او بلیط هواپیما تهیه کرده بود و ظاهرا" برای تعطیلات تابستانی می خواست [بیدرنگ پس از امضای حکم] به سفر رود. آنگاه تلفنی با دفتر آقای برینر در ژنو تماس گرفتم. ساعت، حدود ده صبح بود. او در جلسه‌ای بود که من بناچار برایش پیام گذاشتم، ولی پاسخی دریافت نکردم. حدود ساعت دو بعدازظهر به منزلش تلفن

کردم. پیشخدمت گفت که وی در دفترش بسرمی‌برد. دوباره با دفتر وی تماس گرفتم و باز منشی به من پاسخ منفی داد. با آنکه تاءکید کردم که من همکار آقای برینر در دیوان هستم و کاری فوری دارم، باز وی تماسی با من نگرفت. آیا ازنظر محافل داوری بین‌المللی این گونه خودنهانسازی از داوری که داور ثالث و بیطرف پنداشته می شود، قابل قبول و یا حتی قابل تحمل است؟

۵ - گویا واهمهٔ آقایان برینر و آلدریج فقط این بود که نکند امضای یک حکم ۵۵ میلیونی علیه دولت ایران - متضمن عدم النفع بیست ساله در یک قضیه ملی کردن نفت - دو سه روز به عقب افتد. بنابراین، چگونه محافل علمی داوری بین المللی می توانند آقای برینر را داوری بیطرف و برخوردار از اخلاق و ادب داوری تلقی کنند، کسی که از پذیرفتن درخواست همکار خود برای دو سه جلسهٔ بیشتر به منظور تکمیل شور پرونده، امتناع می‌ورزد؟ این حقیقت شرم آور چگونه قابل تحمل است که این آقایان حتی حاضر نشدند که دو سه روز امضای حکم دیرتر انجام پذیرد. طوری که اکنون مرا در چنان بن بستی قرار داده‌اند که باید احساس کنم که امضای حکم برای من نابهنگام است؟ یک داور حق ندارد پیش از پایان شور به امضای حکم تن دردهد هرچند که او را در زیر فشار یا اکراه، به هر وسیله‌ای، قرار داده باشند. حقیقت این است که شعبهٔ دو هنوز شور پرونده را در چندی از مسایل ماهوی مهم به پایان نرسانده است (در این میان، مساءله خطر، نرخ تنزیل و مقدار نفت را نام می‌برم). اگر صورتجلسه‌های شور برطبق ماده ۳۱ قواعد دیوان محرمانه نمی‌بود، آنها را به پیوست همین بیانیه ارائه می‌دادم.

۶ - در ۱۹۸۵ که آقای برینر رئیس شعبهٔ دو شد، سالها بود که برای مورگان استانلی [یعنی شاهد اصلی آموکو در پشتیبانی از روش "دی سی اف"* در پرونده ۵۵] به

---

* دی.سی.اف (DCF) مخفف Discounted Cash Flow است که به "تنزیل جریان نقدینگی" ترجمه شده ومنظوراز آن اینست: ارزش فعلی عواید(خالص) آتی موءسسه‌ای. به عبارت دیگر، عواید خالصی راکه موءسسه‌ای براثر جریان کار درسالهای آینده کسب خواهد کرد محاسبه می‌کنند وپس از تنزیل آن به‌نرخی معین، ارزش زمان حال آن را به‌دست می آورند.

عنوان مدیر خدمت می‌کرد. با وجود وظیفه‌ای که وی در افشای رابطه خود می‌داشت، به مدت چهار سال هرگز دم برنیاورد(۱) و در طول همین مدت به رسیدگی قضایی به پرونده‌ٔ مزبور پرداخته بود. در این پرونده بیش از چهار میلیارد دلار با دعوای متقابل مطرح است.

۷ - هنگامی که جرح علیه آقای برینر جریان یافت، در ابتدا وی با سرسختی از اینکه دست از پرونده‌ٔ ۵۵ بردارد امتناع می کرد، ولی سرانجام مجبور شد که تن به این کار در دهد، چه ایران طی لوایح مستدل خود با فاشسازی وقایع، عرصه را بر وی دشوار ساخته بود.

اینک مشاهده می شود که آقای برینر با صدور حکم حاضر دست به یک پیشداوری به سود آموکو در پرونده‌ٔ ۵۵ زده است. زیرا قرارداد مشارکت مطرح در آن پرونده، شبیه قراردادی است که در این پرونده مطرح می‌باشد. با این همه، من مطمئنم که به دلیل تردیدهایی که در پیرامون این حکم وجود دارد و نیز در سایه‌ٔ نواقص شرمگینی که در آن یافت می‌شود (که آنها را در ذیل فهرست خواهم کرد و سپس به بررسی مشروح در نظر مخالف خود خواهم نهاد)، دیگر امکان ندارد که به عنوان سابقه به این حکم استناد شود. اینک این امید هست که مانند خود آقای برینر که بسان وکلای امریکایی بر نظرات پرفسور ویرالی در حکم شماره ۳۱۰ در پرونده‌ٔ خمکو، سخت تاخته و یافته‌های حقوقی وی را زیر پا نهاده، داوران دیگر نیز حکم بازاری آقای برینر را به عنوان یک متن بی اعتبار تلقی کنند. در واقع، آقای برینر

---

(۱) برای آشنایی با ابعاد این نهانکاری و نیز مطالعه کامل جرح، به لوایح حقوقی ایران رجوع کنید که در این منبع به چاپ رسیده است: Mealy's Litigation Reports مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۸۸ (بخش G-1) ، همان ماخذ، مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۸۸ (بخش A-2) .

با صدور این حکم چنین نمایانده که لازم نیست احکام پیشین این دیوان به عنوان سابقه قضایی، محترم شمارده شود.

۸ - اندکی پس از استعفای آقای بوکشتیگل که رئیس دیوان بود، داوران امریکایی اصرار ورزیدند که بهر قیمتی شده باید آقای برینر رئیس دیوان شود، وگرنه وی استعفا داده دیوان را از نعمت وجود خویش محروم خواهد ساخت. داوران ایرانی، برعکس، او را شایستهٔ ریاست ندانسته با انتصاب وی مخالفت می‌کردند بویژه با این ملاحظه که آقای برینر بتازگی از جرح پروندهٔ ۵۵، شکست خورده، سر برآورده بود. سرانجام دولت ایالات متحده موضوع را به آقای مونز - مقام ناصب - واگذار کرد و او هم آقای برینر را به عنوان رئیس دیوان برگماشت. به پیوست ۱ رجوع کنید.

۹ - افزون بر همهٔ این پیشینه‌ها، آقای برینر یک عیب بنیادین دیگر نیز دارد. آن اینکه در پرداختن به تحلیلهای حقوقی در مسایل مطروح در پرونده ها علاقه‌ای نشان نمی‌دهد. این طبیعی است برای کسی که تنها در سویس مدیر یا عضو هیأت مدیرهٔ حدود چهل موسسه بزرگ و یا فراملی است (قس. پیوست ۲). چنین کسی نباید جز به سرمایه و طرق ثروت‌انبازی بیندیشد. باز طبیعی است که چنین فردی نباید تاکنون حتی یک مقاله علمی در حقوق بین الملل و یا یک کتاب ارزنده در رشتهٔ حقوق نگاشته باشد. و باز این طبیعی است که چنین شخصی باید نسبت به اندیشمندان حقوق بین‌الملل، نا آگاه و یا حتی در خصومت باشد. برای مثال، وی در حکم حاضر خصومت نسبت به پرفسور ویرالی را به نهایت رسانده است. به مباحث حقوقی حکم مراجعه کنید تا ببینید که چقدر بی مایه و ضعیف است. حال اگر همین مباحث را با مباحث حکم جزیی شماره ۳-۵۶-۳۱۰ (آموکو) مقایسه کنید در حیرت فرو خواهید رفت که چگونه آقای برینر بجای تواضع در برابر دانش، این گونه موضع انکار و تردید نسبت به اساسیترین مباحث حقوق بین الملل، اتخاذ کرده است. چنین واکنشی از فردی همچون آقای برینر طبیعی می‌نماید، چرا که او باید حکمی صادر کند که شرکتهای

عمدهٔ امریکایی از وی راضی باشند. از دیدگاه وی محافل علمی و دانشگاهی قابل توجه نیستند. با این وجود، باز من امیدوار بودم که آقای برینر بر پایهٔ همان سرشت سرمایه داری و مالپرستی خود، لااقل به اصول اقتصادی ـ اگرنه به اخلاق داوری ـ پایبند می‌بود. من امیدوار بودم که اگر برخلاف همه اصول حقوقی او هنوز قصد اعمال روش "دی سی اف" را دارد و می خواهد به بیست سال عدم النفع در یک قضیهٔ ملی‌کردن مشروع در صنعت نفت حکم دهد، حداقل این روش را مطابق اصولش درست بکار می برد. ولی دیدم که، برعکس، حتی در روش "دی سی اف" نیز از قسمتهایی که به حال فیلیپس زیانبار می بود، طفره رفته است. او در این حکم از بکار بردن یک روش صحیح محاسبه گریخته است. به همین دلیل است که از بیان نرخ تنزیل بکلی اجتناب کرده زیرا اگر آن را ذکر می کرد بر دیگران آشکار می شد که چه نرخی را وی برای رسیدن به رقم ۵۵ میلیون بکار گرفته است. اگر آقای برینر می‌خواست نرخ درستی را که در صنعت نفت معتبر است بکار برد ـ معیار یک "خریدار طالب" ـــ به رقمی حدود ۲۸ میلیون دلار می‌رسید. ولی در حالی که مقدار نفت را در حکم مشخص می کند، قیمت نفت و هزینه تولید را نیز بیان می‌دارد، باز از تعیین هرگونه نرخی برای تنزیل، اجتناب می‌ورزد. بنابراین، گویا او در این پرونده فقط یک ماٴموریت داشته‌است. آن اینکه با پر کردن جیب فیلیپس با ۵۵ میلیون دلار، هدیه‌ای به وی ببخشاید. حتی آقای برینر به مدارک رسمی ایالات متحده نیز اعتنا نکرده است. مدارکی که فیلیپس خود نزد کمیسیون سهام و ارز ایالات متحده امریکا (Securities & Exchange Commission) ثبت کرده است حاکی است که سهم وی از مقدار نفت باقی مانده در ایران طی بیست سال آینده ـ تا ۱۹۹۹ ـ به ۱۵ میلیون بشکه می‌رسد که این نفت در ۱۹۷۹ سیزده میلیون دلار ارزش داشت. با آنکه خریداری که طالب خریدن سهام فیلیپس در ۱۹۷۹ می‌بود بیشک پیشنهاد خرید خود را بر این مدارک مبتنی می کرد، ولی آقای برینر در حکم خود مقدار ۴۸/۵ میلیون بشکه نفت برای فیلیپس به ارزش ۵۵ میلیون دلار تعیین کرده است. رجوع کنید به پیوست ۷ برای مطالعهٔ قسمتهایی از فورمهای "۱۰ـ ک" که فیلیپس نزد کمیسیون ارز

و سهام ایالات متحده ثبت کرده و خواندگان تصویری از آنها را نزد دیوان ثبت کردند.

۱۰ - اکنون می پردازیم به برخی وقایع و یا نکات حقوقی مندرج در حکم که فهرستوار دراینجاخواهم آورد ولی سپس در نظرمخالف خودآنها را مشروحا" به بحث خواهم کشید:

(الف) عهدنامه مودت ۱۹۵۵ در روش تعیین غرامت چیزی نگفته است. بنابراین باید در پرتو اصول کلی و عرفی حقوق بین الملل آن را جستجو و تعیین کرد(۲) آقای برینر در بند ۱۱۰ حکم، این مطلب را مردود شناخته است.

(ب) حقوق بین الملل میان خلع ید مشروع و نامشروع تمایز قایل است. ولی از نظر آقای برینر فرقی میان این دو نیست. بندهای ۱۰۹ و ۱۱۰ حکم را بنگرید.

(پ) دیوان دایمی دادگستری بین المللی نیز در پرونده‌ٔ کارخانه خورژوف فرق قایل است میان غرامتی که به خلع‌ید مشروع تعلق می گیرد (که پرونده‌ٔ حاضر بوضوح همین است و دیوان در حکم جزیی آموکو نیز همین را گفته) و غرامتی که در خلع‌ید نامشروع باید پرداخت شود.(۳) آقای برینر به این فرق

---

(۲) "ولی بیان عبارت [مندرج درماده‌ٔ ۴ عهدنامه] مسا‌له روشی را که برای تعیین ارزش مال باید بکار گرفت، حل نکرده است" حکم پرونده‌ٔ آموکو، بند ۱۱۷. مشابه همین نظر از دیوانعالی ایالات متحده نیز در پرونده‌ٔ بانکو ناسیونال دو کوبا علیه ساباتینو صادر شده است . 84, Sup. Ct. 923 (1946)

(۳) رجوع کنید، برای مثال، به منابع زیر:
Hekin, Pugh, Schachter, Smit, International Law, Cases and Materials, p. 779; O'Connell, International Law, vol. II, pp. 781, 789.

وقعی ننهاده به طرزی بسیار عجیب در مفهوم "اعاده به وضع پیشین" دچار اغتشاش فکر شده است (بند ۱۱۰ حکم).(۴)

(ت) در پروندهٔ کارخانهٔ خورژوف که خلع‌ید بصراحت غیرقانونی شناخته شده بود، دیوان پرداخت عدم النفع را محدود به تاریخ صدور حکم شناخته بود. اما در این پرونده که خلع‌ید مورد ادعا، به موجب عهدنامه مودت، مشروع بوده نباید هیچ عدم النفعی برآن تعلق گیرد، آقای برینر از طریق روش "دی سی اف" برای تمام مدت باقیماندهٔ قرارداد ـ بیست سال پس از تاریخ خلع‌ید ـ عدم النفع داده است.

(ث) در حکم پروندهٔ آموکو، مرحوم پرفسور ویرالی ـــ مقام برجسته‌ای در حقوق بین‌الملل ـــ بصراحت استفاده از روش "دی‌سی‌اف" را در دعاوی ملی کردن صنعت نفت، رد کرده است. یعنی درست همان چیزی که در پروندهٔ حاضر مطرح است. اما آقای برینر این نظر حقوقی را بی ذکر هیچ دلیل نادیده گرفته است. وی به پروندهٔ استارت استناد می کند، تنها پرونده‌ای که در این دیوان به روش دی‌سی‌اف پرداخته ولی کاملا" با پروندهٔ حاضر بیگانه است(بند ۱۱۲). در استارت یک طرح آپارتمانسازی دوساله مطرح بود که آپارتمانها نیز پیش فروش شده و یا نزدیک به اتمام بود. در حالی که در این پرونده، ارزش حقوق قراردادی بیست ساله‌ای در صنعت نفت مورد ادعاست.

(ج) در حقوق بین الملل این اصل بخوبی مسلم است که غرامت باید برمبنای

---

(۴) قس.

Cheng, General Principles of Law, pp. 50-52.

خسارت قطعی باشد، نه برپایه فرضهای ذهنی. آقای برینر مصمم به استفاده از روشی ـــ دی‌سی‌اف ـــ شد که جزء جزء آن شدیداً مبتنی برفرض است.

(چ) خواهان خود در مدارک قابل دسترس برای عموم (پیوست ۷) سهم خود را از نفتی که به ادعا ملی شده، پانزده میلیون بشکه برآورده کرده است. دیگر پیشبینیهای فنی تهیه شده در آن زمان و نیز حقایقی که در اسناد ثبت شده‌ٔ خواندگان منعکس است همین رقم را تائید می کنند. بااین وجود، آقای برینر مبلغی برابر ۴۶/۵ تا ۴۸/۵ میلیون بشکه برای خواهان حکم صادر کرده است (بند ۱۲۴).

(ح) آقای برینر برای مقدار نفتی که در حکم منظور داشته دلیلی نیاورده و نه تحلیلی برای ارقام ریز آن ارائه داده است. ولی به نظر می رسد که گزارشها و اظهاراتی که خواهان و کارشناسانش در ۱۹۸۳ فقط به منظور این دیوان تهیه کرده بودند قسمتی از اساس کار وی را تشکیل می دهد. نگر. پیوست ۳.

(خ) آقای برینر در حکم خود مقادیر عظیمی نفت منظور کرده که از طرحهای بازیافت ثانوی باید به دست می آمد. این طرحها در ۱۹۷۹ بشدت نامطمئن و خیالپردازانه می بود. (بندهای ۱۲۱ تا ۱۲۳ حکم، قس پیوست ۳).

(د) آقای برینر باآنکه اذعان کرده است که پیشبینیهای ارزش نفت، بویژه آنچه که در ۱۹۷۹ تهیه شده بود، دستخوش نامطمئنیهاست ولی با این وجود حکم خود را برپایه‌ٔ آنها نهاد (بند ۱۲۵ حکم، قس. پیوست ۴).

(ذ) علیرغم آنکه پیشبینی ارزش نفت تهیه شده از سوی چیس ایکانامتریکس در پروندهٔ دیگر ـــ پروندهٔ ۵۵ ـــ موضوع عمدهٔ بحث قرار گرفته و خواندگان در آنجا همین خواندگان پروندهٔ حاضرند و هنوز هم تکلیف آن پرونده روشن نشده است، با این وصف، آقای برینر بتکرار به آن پیشبینی استناد کرده و بااین عنوان که نازلترین است استفاده از آن را توجیه کرده است. بدین ترتیب آقای برینر علیه خواندگان آن پروندهٔ دیگر بشدت مرتکب پیشداوری شده است.

(ر) فزون براین، همان پیشبینی ارزش نفت چیس ایکانامتریکس [که آقای برینر اعمال کرده] توسط همین دیوان در حکم جزیی ۳-۵۶-۳۱۰ بصراحت کامل رد شده است آنهم به وسیلهٔ قاضی پرفسور ویرالی و بااین استدلال که پیشبینی مزبور ذاتاً یک گمانپردازی و اشتباه است. آقای برینر نه تنها به این نظر قضایی اعتنایی نکرده، بلکه کوشیده است خلاف آن را به کرسی نشاند.

(ز) آقای برینر حکم خود را برپایهٔ این پیشبینی نهاده که حجم تولید و ارزش نفت پیوسته روبه افزایش است. آنهم به میزانی دو سه بار بیشتر از آنچه که پیش از انقلاب انتظار می رفت. او اصل عرضه و تقاضا را بکلی نادیده گرفته، در حالی که یکی از آثار انقلاب ـــ افزایش قیمت ـــ را به حساب آورده، اثر دیگر آن را نادیده گرفته، یعنی این وضعیت را که تولید نفت به نصف حجم تولید خود در پیش از انقلاب ایران رسیده بود.

(ژ) آقای برینر وقایع و خطرها [ی تهدید کنندهٔ سرمایه‌گذاری] را باهم خلط کرده است. بنابراین پاره‌ای از وقایع ـــ مانند وضعیت مالی شرکت نفت، سقف تولید، و تأخیرهای اجرای طرح ـــ را صرفاً در ردیف خطرها آورده است و برخی از خطرها را نیز که شدیداً اثر کاهنده بر ارزش حقوق ناشی از

قرارداد مشارکت داشته، بکلی نادیده گرفته است، به علاوه، وی اثر خطرهای باصطلاح "پراکنده شده"* را نیز نادیده گرفته است (بند ۱۳۶ حکم).

۱۱ - وسرانجام یادآوری این مطلب نیز جالب است که برحسب دلایلی که به دستم آمده برمن هویدا گشته که برخی از یادداشتها و مکاتبات مربوط به شور این پرونده فقط میان آقای برینر و آقای آلدریچ رد و بدل می شده که مرا از آنها در ناآگاهی نهاده بودند. مدرکی که به دست آورده‌ام نشان می دهد که آقای آلدریچ محاسباتی انجام داده برای تنزیل [عواید خالص حاصل از] جریان وجوه نقد در طول سالهای آینده که برای خواهان پیشبینی می کرد. پس‌از مطالعه این محاسبات ـ که مبنای تصمیمشان در تعیین غرامتی بود که در متن نهایی پیشین حکم درج کرده بودند ـ دریافتم که آنان مرتکب یک اشتباه ریاضی بزرگ شده‌اند. در ۲۸ ژوئن ۱۹۸۹، نامه‌ای به آقای برینر و آلدریچ نوشتم و برایشان طرز درست بکاربردن فرمول "دی‌سی‌اف" مورد استفاده در محاسبات خودشان را توضیح دادم و بیان داشتم که حتی براساس مفروضات خود آنها [اگر مرتکب آن اشتباه نمی شدند] مبلغ غرامت به ۲۸ میلیون دلار کاهش می یافت. آنان را دعوت به مذاکره کردم و بعلاوه خواستم که تمام یادداشتهایی را که در ارتباط با شور پرونده‌ٔ ۳۹ تنها میان خود ردوبدل کرده بودند، در اختیارم قراردهند. همچنین خواستم که علت این امر را بیان کنند که چرا مرا کاملا" در جریان تبادل نظرها و بحثهای خود قرار نداده بودند. رجوع کنید به پیوست ۸.

نخست آقای برینر انکار می کرد که چنین یادداشتهایی دریافت کرده باشد. آنگاه بیدرنگ نامه‌ای برایش نوشته از او خواستم که انکار خود را کتبا" تائید کند. وی از انکار کتبی خودداری کرد ولی فقط این را اظهار داشت که محاسباتی از دستیار

---

* منظور پراکنده‌کردن خطر از طریق سرمایه‌گذاری در پروژه‌های گوناگون است.

آقای آلدریچ دریافت کرده است. در این صورت، احساس من این است که آنان مرا از داشتن فرصت برای شرکت کامل در فرایند شور پروندهٔ ۳۹ محروم کرده‌اند. ازاین رو اعتراض خود را بر این شیوه به گوش آقای برینر که روند شور را بدینگونه اداره می‌کرد، رساندم. ولی او از دادن هرگونه اطلاعات و یا بیان این امر که چرا تبادل نظرها و یادداشتها فقط میان او و داور امریکایی باید صورت گرفته باشد، خودداری کرد. آقای برینر به جای پیمودن یک مسیر درست در آیین رسیدگی قضایی، فقط شایق آن بود که حکم هرچه زودتر امضا شود.

لاهـــه، ۹ تیر ۱۳۶۸ برابر با ۳۰ ژوئن ۱۹۸۹

سیـد خلیـل خلیلیـان

پیوست های بیانیه قاضی خلیلیان

در این باره که چرا امضای حکم نابهنگام بود

۱ ـ ماجرای تصدی پست ریاست دیوان توسط آقای برینر در ماه فوریه سال ۱۹۸۱

۲ ـ Répetoire des Administrateurs

۳ ـ مقدار نفت

۴ ـ قیمتهای نفت

۵ ـ هزینه تولید

۶ ـ مخاطرات

۷ ـ فرم 10-K

۸ ـ یادداشت

پیوست شماره ۱

ماجرای تصدی پست ریاست دیوان توسط آقای برینر
در ماه فوریه سال ۱۹۸۹

رئیس دیوان داوری میبایست با توافق داوران ایرانی و ایالات متحده انتخاب می‌گردید. بند یک ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی. بعد از استعفای آقای بوکشتیگل، داوران امریکائی پشتیبانی شدید و بیدریغ خود را از آقای برینر ابراز کردند. لیکن داوران ایرانی به سهم خود اعتقاد داشتند که تصدی ریاست دیوان داوری ایران ـ ایالات متحده توسط آقای برینر صحیح نیست، زیرا اولا" وی قبلا" در پرونده شماره ۵۵ توسط دولت ایران جرح شده بود و ثانیا" مادر وی امریکائی است (واقعیت مهمی که ضمنا" ایشان در سال ۱۹۸۵ هنگامی که برای اولین بار وارد دیوان شدند آنرا از ایران پنهان کردند) و بدون تردید با جامعه و فرهنگ امریکائی علقه‌های خانوادگی و عاطفی دارد. علاوه براین، باتوجه به حضور دو داور دیگر دیوان، یعنی پروفسور آرانجیو- روئیتس و پروفسور بنگت برومس که چهره‌های شاخصی در محافل حقوقی جهان غرب هستند، پافشاری داوران امریکائی از دید هر ناظر بیطرف و منصفی، نه تنها بیمورد و غیر قابل درک بنظر می آمد، بلکه علاوه بر آن، کاری بود به مثابه دریغ فرصت تصدی پست ریاست دیوان از افرادی که بیش از آقای برینر واجد صلاحیت بودند. به عنوان مثال، هنگامی که به سوابق آقای برومس می‌نگریم، می‌بینیم که وی سوابق ممتدی نه تنها در مدیریت، بلکه در امور تحقیقی و دانشگاهی نیز دارد. برای مثال، ایشان چندین جلد کتاب و دهها مقاله در رشته حقوق بین‌الملل برشته تحریر در آورده است. بارها به عنوان عضو یا رئیس هیئت نمایندگی فنلاند در مجمع عمومی سازمان ملل شرکت و غالبا" ریاست یا معاونت کمیسیونهای مخصوص آن را به عهده داشته است. آقای برومس در

چندین دانشگاه تدریس کرده و رئیس دانشکده حقوق و همچنین عضو و مخبر انجمن حقوق بین‌الملل بوده و از طرف دولت فنلاند نامزد عضویت در مرکز بین‌المللی فیصله اختلافات سرمایه‌گذاری شده است. از سال ۱۹۸۵، عضو دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی و از سال ۱۹۸۰ عضو هیئت اجرائی انجمن حقوق بین‌الملل، رئیس هیئت مدیره انستیتوی کشورهای درحال توسعه در دانشگاه هلسینکی و از سال ۱۹۷۰ رئیس انستیتوی حقوق بین‌الملل در آن دانشگاه بوده است. علاوه برآن، آقای برومس تصدی پستهای دانشگاهی و حرفه‌ای گوناگون دیگری را نیز به عهده داشته است. به همینگونه، پروفسور آرانجیو- روئیتس نه تنها سوابق ممتدی در رشته‌های آکادمیک و دانشگاهی دارد، بلکه عضو انستیتوی حقوق بین‌الملل و کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل نیز بوده است.

در مقابل چنین تجارب گسترده‌ای، مسلما" بی‌معنی است که تصور شود آقای برومس یا آقای آرانجیو- روئیتس شایستگی ریاست این دیوان داوری را نداشته‌اند. در هرحال، هنگامی که داوران امریکائی از جلب موافقت داوران ایرانی در انتخاب آقای برینر به عنوان رئیس دیوان مأیوس شدند، دولت ایالات متحده به طور یکجانبه به آقای مونز متوسل شد و همچنانکه داوران امریکائی از پیش اشاره کرده بودند، وی آقای برینر را به ریاست دیوان منصوب کرد، گرچه بخوبی می‌دانست که آقای برینر مورد وثوق دولت ایران نیست، و آگاه بود که این انتصاب نه تنها در قواعد دیوان مجاز نیست بلکه بند ۱ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی صراحتا" مقرر می دارد که رئیس دیوان داوری باید با توافق داوران ایرانی و امریکائی انتخاب شود و بهترین دلیلی که آقای مونز برای این تصمیم خود ارائه نمود آن بود که آقای برینر به علت داشتن سه سال تجربه کار در دیوان، نسبت به پروفسور آرانجیو- روئیتس و پروفسور برومس انتخاب اصلح است.

(مستخرج از اظهارنظر منتشره در Iranian Assets Litigation Reporter مورخ هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ [۲۸ آوریل ۱۹۸۹] صفحات ۳-۱۷۲۰۲)

Orell Füssli 1986

Verzeichnis der Verwaltungsräte

Répertoire des Administrateurs

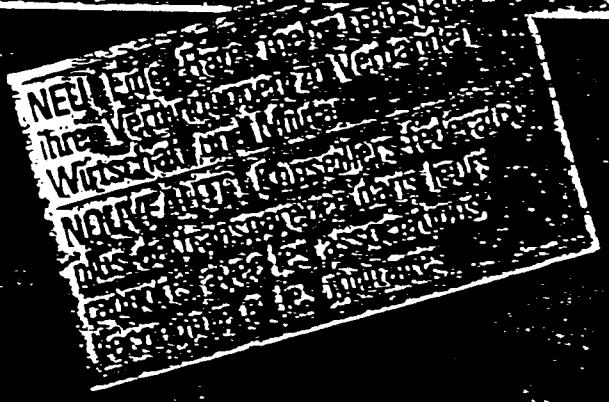

JAGUAR

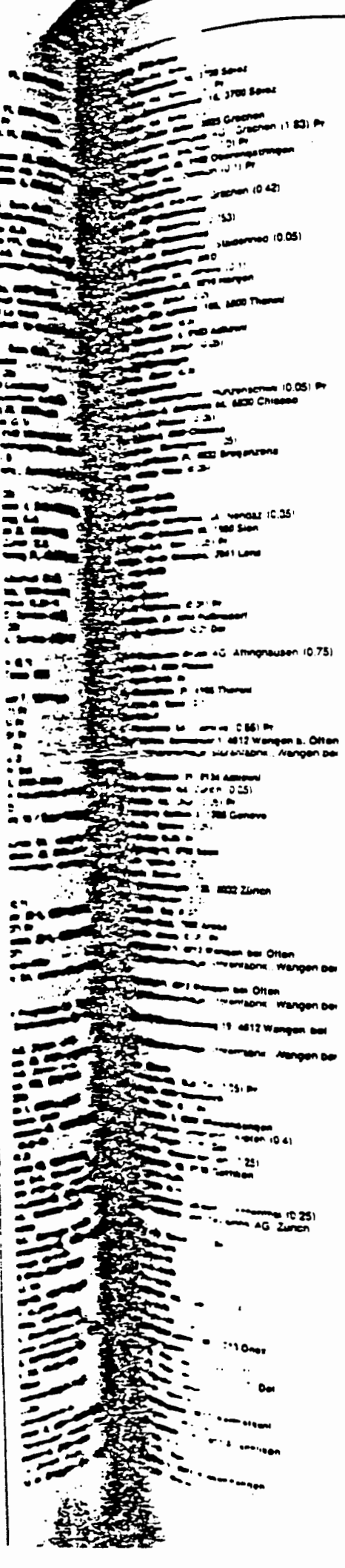

Brinner Peter, Stefa
e AG Trubel Zürich (0.5)
Brinner Roger Dr., 1290 Genève
x Sorachar Energie AG, Oberentfelden (34.4)
Brinner Robert Dr., 1224 Chêne-Bougeries
x Bosmich AG Zürich (0.1)
e Burbaviw-Suisse) SA Genève (0.15)
e Burhov (Europe) SA Chêne-Bougeries (0.05) Pr
x Combined Technologies Comtech SA Saanen (0.5)
e Conac AG Studen bei Brugg (0.5)
Commor SA Genève (4.4)
x Editions Challenge SA Genève (0.1)
x Geosouc SA Genève (0.6)
x Grindley Brandts AG Zürich (10.0)
x Hanequin Entreprise SA Fribourg (0.065)
x Heller Freres SA Fribourg (0.05)
x Hobam AG Basel (0.7)
x Hobam (Swiss) AG Regensdorf (2.5) Pr
x Honda Automobiles (Suisse) SA Satigny (4.0)
x Honda (Suisse) SA Genève (3.0)
x Husimt SA Fribourg (2.904)
x Institut Cerac SA Ecublens VD (2.0)
x Manutention Montage Maintenance M 3 Services SA, Genève (0.05)
e Morgan Stanley SA [illegible] (0.5) Pr
x Nitro Nobel International SA Fribourg (0.7)
x Office nouveau du nettoyage Onet SA Genève (0.3)
x Phenix SA Fribourg (1.443)
x Settlements SA Fribourg (0.15)
x Societe de Participations dans le domaine alimentaire SA Fribourg (2.0)
x St Mary Axe SA Fribourg (0.05)
x Swedish Match Consumer Products SA Nyon (1.98055)
x The Weir Group International SA Fribourg (6.0)
e Tranitas SA Genève (1.44)
x Tricentro SA Genève (3.0)
TRW International SA, Genève (3.88)
Wallis of London AG Zürich, Zürich (0.05) Pr
Brinner Robert Georg Dr., Weissenaustr. 15, 8820 Wädenswil
x Computervision Appnet Graphics Systems AG Zürich (0.25)
x Miniaturwerke AG Luzern (0.5) Pr
x Walter + Schmidlin Ultraschallsystemtechnik AG Frauenfeld (0.1)
Brinner Roland E. R., Chêne-Bougeries
Bosmich (Europe) AG Zürich (0.05)
Brinner Stephan Dr., Kemmelhalde 13, 6043 Adligenswil
Dipa Immobilien AG Ebikon (0.1)
Brinner Werner Unt. Mattenstrasse, 4656 Starrkirch-Wil
e Brinner Hedgo AG Olten (0.1)
Bringhen Hugo, Kantonsstr. 22, 3930 Visp
x Bringhen Hans Baumaterial AG Visp (0.2) Pr
x Faschingbeton Baltschieder A G Baltschieder (0.1) Pr
x Sand und Kies A G, Baltschieder (0.1) Pr
e Santag AG Thun (0.2) Pr
Bringhen Jean-Pierre Dr., Kantonsstr. 22, 3930 Visp
x Bringhen Hans Baumaterial AG Visp (0.2)
x Deponie Teuffa AG Mühleberg (1.2)
x Energa Berstungs AG, Bern (0.3) Pr
e Santag AG Thun (0.2)
Bringolf Alain, Sombaille 5, 2300 La Chaux-de-Fonds
x Aress Aeroport regional des Eplatures SA La Chaux-de-Fonds (0.05)
x Bel-Air-Est S.A. La Chaux-de-Fonds (0.12)
x Bloc 30 SA La Chaux-de-Fonds (0.1)
x Bois-Noir-Ouest S.A. La Chaux-de-Fonds (0.12)
x Centre regional d incineration des ordures SA (Cridor), La Chaux-de-Fonds (0.1)
x Compagnie des Transports en commun La Chaux-de-Fonds La Chaux-de-Fonds (0.65)
x Ecler S.A., La Chaux-de-Fonds (0.108)
x Fermes S A La Chaux-de-Fonds (0.2)
x Immeubles Avenue des Forges Modema SA., La Chaux-de-Fonds (0.151)
x Immobilere Voirs S A La Chaux-de-Fonds (0.1)
x Scene des Eplatures SA La Chaux-de-Fonds (2.0)
x SI Café des Sports SA La Chaux-de-Fonds (0.05)
x SI Grenier 22 SA La Chaux-de-Fonds (0.05)
x SI Les Bassets SA La Chaux-de-Fonds (0.05)
x SI Locative SA La Chaux-de-Fonds (0.1)
x SI rue Leopold-Robert 114 SA La Chaux-de-Fonds (0.135)
x SI Sophie-Mairet 13 et 15 SA La Chaux-de-Fonds (0.1)
x Soreuest SA La Chaux-de-Fonds (0.05)
Bringolf Lucien, r. des Chevreuils 23, 2300 La Chaux-de-Fonds
e Adecus communications reseaux et verbaux, La Chaux-de-Fonds (0.05) Pr
Bringolf-Bringolf Reinhard gen. Rene, Hallau
x Spar- und Leihkasse Hallau, Hallau (0.5) Pr
Brinner Alfred Dr., Gewerbeweg (D)
e Ruggli Kan AG Frauenfeld (0.05) Pr
Brinkmann Günther, Bremen D
e Isolierbau AG Wettingen (0.1) Pr
Brinkmann Hans Joachim Dr., Bottmingen D
e Suntasit AG Meilen (0.1) Pr
Brinkmann Hermann, Untermattstr. 20, 5452 Oberrohrdorf
x Mecatrans SA Fribourg (0.1)
Brinkmann Horst, Speicher D
x ASD Autoradio-Spezial-Dienst AG Zürich (0.16) Pr
Brinkmann Liliane, Husliberstr. 78, 8041 Zürich
Wegmann & Brinkmann AG Zürich (0.1)
Brinkmann Rainer, Husliberstr. 78, 8041 Zürich
e Wegmann & Brinkmann AG Zürich (0.1)
Brintzinger-Broglie Marianne, Gumtershausen, 8584 Leimbach TG
x Prografica AG Baar (0.05)
Briod Bernard, case postale 20, 1822 Chernex
e Briod S A Montreux (0.05)
Briod Christian, ch. des Fleurs 18, 1023 Crissier
e Briod Paul SA Prilly (0.05)
Briod Paul, av. Mont-Goumin 35, 1008 Prilly
e Briod Paul SA Prilly (0.05) Pr
Briod Pierre-Andre, case postale 1083 Mezieres VD
e Alicom SA Mezieres VD (0.1)
x Fibeca SA Hermenches (1.0)
e Fonlec SA Mezieres VD (0.05)
e Gestilm S A Mezieres VD (0.05)
Briod Robert, rte de Breve 1, 1008 Prilly
x Sovecol S A Villars-sle-Crans (0.05)

Brion Alain, Pens F
e Omnium de Petroles SA Geneve (18.0)
Brion-Castella Claudine, Rte-Orangis
x Castella Sports SA Buire (0.1)
Brion Michel, Essery F
e Silverstein SA Geneve (0.05) Pr
Brioschi Guido, via Nassa 17, 6900 Lugano
e Imcosi SA Lugano (0.05)
Brioschi Guido, str. di Pulmegnano 26, 6877 Runogliano
e Sogedar SA Lugano (0.25) Pr
Briquet Louis C., r. Lamartine 6a, 1200 Geneve
e Si rue de Candolle 17 Geneve (0.05)
e Sonmo SA Sion (0.05)
Briquet-Tzanetea Renee, r. Lamartine 18, 1203 Geneve
e Racka SA Vex (0.05)
Briquet Luc, en Geneveaz, 1806 Chessaux
e Giampietro A SA Chexbres (0.05)
e Sotorebo SA Montreux (0.05)
Brissard Marc, r. du Mont 30, 1207 Geneve
e Amigone S.A. Geneve (0.05)
Brissard Paul, ch. Grange-Canal 31, 1208 Cologny
x Satram-Hunes SA Basel (0.75)
x Tannleger Tagerschen AG Tagerschen (0.6816) Pr
Bristow Thomas H., Billericay GB
e Arcas AG Zug (0.25) Pr
Britschgi Alois Martin, 6072 Sachseln
x Wobag Wohnbau AG Sachseln Sachseln (0.2)
Britschgi Edgar, Feldweg 5, 8134 Adliswil
e BTX-Partner AG Zürich (0.05) Der
e Comes Management AG Zürich (0.05)
x Key Trust Company Ltd Zug (0.1)
e Kvpemec AG Zürich (0.05) Pr
x Werbeagentur BMP AG Zürich (0.1)
Britschgi Hans W. Wim-Str 10, 5000 Aarau
e Decorace AG Buchs AG (5.0)
e Hassim AG Aarau Aarau (0.5)
x Hassler Hans AG Bern Bern (0.45)
x Hassler Hans AG Luzern Luzern (0.45) Pr
e Hassler Hans AG Zug Zug (0.2) Pr
x Hassler Hans AG Zürich Zürich (0.3) Pr
e Vidal Vitali AG Zürich (0.15) Pr
Britschgi Hugo, Schwendli, 6063 Stalden (Samen)
x Hotel Langis AG Samen (0.8)
e Irving Trading SA Samen (0.054) Pr
x Wobag Wohnbau AG Sachseln Sachseln (0.2)
Britschgi Ignaz Dr., Poststr. 5, 6060 Samen
x Druckgusswerk Fischer AG Alpnach (0.3)
e Ehns SA Engelberg (0.1)
x Lignoform Modelbau AG Samen (0.05)
x Wegenstein Management Holding AG Samen (0.5)
x Wegenstein Management Samen AG Samen (0.05)
Britschgi Joseph, av. du Thonex 7, 1226 Thonex
x AG Britschg zum Kreuz, Baltschieder (0.8) Pr, Der
x Les Editions Nagel SA Geneve (0.25)
e Restaurant Burestube AG Brittnau (0.1)
Britschgi Leopold, Steinenstr. 5, 6048 Horw
e Dürrer & Britschgi AG Horw (0.05) Der
Britschgi-Irving Margareta, Schseine, 6060 Samen
e Irving Trading SA Samen (0.054) Der
Britschgi Peter, Ursenerstr. 68, 8952 Schlieren
x Brunnmann Brennstoffe AG Schaffhausen (0.4) Pr
x Burke AG Zürich (1.0) Pr
x Frahn AG, Zürich (0.5)
e Maqus AG Zürich (0.054)
x Meyer A H AG Glarus Glarus (0.05)
x Olbena SA Menonsio (0.5)
e Olesq AG Zürich (1.0)
Britschgi Robert, Brattelweg 5, 6064 Kerns
x Bergbahnen Melchsee-Frutt-Bonistock AG, Kerns (2.2) Pr
x Restaurant Bonistock AG Kerns (0.6) Pr
Britt Alois, Grossratsstr. 42, 7320 Sargans
e Britt AG, Sargans (0.05)
Britt Anita, Nagelimweg 5, 8274 Tägerwilen
e Britt Holding AG Winterthur (0.05)
e Hamer-Reisen Winterthur AG, Winterthur (0.1)
Britt Hanspeter, Geissbergstr.62, 8280 Kreuzlingen
e Bewator AG Zürich, Zürich (0.1)
Britt Karl, Sennenblick, 7321 Schwendi (Weisstannental)
e Britt & Sonne AG Kan Mels (0.05) Pr
Britt Rudolf, alt Förstermeus, 7321 Weisstannen
e Britt & Sonne AG Kan Mels (0.05)
Britt Verena, Dorfli 384, 4656 Balzenwil/Glasmatten
e Restaurant Hubeli AG Murgenthal (0.05)
Britt Viktor, Neugutweg, 8887 Mels
e Britt & Sonne AG Kan Mels (0.05)
Britz Helmut, Zentralstr. 142, 8003 Zürich
x AG Anderheiden Zürich (0.05)
Brivio-Bella Elvezia, via privata Bella, 6850 Mendrisio
e Cinzia Partecipazioni SA Menonsio (0.1)
Brivio Ricardo, Ufficio v.Curti 19, 6900 Lugano
e Commercibe - Labor SA Arti Grafiche Lugano (0.4) Pr
Brivio Riccardo Arbedomo, 6922 Morcote
e Mammoa SA Lugano (0.05)
x Water Line SA Mezzovico (6.0)
Brixner Ulrich Dr., Dreieich-Buchschlag D
x BEG Bank Europäischer Genossenschaftsbanken, Zürich (60.0)
Brizon Frederic, Bouveret F
x Achine Edwerc SA Fribourg (0.1)
e Progon SA Geneve (0.05)
Brizzi David, Hohmen Guter-Str. 5, 8494 Bauma
e Elektro-Brizzi AG Bäretswil (0.1)
Brizzi Gertrud, Bonnadstr. 13, 8344 Bäretswil
e Elektro-Brizzi AG Bäretswil (0.1)
Brizzi Heinz, Bonnadstr. 13, 8344 Bäretswil
e Elektro-Brizzi AG Bäretswil (0.1) Pr
Brizzi Yvan, prom des Pecheurs 18, 1950 Sion
x Ideos SA Vetroz (0.1) Pr
Brocard Andre, La Praine, 1315 La Sarraz
e Traitements Thermiques Brocard SA La Sarraz (0.1)
Brocard Andre, Hippodrome 17, 1400 Yverdon
Electro-Mesos Noiers (40.0)
x Port-franc et Entrepots de Lausanne-Chavornay SA (PELA) Chavornay (4.0)
x Usines de l Orbe Orbe (1.268)
Brocard Michel, rue Couvaloup 24, 1110 Morges
x Bures SA Vernier (0.05)
x Tabis Yvon SA Lausanne (0.05)

Briner Kurt, Rte du Grand-Lancy 146, 1213 Onex
e Sanofi Pharma SA, Plan-les-Ouates (1 73) Del
e Sopharma SA, Plan-les-Ouates (0 05)
Briner Lukas Dr., Verenapasse, 8916 Wettswil
e Radar-Plan AG, Hegnau, Volketswil (0 2)
Briner Max Dr., Alte Landstr. 115, 8803 Rüschlikon
k Ergon Informatik AG, Zürich (0.05) Pr
e Hatina Bau AG, Baar (2 0)
e Hatina Treuhand AG, Baar (0.1)
e Umbautz AG, Zürich (0.2)
Briner Nelly, Eggwiesstr.3, 8842 Wiesendangen
k Briner Kiesgrube AG, Wiesendangen (0.25)
Briner Peter, Kantonsstr. 38, 8203 Schaffhausen
k Moensoom-Scherer AG, Schaffhausen (0.05)
Briner Robert Dr., Ch. Chasseau-Rouge 3, 1231 Chêne-Bougeries
k Agefi Gesellschaft der Agence Economique et Financiere AG, Zürich (0.35) Pr
k Bostitch AG, Zürich (0.1)
e Bostitch (Europe) AG, Zürich (0.05)
e Burberrys (Suisse) SA, Geneve (0.15)
e Burnov (Europe) SA, Chêne-Bougeries (0.4) Pr
e Conac AG, Studen (0.5)
k Damilow SA, Geneve (0.05)
k Emiw Marketing SA, Fribourg (1.0)
k Geosouc SA, Geneve (0.6)
e Gold Fields Holding SA, Geneve (0.1) Pr
k Grindlay Brandts AG, Zürich (10.0)
k H & M Hennes & Mauritz SA, Geneve (1.3)
k Harlequin Entreprise S.A., Fribourg (0.065)
k Harlequin Fribourg SA, Fribourg (0.05)
k Heller Freres SA, Fribourg (0.05)
k Hobart AG, Basel (0.7)
k Hobart (Swiss) AG, Regensdorf (2.5)
k Hotti SA, Fribourg (4.0)
k Honda Automobiles (Suisse) SA, Satigny (4.0)
k Honda (Suisse) SA, Geneve (3.0)
k Husint S.A., Fribourg (2.904)
k Institut Cerec SA, Ecublens (2.0)
Unitas AG, Zürich (0.05)
k Manutention Montage Maintenance M 3 Services SA, Geneve (0.05)
k Morgan J.P. (Suisse) SA, Geneve (10.0)
e Morgan Stanley SA, Geneve (0.5) Pr
k Nitro Nobel Financing and Leasing SA, Geneve (0.1)
k Office nouveau du nettoyage Onet SA, Geneve (0.3)
k Orinter SA, Geneve (0.5)
k Pronto SA, Fribourg (1.443)
k Settlements SA, Fribourg (0.150)
Siber Hegner Holding AG, Zürich (8.0)
k Societe de Participation dans le domaine alimentaire SA, Fribourg (2.0)
k St Mary Axe SA, Fribourg (0.05)
k The Maersk Company (Suisse) SA, Geneve (0.5)
k The Weir Group International SA, Fribourg (6.0)
e Tranitex SA, Geneve
k Tricentrol SA, Geneve (0.3)
e TRW International SA, Geneve (3.99)
k Wellis of London AG, Zürich, Zürich (0.05)
Briner-Eidenbenz Robert Dr., Hummelgenstr. 77, 8704 Herrliberg
k Comomed Technologie Comtech SA, Vevey (0.5)
Briner Robert Georg Dr., Weissenhaustr. 15, 8820 Wädenswil
k Computervision Applied Graphics Systems AG, Kloten (0.25)
Briner Ruth, Wülflingerstr.224, 8408 Winterthur
e Grogi AG, Winterthur (0.1) Del
Briner Stephan Dr., Kehlhofmatte 13, 8043 Adligenswil
Diga Immobilien AG, Ebikon (0.1)
Briner Werner, Unt. Mattenstrasse, 4888 Starkirch-Wil
e Briner Hebgo AG, Olten (0.1)
Bringhen Hugo, Kantonsstr. 32, 3930 Visp
k Bringhen Hans Baumaterial AG, Visp (0.2) Pr
k Frischbeton Baltschieder AG, Baltschieder (0.1) Pr
k Kies- und Zementprodukte AG, Susten Gmo Leuk (0.15)
k Sand & Kies AG, Baltschieder (0.1) Pr
e Santag AG, Thun (0.2)
Bringhen Jean-Pierre, Kantonsstr. 32, 3930 Visp
k Bringhen Hans Baumaterial AG, Visp (0.2)
k Deponie Teufital AG, Mühlebera (1.2)
Kovac Kehrichtverwertungs AG Dudingen, Düdingen (0.1)
Santag AG, Thun (0.2)
Bringolf Alain, Semaille 6, 2300 La Chaux-de-Fonds
e Bel-Air-Est SA, La Chaux-de-Fonds (0.12)
e Bloc 30 SA, La Chaux-de-Fonds (0.1)
e Bois-Noir-Ouest SA, La Chaux-de-Fonds (0.12)
k Centre regional d incineration des ordures SA (Cridor), La Chaux-de-Fonds (0.1)
e Eclair SA, La Chaux-de-Fonds (0.108)
e Famma SA, La Chaux-de-Fonds (0.2)
k Immeubles Avenue des Forges Mederma SA, La Chaux-de-Fonds (0.151)
k Immobilere Vorta SA, La Chaux-de-Fonds (0.1)
k Scierie des Epatures SA, La Chaux-de-Fonds (2.0)
e Si Cafe des Sports SA, La Chaux-de-Fonds (0.05)
e Si Grenier 22 SA, La Chaux-de-Fonds (0.05)
e Si Les Bassets SA, La Chaux-de-Fonds (0.05)
e Si Locative SA, La Chaux-de-Fonds (0.1)
e Si Rue Leopold-Robert 114 SA, La Chaux-de-Fonds (0.135)
e Si Sophie-Mairet 13 et 15 SA, La Chaux-de-Fonds (0.1)
e Sotiquest SA, La Chaux-de-Fonds (0.05)
Bringolf Lucien, 7 des Chevreuils 22, 2300 La Chaux-de-Fonds
e Agences communications visuelles et verbales, La Chaux-de-Fonds (0.05) Pr
Brink Willem, Schoonhoven (NL)
e Intercoating AG, Bassersdorf (0.6)
Gasthuber Charles, Rheinweg, 8260 Stein am Rhein
e Herose Gabriel AG, Rehen (0.15) Pr
Brinser Alfred, Gevelsberg (D)
e Ruggli Karl AG, Frauenfeld (0.05) Pr
Brinkmann Gunther, Bremen (D)
e Isoliertechnik AG, Baden (0.1) Pr
Brinkmann Hans Joachim, Delmenhorst (D)
e Sumasit AG, Wallisellen (0.1) Pr
Brinkmann Heinrich, Unterheidestr. 20, 5452 Oberrheindorf
e Mecatrans SA, Fribourg (0.1)
Brinkmann Horst, Spiesen (D)
e ASD Autoradio-Spezial-Dienst AG, Zürich (0.16)
Fortsetzung)
k Auto Sound AS Radio Marketing AG, Zug (0.05)
Brinkmann Liliane, Hueblisacker 78, 8041 Zürich
Wegmann & Brinkmann AG, Zürich (0.1)
Brinkmann Rainer, Hueblisacker 78, 8041 Zürich
e Wegmann & Brinkmann AG, Zürich (0.1)
Brinzinger-Gregoire Marianne, Quartiersaussen, 8584 Lauchaden TG
k Progranica AG, Baar (0.05)
Briod Andre, ch. des Noyers 18, 1032 Romanel-sur-Lausanne
CTSR carrefour du tennis et du squash SA, Romanel-sur-Lausanne (1.55)
Briod Bernard, case postale 20, 1822 Chernex
e Brod SA, Montreux (0.05)
Briod Christian, ch. des Fleurs 18, 1023 Crissier
e Brod Paul SA, Prilly (0.05)
Briod Daniel, Av. General Guisan 38, 1009 Pully
e Gradvion SA, Mont s/Rolle (0.5)
Briod Paul, av. Mont-Gauvin 38, 1008 Prilly
e Brod Paul SA, Prilly (0.05) Pr
Briod Pierre-Andre, case postale, 1083 Mezieres VD
e Fontes SA, Mezieres (0.05)
e Gestrim S.A., Mezieres (0.05)
e SBAG Schutzner Betreuungs AG, Mézieres (0.05)
Briod Robert, Rte de Brove 1, 1008 Prilly
e Campomat S.A., Villars-Ste-Croix (0.05)
e Sovecol SA, Villars (0.05)
Brion Alain, Paris (F)
e Omnium de Petroles S.A., Geneve (18.0)
Brion Claudine, Rte-Orangre
k Castella Sports SA, Buile (0.1)
Brion Michel, Essery (F)
e Silverstein SA, Geneve (0.05) Pr
Brioschi Arcangelo, 6951 Oggio
k Bauter SA, Ponte Capriasca (0.05) Pr
Brioschi Flavia, Brioschi, 6951 Oggio
k Bauter SA, Ponte Capriasca (0.05)
Brioschi Guido, Str. di Rumegnone 28, 6977 Rumegliono-Lugano
e PPA Professional Partners SA, Lugano (0.05)
e Sogepar SA, Lugano (0.25) Pr
k Unicom SA, Lugano, Lugano (0.1)
Brioschi-Gionella Luisa, 6900 Lugano
k Clinica San Rocco S.A., Grono (3.3)
Briaue Louis, rue Lamartine 8, 1203 Geneve
e Si rue de Candone 17, Geneve (0.05)
Briaue-Tzenowska Renee, r. Lamartine 10, 1203 Geneve
e Radka SA, Les Collons-ves (0.05)
Brissard Marc, r. du Nant 30, 1207 Geneve
e Antigone S.A., Geneve (0.05)
Brissard Paul, ch. Grange-Canal 31, 1208 Cologny
k Satram-Hunes SA, Basel (0.75)
k Tankiager Tagerschen AG, Tägerschen (0.880) Pr
Bristow Thomas Henry, Billerasy (GB)
e Arkas AG, Zug (0.25) Pr
Britschgi Alois, Mettli, 6072 Sachseln
e Britschgi A. AG, Sachseln (0.05)
Britschgi Blasius, Mettenwerkhaus, 6078 Bettwil
k Buchmann & Britschgi AG, Inwil (0.1) Pr
Britschgi Edgar, Feldweg 5, 8134 Adliswil
e BTX-Partner AG, Zürich (0.05) Del
Combo Management AG, Zürich (0.05)
k Key Trust Company Ltd., Zug (0.100)
e Kybernec AG, Zürich (0.05) Pr
Britschgi Hans Werner, H. Wirt-Str. 10, 8800 Aarau
k Decorado AG, Buchs AG (5.0)
e Hassam AG Aarau, Aarau (0.9)
k Hassler Hans AG, Bern, Bern (0.45)
k Hassler Hans AG, Luzern, Luzern (0.45) Pr
e Hassler Hans AG, Zug, Zug (0.2) Pr
k Hassler Hans AG, Zürich, Zürich (0.3) Pr
e Vidal, Vital AG, Zürich (0.151) Pr
Britschgi Hugo, Schwandi, 6063 Stalden
k Hotel Langis AG, Sarnen (0.8)
e IrvingTrading SA, Sarnen (0.05) Pr
Britschgi Ignaz Dr., Postst. 8, 6060 Sarnen
e Angelomontana Holding AG, Engelberg (0.25)
k Druckgusswerk Fischer AG, Alpnach (0.3)
e Efina SA, Engelberg (0.1)
k Landenberg Druckgerei, Sarnen (0.3) Pr, Del
k Lignoform Modelbau AG, Wilen, Gde Sarnen (0.05)
k Wegenstein Management Holding AG, Sarnen (0.5)
k Wegenstein Management Sarnen AG, Sarnen (0.05)
Britschgi Josef, 5708 Birrwil
e Restaurant Burestube AG, Birrwil (0.1)
Britschgi Joseph, Rte de Chêne 106, 1224 Chêne-Bougeries
e AG Britschgi zum Kreuz, Sachseln (0.5) Pr, Del
Britschgi Leopold, Steinmattr. 6, 6048 Horw
e Durrer & Britschgi AG, Horw (0.05) Del
Britschgi-Irving Margarete, Schwandi, 6060 Sarnen
e IrvingTrading SA, Sarnen (0.05) Del
Britschgi Peter, Urdorferstr. 68, 8952 Schlieren
k Bruhmann Brennstoffe AG, Schaffhausen (0.4) Pr
e Bürke AG, Zürich (1.0)
k Frahn AG, Zürich (0.5)
e Magus AG, Zürich (0.064)
k Meyer A.H. AG, Glarus, Glarus (0.05)
k Ottens SA, Menorisio (0.5)
e Olasa AG, Zürich (1.0)
Britschgi Robert, Breitenweg 6, 6004 Kerns
e Bergbahnen Melchsee-Frutt-Bonstock, Kerns (2.2)
k Restaurant Bonstock AG, Kerns (0.6) Pr
Britt Alois, Grossfeldstr. 42, 7320 Sargans
e Britt AG, Sargans (0.05)
Britt Josef Dr., Promenadenstr. 87, 8400 Rorschach
e Avpont Allenmoos AG, Allenmoos-Thal (1.0) Del
e Repair AG, Allenmoos, Gde Thal (0.1) Del
Britt Karl Sonnenbuck, 7321 Schwendi (Weissstannental)
e Britt & Sohne Karl AG, Schwendi, Gde Mels (0.05) Pr
Britt Rudolf, ort Forstemeus, 7321 Weisstannen
e Britt & Sohne Karl AG, Schwendi, Gde Mels (0.05)
Britt Viktor, Neugutweg, 8887 Mels
e Britt & Sohne Karl AG, Schwendi, Gde Mels (0.05)
Britz Helmut, Birmensdorferstr. 511, 8055 Zurich
e AG Angermaiden, Fehraltorf (0.05)
Britz John, London (GB)
e Foto Fast AG, Zermatt (0.1)
Brivio-Botto Elvezia, via Medemne, 6850 Menendso
e Ditta Partecipazioni, via Medemne, 6850 Menendso (0.1)
Brivio Riccardo, 6822 Maroggia
e Commerciale-Labor S.A., Arti Grafiche, Lugano
Britz Knud, Jystrupminde (DK)
Schaller F.w. AG, Pfäffikon (0.1)
Brizzi Dario, Heinrich Gujer-Str. 5, 8484 Seuzach
e Elektro-Brizzi AG, Bäretswil (0.1)
Brizzi Gertrud, Bennwartstr. 13, 8344 Bäretswil
e Elektro-Brizzi AG, Bäretswil (0.1)
Brizzi Heinz, Bennwartstr. 13, 8344 Bäretswil
e Elektro-Brizzi AG, Bäretswil (0.1)
Brizzi Yvan, prom. des Pecheurs 16, 1009 Pully
e Ideas SA, Vetroz (0.1) Pr
Brocard Andre, La Prairie, 1718 La Sarraz
e Traitements Thermoluxe Brocard SA, La Sarraz
Brocard Andre, Hippodrome 17, 1400 Yverdon
Compagnie des chemins de fer du Jura (C.J.), (10 851)
Compagnie du Chemin de fer de Glion sur Rog
Nave, Montreux (2.222)
Compagnie du Chemin de Fer d'Yverdon à Ste-C
Yverdon (2 4)
Compagnie du Chemin de fer Montreux-Oberl
Montreux (10 667)
Compagnie du Chemin de fer Pont-Brassus, La
(0 9905)
Electra-Massa, Naters (40 0)
k Pont-franc et Entrepots de Lausanne-Chevres (PESA), Chavornay (4 0)
Sammelstelle (SEZ), Zwesimmen (3 9025)
k Usines de l Orbe, Orbe (1 068)
Brocard Michel, rue Couvaloup 24, 1110 Morges
k Guy & Morisot Bureautique SA, Gland (0.100)
e Radio Sonora Kopp et Perregrino SA, Lausanne
k Tapis Tivoli SA, Lausanne (0.05)
Brocca-Affentranger Brigida, Via al Roccolo 4, 6932 Bregenzona
e Gemines SA, Bregenzona (0.05)
Brocchi Bruno, case Gemoem, 6725 Gentilino
e Camenzind-Brocchi-Semmelsauer Studio d Archi Lugano (0.1512)
Brocchi Pietro, v. Motta 38, 6900 Lugano
e B I N T Finanzgesellschaft fur Holzwerte A G., (0.054) Pr
e Burex SA, Lugano (0.05)
e Cav SA, Chur (0.05) Pr
e Daschin S A., Davos (0.05) Pr
e Delcius S A., Coira (0.05)
e Delta SA, Chur (0.05)
e Dona S A., Chur (0.05)
e Feiermoos SA, Davos (0.05)
e Finanar AG, Disentis (0.05)
e Formin S A., Disentis (0.05)
e Goldlowe S A., Chur (0.05) Pr
e Grigna SA, Davos (0.05) Pr
e Kinke SA, Davos (0.05) Pr
e Laena Societa per investimenti Finanzieri industriali commerciali, Chur (0.05)
e Pasidomo S A., Coira (0.05)
e Preiss SA, Davos (0.05) Pr
e Severeco SA, Davos (0.05) Pr
e Simser A G., Chur (0.05)
e Surmonin SA, Disentis (0.05)
Brocco Albert, Rosenweg 2, 3270 Aarberg
k Muwa AG, Lyss (0.05) Pr
Broccole Ennio, 6943 Vezia
k Kurhotel Al Ronc AG, Zürich (2.0)
Broccoli Guilermo, Monza (I)
k SA Angras Mortzino, Chiasso (0.05)
Broch Beatrice, Les Gentianes, 1837 Chernex
k Repond Andre SA, Chernex (0.3)
k Si Charmessa, Chernex (0.05)
Brochaim Robert, Gossonex (B)
k Wimobe SA, Sion (0.05)
Brocher Claudine, 1261 Grens
e Gems Jacqueline S.A., Grens (0.05)
Brocher Jacques, 18 Ch. de la Fraisaie, 1224 Chêne-Bougeries
Comater SA, Cologny (0.05)
Brocher Jean-Francois, pl. Bourg-de-Four 9, 1204 G
e Cadrente SA, Geneve (0.05)
Brocher Marie-Lucie erte Lucette, pl. Cleperade 4, 1205 Geneve
e Societe de construction de l Ostet rouge, Geneve
e Villa Catalonia S.A., Geneve (0.05)
Brochetta Giovanni, vl. Stoppa 4, 6830 Chiasso
e Belpiano SA, Chiasso (0.05)
Brochetta-Romano Myriam, via Stoppa 2, 6830 Chi
e Portochiaro SA, Chiasso (0.05)
Brochin Kurt Dr., Pfeilhaustr. 18, 4663 Aarburg
e Cumars SA, Orsonnens (0.05)
Brocke Kon-Gotthard, Lahr (D)
e Wegamet AG, Roussbuhn/Lotzau (0.072)
Brocker Herbert, Wiesenstr. 4, 9034 Eggersried
k Zaun Immobilien AG, Speicher (0.05) Del
Brocker Roland, Landermoschstr. 18, 9433 Heerbrugg
k Fahnehauer + Brocker Architekten AG, Heerbrugg (0.05)
Brockmann Ernst, Unterer Rainweg 30a, 3668 Utzigen
e Wannsnad AG, Bern (0.35)
Brockmuller Inge, Steilen, 8821 Schonenberg
e Tweitron AG, Schonenberg (0.1) Pr, Del
Brod Stephen, Ashley GB
k Staver AG, Neuenhof (0.05) Pr
Brodard Albert, Les Mosses, 1688 Sâles
e Brodard & Fils m AG, Fribourg (0.1)
Brodard Alexandre, Les Mosses, 1688 Sâles
e Brodard & Fils m AG, Fribourg (0.1)
Brodard Andre, rue du Fort-Barreau 31, 1201 Geneve
e Accordeons J. Bernard S.A., Geneve (0.05)
e Intrason SA, Chavannes-pres-Renens (0.05)
Brodard Bernard, pl. Eglise, 1027 Lonay
e Garovan & Brodard SA, Geneve (0.05)
Brodard Charles, 1634 La Roche
e Brodard Charles S.A., La Roche (0.05)
Brodard Charles, 1688 Sâles
e Brodard & Fils m AG, Fribourg (0.1)
Brodard Gabriel, 1634 La Roche
e Societe des remontees mecaniques de la Berra à Roche (1.7)

Orell Füssli 1987

Verzeichnis der Verwaltungsräte

Répertoire des Administrateurs

Politiker und Hochschulprofessoren mit ihren Verwaltungsrats-Mandaten

«Top 100» der Verwaltungsräte

Hommes politiques et professeurs d'université avec leurs mandats d'administrateurs

Les «Top 100» des administrateurs

Neu überarbeitet! Eidg. Räte: mehr Transparenz ihrer Verbindungen zu Verbänden, Wirtschaft und Militär

Nouvellement remanié! Conseillers fédéraux: plus de transparence dans leurs rapports avec les associations, l'économie et les militaires.

Orell Füssli Informationswerke

Bretscher Dieter, Buchenweg 6, 4146 Pfeffingen
e Breitscher Sonne AG, Basel (0.1)
Bretscher Ernst, Sonnenbergstr. 9, 8542 Wiesendangen
e Leemann + Bretscher AG, Bauunternehmung, Winterthur (0.5) Pr
e Leemann + Bretscher AG, Generalunternehmung, Winterthur (0.4) Pr
e Swiss Consulting Ltd., Winterthur (0.1) Pr
Bretscher-Wuthrich Felix, Hotel Schonegg, 4322 Mumpf
e Autobahn-Raststatten Frickta AG, Rheinfelden (0.05)
e Schonegg AG, Mumpf, Mumpf (0.5) Pr, Del
Bretscher Fritz, Sonnenweg 369, 8523 Hagenbuch ZH
Schreinerei Erman AG, Egg (0.1)
Bretscher Hans Dr., Seltzackerstr. 1, 4103 Bottmingen
• Pro Rheno AG, Basel (50.0) Del
• Pro Rheno Beteiligungs AG, Basel (0.05)
Bretscher Hans, Liestalerstr. 20, 4141 Pullingen
e Breitscher Sonne AG, Basel (0.1) Pr
Bretscher Hans, Kretzstr. 29, 8620 Wetzikon
• Brixion Verputz AG, Baretswil (0.05) Pr
e Bretscher Hans AG, Hoch- u. Tiefbauunternehmung, Wetzikon (0.06) Pr, Del
Bretscher Hans Jr., Breitestr. 9, 8903 Birmensdorf
e Bresco A-G, Zurich (0.1) Pr
Bretscher Heinrich, casa al lago, 6951 Origlio
e Bretscher & Co Immobilien AG, Winterthur (0.05)
e Bretscher Import-Export SA, Origlio (0.05) Pr
Bretscher Jurg Prof. Dr., Dolderstrasse 8, 8055 Zurich
Kulturama AG, Zurich (0.1)
Bretscher Karl A., Dufourstr. 65, 8702 Zollikon
e Bretscher C A AG, Zollikon (0.05) Pr
Bretscher Marta, Breitestr. 9, 8903 Birmensdorf
e Bresco A-G, Zurich (0.1)
Bretscher Max, 8304 Wallisellen
e Bretscher Max AG, Wallisellen (1.5)
e Steinmann B. AG, Zurich (0.18)
Bretscher Max, 8000 Zurich
e Kunic AG, Zurich (0.1) Pr
Bretscher Ruth, Sonnenbergstr. 9, 8542 Wiesendangen
• Leemann + Bretscher AG, Generalunternehmung, Winterthur (0.4)
Bretscher Ursula, Seltzackerstr. 1, 4103 Bottmingen
e Coopanner AG, Basel (0.05)
Bretscher Verena, Bilengstr. 3, 8730 Uznach
• Albrecht-Schapfer AG, Zurich (0.3) Pr
Bretscher Verena, Sandbuhlstr. 13, 8620 Wetzikon
e Bretscher Hans AG, Hoch- u. Tiefbauunternehmung, Wetzikon (0.06)
Bretscher-Hasler Jenny, 8000 Zurich
e Sl La Chanconne, Lausanne (0.05)
Bretz Horst D. Dr., 4303 Kaiseraugst
e Vivanstic AG, Kaiseraugst (0.05) Pr
Bretz Ken-Werner, 1920 Martigny
e Interlechno Tunnelling Equipement Commercial SA, Martigny (0.1) Pr
Bretz Mona U., 4303 Kaiseraugst
e Vivanstic AG, Kaiseraugst (0.05)
Breu-Hanni Berta, Kohlplatz 621, 9410 Heiden
e Breu Metallbau AG, Heiden, Heiden (0.1)
Breu Bruno, Sandstr. 286, 4573 Lohn SO
• Rytmune Solothurn AG fur Ausstellungen., Solothurn (0.2)
Breu Frieda, Rütistr. 1, 9443 Widnau
e Breu AG, Widnau, Widnau (0.05)
Breu Gerard, Freiburgerstr. 6, 3150 Schwarzenburg
e Breu AG, Schwarzenburg (0.05)
Breu Gerhard, Rudolfstetten-Friedlisberg
• Adec Robot AG, Dietikon (0.5)
Breu Hans, Ferrenstr. 20A, 9050 Appenzell
• Ingenieurburo Hersche AG, Appenzell (0.1)
Breu Hans, Eugst, 9413 Oberegg
Wohnbau AG, Oberegg, Oberegg (0.4)
Breu-Lenz Hansruedi, Feldli 867, 9413 Oberegg
e Breu Holzbau AG, Oberegg, Oberegg (0.4)
• Obag Bau AG, Oberegg (0.1) Pr
Breu Jean-Bernard, 1868 Collombey
• Coctrio SA, Collombey-Muraz (0.05)
Breu Karl, Rutlistr. 1, 9443 Widnau
e Breu AG, Widnau, Widnau (0.05) Pr
Breu Marcel, Collombey-Muraz
e Breu Sport SA, Monthey (0.06)
Breu-Bischof Paul, 9413 Oberegg
e Breu Holzbau AG, Oberegg, Oberegg (0.4)
Breu Peter, Kohlplatz 621, 9410 Heiden
e Breu Metallbau AG, Heiden, Heiden (0.1) Pr
Breu Raymond, Freiburgstr. 6, 3150 Schwarzenburg
e Breu AG, Schwarzenburg (0.05) Pr
Breu Rudolf, Sonnenhaldestr. 20, 8580 Amriswil
• Diewer AG, Roggwil (0.19)
Breu-Hanni Rudolf, Kohlplatz 621, 9410 Heiden
e Breu Metallbau AG, Heiden, Heiden (0.1) Pr
Breuer Gerhard H., Elmigen-Kirchen D
• Agropress AG, Basel (0.3)
Breuer Hans, Schlifweg 4, 2503 Biel
e Asuro AG, Biel, Biel/Bienne (0.2) Pr
e Sico-Marc AG, Biel/Bienne (0.2) Pr
e Schedac AG, Biel/Bienne (0.1)
Breuer Jurg, Campobassoweg 15, 7000 Chur
• Castrum AG, Chur (1.0)
e Prader & Co AG, Chur (1.0) Del
Breuer Rolf E., Frankfurt-am-Main D
• Deutsche Bank (Suisse) SA, Geneva (30.0)
Breuer Walter, Heidelberg (D)
Hobby-Fashion AG, Uster (0.5)
Breuleux Gerard Dr., 8000 Zurich
• Artig Ltd, Zurich (0.25)
Breun Irmgard, Mannheim
• Corbag AG, Aesch (0.6)
Braun Otto Dr., Mannheim
e Corbag AG, Aesch (0.6)
Breuninger-Schneider Hanna, 5000 Aarau
• Breuninger AG, Aarau (0.1)
Breuninger Heinz, Binzenmattstr. 11, 5000 Aarau
• Breuninger AG, Aarau (0.1)
Breuninger Max, Binzenmattstr. 11, 5000 Aarau
e Breuninger AG, Aarau (0.1) Pr
Breuninger Ruth, Binzenmattstr. 11, 5000 Aarau
• Breuninger AG, Aarau (0.1)
Breunisa Ruth, Mangistreinerstr. 21, 4450 Sissach
Basler Eisenmodellbahn AG, vormals Theodor Breunisa & Co., Zunzgen (0.3)

Breuss Arthur, Strumbergeschenstr. 29, 8907 Wettswil a A.
e Wohnkompagnie am Lindenbaum AG, Zurich (0.2) Pr
Breuss-Hirt Verena, Rabbentalstr. 6, 3013 Bern
• Hirt-Service-Montagen AG, Bern (0.05)
Breuss Walter, 9100 Herisau
e Breuss AG, Walter, Herisau (0.2)
Breveil Yves, rte de St-Cergue 111, 1260 Nyon
TAR-Tanneries Rumiano AG, Rumiano (3.2595)
Breves Yves, 4104 Oberwil BL
• Ubag Unterhurdelastungsanlage Flughafen Zurich, Zurich (1.0)
Breymann Mimi, 8000 Zurich
e Immobilien-Aktiengesellschaft Krause-Senn, Zurich (0.36)
Brevton Gilbert, Annecy F
e Terramon-Gewerd AG, Toffen (0.12) Pr
Brgamesco Mario, 6614 Brissago
e Carrozzeria Al Ponte SA, Brissago (0.05)
Briano-Nikolaus Barbara, 1261 Le Vaud
e Nikolaus Ernst AG, Gesellschaft fur Import-Export, Bern (0.25)
e Nikolaus Ernst Handels AG, Bern (0.1)
Briand Maurice, 1630 Bulle
• Traversal SA, Yverdon (0.05)
Briane Otto, Haus City, 3954 Leukerbad
e Gune AG, Leukerbad, Leukerbad (0.05) Pr
Briane Pierre, Case postale, 1348 Le Brassus
• Goay Francois SA, Le Brassus (0.1)
Briane Rudolf, Stegmattweg 23, 3250 Lyss
• Briane & Steiner AG, Lyss (0.1)
Brianza Mario, Mittelweg 8, 4142 Munchenstein
• Sowaz AG fur soziales Wohnungsbau, Basel (0.925)
Briboisia Dominique, Glimes B
k Cernor SA Holding Company, Auvernier (0.05) Del
Briccietti Gioreano, Huberweg 19, 5116 Mariaen-Widegg
k Chestonag, Mariaen-Widegg (0.4)
Briccola Enrico, 6943 Vezia
k Kumotei Al Ponco AG, Zurich (2.0)
Briccos Dante, 4000 Basel
e Urbada AG, Basel (0.05)
e USB Sportwerbung AG, Altschwil (0.05)
Brichet Pierre, av. Dumas 2bis, 1206 Geneva
e SA Bouet-Square 8, Geneva (0.05) Pr
e SA des Deux Parcs no 20, Geneva (0.05)
e Sl Pont de Saint-Georges, Geneva (0.05) Pr
Brichet Yvonne, 1200 Geneva
e Sl Avenue de la Gare des Eaux-Vives No 18., Geneva (0.05)
Bricke Alfred, Obermad F
k Hager Modulis SA, Zurich (0.1)
Briccle Jean, ch. du Repeaser 6, 1260 Nyon
e Bama SA, Geneva, Geneva (0.05)
e Copinger SA, Geneva (0.1)
e Laroca SA, Geneva (0.05) Pr
e Murreau SA, Geneva (0.05) Pr
e Odipar SA, Geneva (0.05) Pr
e Terem SA, Geneva (0.05) Pr
Bricaut Andre, Saarbrucken D
e Bricaut SA, Basel (0.2) Pr, Del
Bricer Georges, Tramstr. 44, 8050 Zurich
k SP Societe de Promotion Industrielle et Commerciale a l'Etranger SA, Nyon (0.2)
Bricer Maurice, av. Tribunal Federal 8/Case Postale 2231, 1002 Lausanne
e Livres anciens Bridel Maurice SA, Lausanne (0.05)
Bridevaux Manfred, Westbuhlstr. 60, 8038 Zurich
k Puss + Bridevaux + Zimmermann Architekten AG, Zurich (0.05)
Bridger Keith D., Brentwood, Essex GB
k Hasson AG, Basel (0.2)
Bridgewater Douglas, Henley-on-Arden (GB)
e CPS Computer AG, Zollikon (0.05)
Bridler Ernst, unt. Bahnhofstr. 23 b, 8580 Amriswil
k Bridle AG, Amriswil (0.07) Pr
Bridler Marcel, unt. Bahnhofstr. 23 b, 8580 Amriswil
k Bridle AG, Amriswil (0.07)
Bridy Gabriel, 1302 Vufflens-le-Ville
k Bridy Charmoz Boiarney SA, constructions metalliques., Echallens (0.05) Pr
Bridy Herbert, 2303 Rechetert
e Societe de Financement Progressa SA, Neuchatel (0.1)
Brieger-Ulrich Marguerite, Breitmeostr. 58, 8135 Langnau a. Albis
k Brieger Verpackungen AG, Zurich (0.18)
Brieger Robert, Breitmeostr. 58, 8135 Langnau a. Albis
e Brieger Verpackungen AG, Zurich (0.18) Pr
Briemaier Robert, Hauptstrasse, 8032 Rehr
e Furrer J AG, Rehr (0.225)
Brienini Willy, ing. del Lago 1, 6900 Lugano
k La Linea Suisse SA, Manno (0.3)
Briere Alain, ch. Moise-Duboule 17, 1209 Geneva
k Tronsho SA, Geneva (0.2)
Briet Roland-Maurice-Gilbert, 29 r. Albert Gos, 1209 Geneva
k Lamorel SA, Geneva (1.0)
Brifflos Edouard, Bd. Deapree 15, 1800 Vevey
e Hotel Bon-Port Montreux S.A., Montreux (0.05)
k Restaurant de La Grande d'Or SA., Lausanne (0.15)
Brifflod Jeanne, 1212 Lancy
k Public Image Service SA, Geneva (0.05)
Briffos Marie-Louise, 1200 Geneva
k Conserves Gras Eug. SA., Carouge (0.075)
Brigetti Bruno, av. de Montchoisi 39, 1006 Lausanne
k Saag SA Assens, Carouge (0.1) Pr
Brigetti Paola-Maria, Riva San Vitale
e Torrazza SA, Lugano (0.15)
Brigel Jurg, Les Cassavettes, 1171 Pizzy
e Brigel J H AG, Stafa (0.5)
k Canaros et Metaux SA, Bex/Bienne (2.8)
Briggen Maya, Wettistr. 5, 9479 Buchs SG
e Marasimara AG, Buchs SG (0.05) Del
Briggen Robert, 8124 Maur
e EDP Support AG, Schwerzenbach (1.3)
Briggen Robert, 8124 Maur
k Zurmuhle H. W. AG, Allendorf (1.1)
Briggen Urs, Bubenbergstr. 9, 4411 Arboldswil
k AG fur Haus- und Gartenbedarf, Sissach (0.4)
Briggen-Bogli Urs, Tannacker 9, 2345 Jona
e SWP Software-Pool AG, Zurich (0.05)
e Unternehmensberatung U. Briggen AG, Glarus (0.05)
Briggen Willi, Simmentalstr. 18, 3700 Spiez
e Portner & Briggen Holzbau AG, Spiez (0.2)

Brigger Bernhard, Chalet Adler, 3925 Grachen
e Luftseilbahn Grachen-Hannigalp AG, Grachen (1.631) Pr
e Tourismus Grachen AG, Grachen (1.0) Pr
Brigger Bernhard, Eggstr. 60, 8102 Oberengstringen
e Garage Bernstrasse AG, Dietikon (0.1) Pr
Brigger Gerhard, 3931 Steldenried
e Schiffe Gabon AG, Steldenried (0.753)
Brigger Philipp, 3904 Naters
e RS Trading, Naters (0.05)
Brigger Reinhard, 3921 Steldenried
k Unternehmerboden AG Steldenried, Steldenried (0.05)
Brighiera Eric-G., Ludwigsburg BRD
e Bonnitare & Company SA, Geneva (0.1)
Bright Colin, 8810 Horgen
k Mibag Fenaizer AG, Zurich (2.0)
Brignet Jean-Paul, 3961 Lens
k Morag SA, Visp (0.06)
Brignoli Alessandro, Alte Landstr. 188, 8800 Thalwil
Orka Baden AG, Baden (0.5)
Brignoli Berta, Albisstr. 61, 8135 Adliswil
X-change Trading Ltd, Zurich (0.05)
Brignoli Dora, 6981 Monteggia
Orka Baden AG, Baden (0.5)
Brignoli Rita, 5502 Hunzenschwil
e Gartenmesse AG, Hunzenschwil, Hunzenschwil (0.05) Pr
Brignoli Silvana, Corso S. Gotthardo 64, 6830 Chiasso
e Brokes Trading SA, Chiasso (0.05)
Brignoni France, Kastnerstr. 42, 3006 Bern
k Baugesellschaft Nydegg, Bern (0.5)
k Grosse Schanze AG, Bern (3.2)
k Kammerspiele Bern AG, Bern (0.13)
e Kaiser-De Kunstersbann und Weinhaus Dahnholz-Bern AG, Bern (0.34875) Pr
Brignoni Ono, 6830 Chiasso
e Bedrine Elettra SA, Montagnola (0.05)
Brignoni Pietro, v. al Perrato 21, 6932 Breganzona
e Tressina S.A., Ponte Tresa (0.05)
Brignet Andre, 1961 Nendaz
k Cafe-Restaurant Les Gentianes SA, Nendaz (0.35)
Brignet Fabien, r. des Creusets 59, 1950 Sion
k Brignet et Rudaz S.A., Sion (0.05) Pr
Brik Peter, Liestalerstr. 21, 4414 Pullingen
e Interbasilic AG, Pullingen (0.2) Del
Brikker Peter, Dorfstr. 6, 8454 Flusein
k Brigol AG, Flusein (0.05) Pr
Brilotti Oswald, Aegenstr. 52, 6300 Zug
e Ofa Bau Ag, Zurich (0.1) Pr
Brillmann Jean, Paris
k Cegos-Hoel International SA., Geneva (0.66) Pr
Brimer-Schlittler Beatrice, Bannacker 1, 4612 Wangen b. Olten
k Brimer H. AG Metallbaubeschlage-Storenfabrik., Wangen bei Olten (0.3)
Brimer-Roet Doris, 8712 Stafa
e Turmag-Immobilien AG, Chur (0.05) Pr
Brimer Ernest, rue de la Baillive 3, 1205 Geneva
e La Capricorne SA, Geneva (0.05)
e Unimes SA, Geneva (0.05) Pr
Brimer Ernst, Aabenweg 14, 8703 Seen
k Elektrobau AG., Obermutl (1.2)
k Metallfeinbau AG, Obermutl (0.5)
Brimer Ernst K., Sonnenbergstr. 128, 8032 Zurich
e Capitus AG., Schaffhausen (0.3)
e Clavus Holding AG., Zug (0.07)
Brimer Fritz, Haus am Wald, 7050 Arosa
e Budoo Corner AG., Arosa (0.05) Pr
Brimer-Wirz Gertrud, Wangen b. Olten
e Brimer H. AG Metallbaubeschlage-Storenfabrik., Wangen bei Olten (0.3)
Brimer Hans, Bannacker 1, 4612 Wangen bei Olten
e Brimer H. AG Metallbaubeschlage-Storenfabrik., Wangen bei Olten (0.3)
Brimer Hans-Peter, Schutzenhausweg 18, 4612 Wangen bei Olten
e Brimer H. AG Metallbaubeschlage-Storenfabrik., Wangen bei Olten (0.3)
Brimer-Graber Heinrich, 4656 Starrkirch
e Brimer Hedge AG, Olten (0.1) Pr
Brimer Jakob, Eggweidstr. 3, 8542 Wiesendangen
k Betonpumpen AG Zurcher Unterland, Kloten (0.4)
k Brimer Beton AG, Pfungen (0.25) Del
k Brimer Kieswerke AG, Wiesendangen (0.25)
Brimer Kurt, Obstgartenstr. 28, 8136 Gattikon
e Gnamm & Brimer Treuhand- und Revisions AG, Zurich (0.15) Pr
k Guggisberg Fritz AG, Zurich (0.1) Pr
k Intermeca AG, Zug (1.0)
e Pronventmed-Laormann AG., Glarus (0.05)
e Sunson AG, Zug (0.05)
e Tumoer Productions AG., Zurich (0.05)
k Unwood Holding AG, Dietikon (0.5)
Brimer Kurt, rte du Grand-Lancy 146, 1213 Onex
e Barcor SA, Plan-les-Ouates (0.1)
k Sanoh Pharma SA., Plan-Les-Ouates (1.73)
k Sanoh Pharma SA., Plan-Les-Ouates (1.73) Del
e Sooharma SA., Plan-les-Ouates (0.05)
Brimer Lukas Dr., 8610 Uster
e Radio-Plan AG Hegnau Volketswil (0.2)
Brimer Max Dr., Alte Landstr. 115, 8803 Rueschlikon
k Ergon Informatik AG, Zurich (0.05) Pr
e Hofma Bau AG, Baar (2.0)
k Hofma Treuhand AG, Baar (0.1)
Brimer Nelly, Eggweidstr. 3, 8542 Wiesendangen
k Brimer Kieswerke AG, Wiesendangen (0.25)
Brimer Peter, Kohlfirststr. 38, 8203 Schaffhausen
k Moersgeert-Scherer AG., Schaffhausen (0.05)
Brimer Peter, 8712 Stafa
e AG Truder, Zurich (0.5)
Brimer Robert Dr., ch. Chapeau-Rouge 3, 1231 Chenes-Bougeries
k Bomrich AG, Zurich (0.1)
e Burberrys (Suisse) SA., Geneva (0.15)
e Burton (Europe) SA., Chene-Bougeries (0.05) Pr
e Combined Technologie Comtech SA., Vevey (0.5)
e Conec AG., Studen (0.5)
k Damow SA., Geneva (4.4)
k Emw Marketing SA., Fribourg (1.0)
k Gecosuc SA, Geneva (0.6)
k Grindoav Brands AG, Zurich (10.0)
k Hanebuin Entreprise SA, Fribourg (0.055)
k Heuer Freres SA., Fribourg (0.05)

• Hobart AG, Basel (0.7)
• Hobart (Suisse) AG, Regensdorf (2.5) Pr
• Horn S.A., Fribourg (4.0)
• Honda Automobiles (Suisse) SA, Satigny (4.0)
• Honda (Suisse) SA, Geneve (3.0)
• Hyundai SA, Fribourg (2.904)
• Institut Cerac SA, Ecublens (2.0)
• Manutention Montage Maintenance M 3 Services SA., Geneve (0.05)
• Morgan Stanley SA, Geneve (0.5) Pr
• Nitto Nobel International SA, Fribourg (0.7)
• Office nouveau du nettoyage Onet SA., Geneve (0.3)
• Onnier SA, Geneve (0.5)
• Pierre SA, Fribourg (1.443)
• Settlements SA, Fribourg (0.15)
• Societe de Participations dans le domaine alimentaire SA., Fribourg (2.0)
• SI Mary Ace SA, Fribourg (0.05)
• Swedish Match Consumer Products SA, Nyon (1.89055)
• The Weir Group International SA, Fribourg (6.0)
• Tranies SA, Geneve (1.44)
• Trecentro SA, Geneve (3.0)
• TRW International SA, Geneve (3.99)
• Wells of London AG, Zürich (0.05)

Brinner Robert Georg Dr., Weissenhaussstr. 15, 8820 Wädenswil
• Computervision Applied Graphics Systems AG, Zürich (0.25)
• Minatowerke AG, Luzern (0.5) Pr

Brinner Roland E. R., 1224 Chêne-Bougeries
• Bostitch (Europe) AG, Zürich (0.05)

Brinner Stephan Dr., Kennhofhalde 13, 6043 Adligenswil
Olga Immobilien AG, Ebikon (0.1)

Brinner Werner und Mollenstrasse 4656 Starrkirch-Wil
• Brinner Medco AG, Olten (0.1)

Brinsgheli Hugo, Kantonsstr. 32, 3930 Visp
• Bringhen Hans Baumatena AG, Visp (0.2) Pr
• Frischbeton Saltschneider A.G., Saltschneider (0.1) Pr
• Sand und Kies A.G., Saltschneider (0.1) Pr
• Santag AG, Thun (0.2) Pr

Brinsgheli Jean-Pierre, 3930 Visp
• Bringhen Hans Baumatena AG, Visp (0.2)

Brinsgheli Jean-Pierre, Kantonsstr. 32, 3930 Visp
• Depone Teuftal AG, Mühleberg (1.2)
• Santag AG, Thun (0.2)

Bringolf Alain, Sombaille 5, 2300 La Chaux-de-Fonds
• Aresa, Aeroport regional des Eplatures SA, La Chaux-de-Fonds (0.05)
• Bel-Air-Est S.A, La Chaux-de-Fonds (0.12)
• Bloc 30 SA, La Chaux-de-Fonds (0.1)
• Bois-Noir-Ouest S.A, La Chaux-de-Fonds (0.12)
• Centre regional d incineration des ordures SA (Cridor), La Chaux-de-Fonds (0.1)
• Ecuir S.A., La Chaux-de-Fonds (0.108)
• Farmine S.A., La Chaux-de-Fonds (0.2)
• Immeubles Avenue des Forges, Modernis SA., La Chaux-de-Fonds (0.151)
• Immobilere Vorta S.A., La Chaux-de-Fonds (0.1)
• Scierie des Eplatures SA., La Chaux-de-Fonds (2.0)
• SI Cafe des Sports SA., La Chaux-de-Fonds (0.05)
• SI Grenier 22 SA, La Chaux-de-Fonds (0.05)
• SI Les Bassets SA., La Chaux-de-Fonds (0.05)
• SI Locative SA, La Chaux-de-Fonds (0.1)
• SI rue Leopold-Robert 114 SA., La Chaux-de-Fonds (0.135)
• SI Sophie-Mairet 13 et 15 SA, La Chaux-de-Fonds (0.1)
• Soleuest SA, La Chaux-de-Fonds (0.05)

Bringolf Lucien, 2300 La Chaux-de-Fonds
• Agence communications vaudoises et verbales., La Chaux-de-Fonds (0.05) Pr

Bringolf Bringolf Reinhard gen. Rene, 8215 Hallau
• Soar- und Lehmasse Hallau, Hallau (0.5) Pr

Bringolf Walther, 8200 Schaffhausen
• Unionsmuckerei AG Schaffhausen, Schaffhausen (0.2) Pr

Brink Willem, Schoonhoven NL
• Intercoating AG, Bassersdorf (0.6)

Brinser Alfred Dr., Gevelsberg (D)
• Ruggli Kan AG, Flawil (0.05) Pr

Brinsmann Günther, Bremen D
• Isolierea AG, Baden (0.1) Pr

Brinsmann Hans Joachim Dr., Detmold D
• Surfasil AG, Malters (0.1) Pr

Brinsmann Heinrich, 8452 Oberfeuerthalen
• Mecatrans SA, Fribourg (0.1)

Brinsmann Horst, Speyer D
• ASD Autoradio-Spezial-Dienst AG, Zürich (0.15) Pr

Brinsmann Liliane, Husliberstr. 78, 8041 Zürich
Wegmann & Brinsmann AG, Zürich (0.1)

Brinsmann Rainer, 8000 Zürich
• Wegmann & Brinsmann AG, Zürich (0.1)

Brintzinger Marianne, 8584 Leimbach TG
• Programica AG, Baar (0.05)

Brischi-Gianella Luisa, 6900 Lugano
• Cuneo San Rocco SA, Grono (3.3)

Brisa Bernard, 1820 Montreux
• Brisa S.A., Montreux (0.05)

Brisa Christian, ch. des Fleurs 15, 1023 Crissier
• Brisa Paul SA, Prilly (0.05)

Brisa Paul, av. Mont-Goulin 35, 1008 Prilly
• Brisa Paul SA, Prilly (0.05) Pr

Brisa Pierre-Andre, case postale, 1883 Mezieres VD
• Arcom SA, Mezieres (0.1)
• Fontes SA, Mezieres (0.05)
• Gastrin S.A., Mezieres (0.05)
• SBAG Schweizer Betreuungs AG, Mezieres (0.05)

Brisa Robert, rte de Brevo 1, 1008 Prilly
• Campomat SA, Villars-Ste-Croix (0.05)
• Savecel S.A., Villars-Ste-Croix (0.05)

Brisa Alain, Pons F
• Omnium de Petroles SA, Geneve (18.0)

Brisa-Castella Claudine, Ris-Orangis
• Castella Sports SA, Bulle (0.1)

Brisacchi Guido, str. al Fulmignano 28, 6977 Ruvigliana
• B.H. Blumer Holding ou Participations Industrielles SA., Lugano (0.2)
• Seeger SA, Lugano (0.25) Pr
• Unicom SA, Lugano, Lugano (0.1)

Brisay Louis C., r. Lamartine 8a, 1200 Geneve
• SI Perle Grabons, Sion (0.05)
• SI rue de Candolle 17, Geneve (0.05)

Brisay-Tremblay Renee, r. Lamartine 18, 1203 Geneve
• Raska SA, Vex (0.05)

Brisavet Luc, en Geneyres, 1005 Chesaux
• Seleraco SA, Montreux (0.05)

Brissara Marc, r. du Mont 30, 1207 Geneve
• Antigone S.A., Geneve (0.05)

Brissara Paul, ch. Grange-Canal 31, 1208 Cologny
• Satram-Hugues SA, Basel (0.75)
• Tannaeger Tägerschen AG., Tägerschen (0.5816) Pr

Bristow Thomas H., Billericay GB
• Arras AG, Zug (0.25) Pr

Britschgi Blasius, Mattenmuhlehe, 6275 Beinwil
• Buchmann & Britschgi AG., Inwil (0.1) Pr

Britschgi Edgar, Feldweg 5, 8134 Adliswil
• BTX-Partner AG, Zürich (0.05) Del
• Kev Trust Company Ltd., Zug (0.1)
• Kvoemec AG, Zürich (0.05) Pr

Britschgi Hans W., Wirri-Str. 10, 5000 Aarau
• Decorado AG., Buchs (5.0)
• Hassim AG Aarau, Aarau (0.9)
• Hassler Hans AG Bern., Bern (0.45)
• Hassler Hans AG Luzern., Luzern (0.45) Pr
• Hassler Hans AG, Zug., Zug (0.2) Pr
• Hassler Hans AG Zürich., Zürich (0.3) Pr
• Vidal Vitali AG., Zürich (0.15) Pr

Britschgi Hugo, u. 6010 Kriens
• Hotel Langis AG, Sarnen (0.8)
• Irving Trading SA, Sarnen (0.054) Pr

Britschgi Ignaz Dr., Poststr. 5, 6060 Sarnen
• Druckgusswerk Fischer AG., Alpnach (0.3)
• Elins SA, Engelberg (0.1)
• Landenberg Druckerei, Sarnen (0.3) Pr, Del
• Lignoform Mobelbau AG, Sarnen (0.05)
• Wegenstein Management Holding AG, Sarnen (0.5)
• Wegenstein Management Sarnen AG, Sarnen (0.05)

Britschgi-Chresta Josef, av. Thônex 7, 1226 Thônex
• AG Britschgi zum Kreuz, Sachseln (0.5) Pr, Del
• Restaurant Burestube AG., Birrwil (0.1)

Britschgi Joseph, rte de Chêne 105, 1224 Chêne-Bougeries
• Les Editions Nage SA, Geneve (0.25)

Britschgi Leopold, 6068 Horw
• Dutter & Britschgi AG, Horw (0.05) Del

Britschgi-Imming Margareta, Schwend, 6060 Sarnen
• Irving Trading SA., Sarnen (0.054) Del

Britschgi Peter, Unterfeldstr. 66, 8953 Schlieren
• Brunnmann Brennstoffe AG., Schaffhausen (0.4) Pr
• Burne AG, Zürich (1.0) Pr
• Frain AG., Zürich (0.5)
• Magus AG, Zürich (0.054)
• Meyer A.H. AG, Glarus, Glarus (0.05)
• Oldena SA, Mendrisio (0.5)
• Oleag AG, Zürich (1.0)

Britschgi Robert, Breitelnweg 6, 6064 Kerns
• Bergbahnen Melchsee-Frutt-Bonnstock AG., Kerns (2.2) Pr
• Restaurant Bonnstock AG, Kerns (0.6) Pr

Britt Alois, Grossteilestr. 42, 7320 Sargans
• Britt AG, Sargans (0.05)

Britt Hanspeter, 8280 Kreuzlingen
• Bewator AG, Zürich, Zürich (0.1)

Britt Josef Dr., 9400 Rorschach
• Airport Altenrhein AG., Thal (1.01) Del
• Repar AG, Thal (0.1) Del

Britt Karl, 8887 Mels
• Britt & Sonne AG, Karl Mels (0.05) Pr

Britt Rudolf, 8887 Mels
• Britt & Sonne AG, Karl Mels (0.05)

Britt Viktor, Neugutweg, 8887 Mels
• Britt & Sonne AG, Karl Mels (0.05)

Britz Helmut, Zentralstr. 142, 8003 Zürich
• AG Angermeier, Feriendorf (0.05)

Brivio-Botta Ernesta, via Maderna, 6850 Mendrisio
• Cinzia Partecipazioni SA., Mendrisio (0.1)

Brivio Ricarda, 6900 Lugano
• Commercial - Labor SA Arti Grafiche., Lugano (0.4) Pr

Brixner Ulrich Dr., Dresden-Buchaclag D
• BEG Bank Europaischer Genossenschaftsbanken., Zürich (50.0)

Brizon Frederic, Lalain F.
• Progort SA, Geneve (0.05)

Brizzi David, Heinrich Guter-Str. 8, 8494 Bauma
• Elektro-Brizzi AG, Bäretswil (0.1)

Brizzi Gertrud, Bennaretstr. 13, 8344 Bäretswil
• Elektro-Brizzi AG, Bäretswil (0.1)

Brizzi Heinz, Bennaretstr. 13, 8344 Bäretswil
• Elektro-Brizzi AG, Bäretswil (0.1) Pr

Brizzi Yvan, prom. des Pêcheurs 18, 1950 Sion
• Ideas SA, Vétroz (0.1) Pr

Broadly Paul-Andre, 1200 Geneve
• Holding Arlas SA, Fribourg (0.05)

Brocard Andre, La Prairie, 1315 La Sarraz
• Traitements Thermiques Brocard SA, La Sarraz (0.1)

Brocard Andre, Hippodrome 17, 1400 Yverdon
Compagnie des chemins de fer du Jura (C.J.), Tavannes (10.85)
Electra-Massa, Naters (40.01)
• Port-franc et Entrepots de Lausanne-Chavannes SA (PESA), Chavannes (4.0)
Simmentalbahn (SEZ), Zweisimmen (3.8025)
• Usines de l Orbe, Orbe (1.888)

Brocard Michel, rue Couvreroup 26, 1110 Morges
• Gan & Monod Bureautique SA, Glarus (0.1)
• Tapis Tivoli SA, Lausanne (0.05)

Brocca-Affentranger Brigida, via al Roccolo 4, 6932 Breganzona
• Gemmes S.A, Breganzona (0.05)

Broccard Jean-Jacques, 3800 Bern
• Barletti Jean SA, Geneve (2.0)

Broccoli Bruno, case Gomboni, 6925 Gentilino
• Camenzind-Broccoli-Sonnhauser Studio e Architettura S.A., Lugano (0.1512)

Broccoli Pietro, v. Motte 36, 6900 Lugano
• B I N T Finanzgesellschaft fur Holzwerte AG, Davos (0.054) Pr
• Burck SA, Lugano (0.05)
• Cnr SA, Chur (0.05) Pr
• Daichin S.A., Davos (0.05) Pr
• Delcius S.A, Chur (0.05)
• Delid SA, Chur (0.05) Pr
• Dona SA, Chur (0.05)
• Finlermoos S.A, Davos (0.05)
• Finanzer Aktiengesellschaft, Disentis/Mustair (0.05)
• Formatin S.A., Disentis/Mustair (0.05)
• Grigna S.A, Davos (0.05) Pr
• Guerzenlederi SA., Davos (0.05) Pr
• Kinke S.A, Davos (0.05) Pr
• Laena Societa per investimenti Finanziari industriali e commerciali SA, Chur (0.05)
• Pasadena SA., Chur (0.05)
• Preasa SA., Davos (0.05) Pr
• Selection Immobiliere e Financiere SA., Chur (0.05)
• Severeca SA, Davos (0.05) Pr
• Simser AG., Chur (0.05)
• Societa Immobiliare Marzano Holding SA., Lugano (0.05) Pr
• Sutmotin S.A., Disentis/Mustair (0.05)

Brocco Albert, Rosenweg 2, 3270 Aarberg
• Muwe AG., Lyss (0.05)

Brocco Beatrice, Charmey
• Repond Andre SA, Charmey (Gruyere) (0.3)
• SI Charmessa., Charmey (Gruyere) (0.05)

Brochens Bernard-Maurice L., St-Cloud F
• HCM CSWH AG, Zürich (0.3)

Brochent Bernard, St-Cloud F.
• Hermann Heinz SA, Geneve (0.25)

Brocher Claudine, 1261 Grens
• Gems Jacquerie SA, Grens (0.05)

Brocher Jacques, 1223 Cologny
• Comatel SA, Carouge (0.05)

Brocher Jean-Francois, pl. Bourg-de-Four 9, 1204 Geneve
• Caprerie SA, Geneve (0.05)

Brocher Brocher Marie-Lucie alite Lusette, pl. Claparede 5, 1205 Geneve
• Societe de construction de l'Oeillet rouge, Geneve (0.125)
• Villa Catalonia S.A., Geneve (0.05)

Brochetta Giovanni, vi. Stoppa 4, 6830 Chiasso
• Beldano SA, Chiasso (0.05)

Brochetta-Romano Myriam, via Stoppa 2, 6830 Chiasso
• Pontechard SA, Chiasso (0.05)

Brochin Kurt Dr., 4310 Rheinfelden
• Cumara SA, Orsens (0.05)

Broca Günter A., 9410 Heiden
• Kinke am Rosenberg Heiden., Heiden (6.25) Del

Brocke Kari-Gernard, Lahr D
• Wagamet AG, Littau (0.072)

Brocker Herbert, 8429 Zeig-Wolfhalden
• Zaun Immobilien AG, Speicher (0.05) Del

Brocker Roland, Landesmechstr. 18, 9435 Heerbrugg-Widnau
• Fankhauser + Brocker Architekten AG., Heerbrugg (0.05)

Brockhoff-Schneider Remy, 8610 Uster
• Mamco AG für Marketing und Kommunikation Vaduz, Zweigniederlassung Egg b. Zürich., Egg (0.05)

Brockmann Ernst, Unterer Reinweg 30a, 3068 Utzigen
• Wohnshop AG., Bern (0.05)

Brockmann Uwe, 1200 Geneve
• Experts Administration SA, Geneve (0.5) Del

Brockmuller Inge, 8821 Schonenberg
• Telelron AG., Schonenberg (0.1) Pr, Del

Broe Stephen, Artilor/Herts GB
• Stavoil AG., Neuenhof (0.05) Pr

Broeare Albert, Les Moises, 1688 Sâles
• Broeare H & Fils SA., Sâles (0.1)

Broeare Alexander, 1688 Sâles
• Broeare H & Fils SA., Sâles (0.1)

Broeare André, rue du Port-Barreau 31, 1201 Geneve
• Bernard Musique SA, Geneve (0.05) Pr
• Intrason SA., Chavannes-pres-Renens (0.05)

Broeare Béatrice, rue du Port-Barreau 31, 1201 Geneve
• Bernard Musique SA, Geneve (0.05)

Broeare Bernard, pl. Eglise, 1027 Lonay
• Garoven & Broeare SA, Geneve (0.05)

Broeare Charles, 1630 Bulle
• Broeare H & Fils SA., Sâles (0.1)

Broeare Charles, 1634 La Roche
• Broeare SA Charles La Roche (0.05)

Broeare Daniel, 1700 Fribourg
FGF Mechanes Agricoles SA., Avry-sur-Matran (0.1)
• Sogimar SA, Corminbeuf (0.05)

Broeare Gilbert, Schenevy, 1634 La Roche
• Broeare Gilbert & Fils SA., La Roche (0.075) Pr
• SI Les Combes-La Roche, La Roche (0.05)
• SI Schenevy, La Roche (0.05) Pr
• SI Schenevy, La Roche (0.05)

Broeare Henri, 1688 Sâles
• Broeare H & Fils SA., Sâles (0.1) Pr

Broeare Henri, 1688 Sâles
• SI La Roseire Sâles, Sâles (0.05)

Broeare Jacques, rue de Grenveyres 5, 1630 Broc
• Cave du Vieux Clocher Broeare SA, Broc (0.05) Pr

Broeare Jean-Claude, Schenevy, 1634 La Roche
• Broeare Gilbert & Fils SA., La Roche (0.075)

Broeare Marc, les Moises, 1688 Sâles
• Broeare H & Fils SA., Sâles (0.1)

Broeare Max, Schenevy, 1634 La Roche
• Broeare Gilbert & Fils SA., La Roche (0.075)

Broeare Michel, 1634 La Roche
• Broeare Gilbert & Fils SA., La Roche (0.075)

Broeare Michele, 1844 Villeneuve
• Electrogamma SA, Corsaloux (0.05)
• I D E A - Inter Development Agency SA., Vevey (0.05)

Broeard Paul, 1711 Treyvaux
• Broeare Gilbert & Fils SA., La Roche (0.075)

Broeare Thecle, Les Moises, 1688 Sâles
• Broeare H & Fils SA, Sâles (0.1)

Broebeck Albert, Eichenstr. 38, 8750 Glarus
• Agentura AG, Glarus (0.05)
• Aktiona System Frenzl AG., Glarus (0.05)
• IC Inkasso Commerc AG, Glarus (0.05)
• Sudtrust AG, Glarus (0.05)

Broebeck Eduard, 4418 Liestal
• Netto-Einkaufsgruppe AG Zofingen, Zofingen (0.5)

Broebeck Erich, Ranastr 41, 8645 Jona
• BB-Treuhand AG, Ruti (0.05)

Broebeck-Javal Gertrud, Sonnenrainring 30, 4153 Reinach BL
• Broebeck & Achermann AG, Reinach (0.07)

Broebeck Hans, Mangnenstr. 81, 4058 Basel
• Hechtacker AG, Basel (0.2)
• Kirschgarten-Druckerei AG, Basel (1.0)

Broebeck-Pfaff Hans, Burgunderstr. 5, 4410 Liestal
BLT Basellana Transport AG, Arlesheim (13.1)
Perreaux Buchen AG, Liestal (1.31)

پیوست شماره ۳

مقدار نفت

۱ - دربند ۱۱۷ حکم آمده است: "تعیین اینکه در سپتامبر ۱۹۷۹ منطقاً" انتظار میرفت که چه مقدار نفت طی قرارداد مشارکت تولید شود، مستلزم این است که ابتدا میزان نفت قابل استحصال و زمان استحصال آن پیش‌بینی شود که این امر به نوبه خود مستلزم برآورد کل ذخایر نفتی در منطقه مشمول قرارداد مشارکت است". درصورتیکه دیوان لازم می‌دید مقدار نفتی را که یک خریدار منطقی فرضی درسال ۱۹۷۹ خریدار آن می بود تعیین کند، تنها یک روش منطقی وجود داشت و آن اینکه به پیش بینی‌های رسمی مورد عمل ایمینوکو در همان زمان، که مورد توافق طرفین بود، همراه با کلیه اطلاعات ذیربط، مطمئن و غیرقابل تردید موجود در همان زمان بنگرد و چگونگی اوضاع آن زمان و اثرات آنها بر تولید نفت پیش بینی شده را مورد بررسی قرار دهد.

فرض این مطلب کاملاً منطقی است که یک خریدار فرضی منطقی راساً تحلیلی بعمل می آورد تا اطمینان حاصل کند که زیاده ازحد نمی‌پردازد. لیکن بی معنی است اگر گفته شود که یک چنین خریدار منطقی ۲ تا ۳ برابر میزان نفتی که رسماً ایمینوکو اعلام کرده بود و بیش از ۳ برابر (یعنی ۴ برابر، طبق دعوا) میزانی که خود خواهان در آن زمان اعلام کرده بود، وارد محاسبات خود کند. این گفته بی معنی همان چیزی است که طبق گفته حکم، دیوان آنرا وارد محاسبات خود کرده است. حکم درواقع راهی را دنبال می‌کند که خواهان پیش روی آن قرار داده و می‌کوشد همان ارقامی را که خود خواهان در توجیه آنها با اشکال مواجه بود، با مقداری تعدیلات توجیه نماید.

۲ - در حکم ابتدا خاطرنشان می‌شود که در مدارک و استدلالات طرفین راجع به کمیت نفت، دو موضوع مقدار نفت قابل استحصال و احتمال برداشت آن در طول عمر قرارداد مشارکت تا حدودی درهم آمیخته شده است. بند ۱۱۸. و بعد می‌گوید که این دو موضوع از لحاظ تحلیلی کاملا" جدا از یکدیگرند و بعد نتیجه‌گیری می‌شود که "دیوان ترجیح می‌دهد ابتدا مساٴله مقدار نفت موجود در محل را که منطقا" در سال ۱۹۷۹ انتظار می‌رفت تا ۱۹۹۹ قابل استحصال باشد به عنوان یک موضوع فنی بررسی کند، با این فرض که قصد سرمایه‌گذاری‌های لازم برای آن منظور و استحصال کلیه نفت موجود وجود داشته باشد." (خط تاٴکید اضافه شده است). بند ۱۱۸. در ادامه حکم فرض می‌شود که احتمال تحقق این مقدار استحصال نفت، به عنوان بخشی از ریسک های مورد تصور، جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. من با این فرض مخالفت کرده‌ام و لازم می‌بینم که دلایل خود را به تفصیل در اینجا بیان کنم.

۳ - اولا"، دو موضوع مقدار نفت قابل استحصال و احتمال استحصال آن اصلا" از یکدیگر قابل تفکیک نیست. میزان نفتی که نهایتا" از یک مخزن نفت قابل استحصال است یقینا" بستگی به روش تولید دارد، چه در غیر اینصورت چگونگی بهره‌برداری از یک مخزن اهمیتی ندارد، زیرا که در نهایت همان مقدار نفت قابل استحصال بدست می آید. و این امر منطقا" بی‌معنی است. کاملا" منطقی است که فرض شود میزان استحصال نهائی از هر مخزن منوط به عواملی از جمله چگونگی برنامه تولیدی مورد عمل و زمان بندی اقدامات مختلف می باشد. بنابراین، این دو مساله با یکدیگر ارتباط متقابل و تنگاتنگ دارند و جدا کردن آنها از یکدیگر بهیچ طریق معقول و منطقی امکان پذیر نیست. از شهادت کارشناسان بیاد داریم و در مدارک نیز می‌توان دید که طرفین و کارشناسان منتخب آنها در بسیاری نکات فنی اختلاف اساسی دارند که نمی‌توان آنها را فقط به یکی از این مسایل قابل انتساب دانست. به عبارت دیگر، بدون بذل توجه لازم به چگونگی اوضاع در گذشته و آینده، ارزش واحد سحرآمیزی برای نفت قابل

استحصال وجود ندارد. شاید باتوجه به همین واقعیات بدیهی بود که حتی خود خواهان این دو مساله را جداگانه مورد بررسی قرار نداده، زیرا باتوجه به همه واقعیات، تنها یک مطلب وجود دارد و آن اینکه از لحاظ فنی و عملی چه مقدار استحصال امکان پذیر است. ولی حتی همین یک مسأله نیز هنگامی که از جهت اتخاذ تصمیم قضائی مورد استفاده واقع می‌شود، نباید مبتنی بر قیود و حدسیات باشد.

۴ - ثانیاً، این گفته که دیوان باید ابتدا میزان نفت قابل استحصال را به عنوان "یک موضوع فنی" تعیین کند، مذبوحانه است و این امر نه تنها به دلیل واقعیاتی است که در بالا در اثبات عدم قابلیت تفکیک دو مساله بیان شد، بلکه حتی مزید بر آن، بدین دلیل است که خود دیوان فاقد صلاحیت (تعیین مقدار نفت) است، بویژه در امری تا این اندازه فنی. استدلالاتی که در همین حکم ارائه گردیده، فی نفسه گواه بر این واقعیت است. اعلام نظری اینچنین فنی، در چهار بند (از حکم) بعمل آمده و هر بند با عبارتی اینچنین ساده بیان شده که "دیوان داوری نتیجه می‌گیرد ..."(۱) و اشاراتی هم اگر به عمل آمده، از قبیل "نظرهای ابراز شده" بسیار کلی است. خواندگان پیشنهاد کرده بودند که چنانچه دیوان ضروری بداند صحت استدلالات طرفین را بسنجد، باید از کارشناسی یاری بگیرد. اینجانب نیز کرارا" به اکثریت اظهار کرده‌ام که گرچه هیچ مبنایی اعم از حقوقی یا منطقی برای استفاده از روش جریان تنزیل نقدینگی وجود ندارد، چنانچه فایده‌ای هم بر تعیین مقدار نفت قابل استحصال مترتب می‌بود، در آنصورت راهی جزاین وجود نمی‌داشت که کارشناسانی در این رشته نصب شوند تا این مورد را بررسی کنند. خواهان به دلایل روشنی که نیازی به غور درباره آنها نیست با پیشنهاد خواندگان مخالفت کرد، لیکن مخالفت های سرسختانه دو داور دیگر این شعبه نیاز به توضیح صریح از جانب آنان دارد.

---

(۱) رجوع شود به بندهای ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱ و ۱۲۲.

۵ - نظر دیگر مندرج در حکم مربوط است به اختلاف بین برآورد میزان نفت قابل استحصال که توسط طرفین و کارشناسان منتخب آنان ارائه گردیده است. در حکم آمده است که: "تا حدود زیادی به نظر می‌رسد که این اختلاف زیاد ناشی از مفروضات متفاوت آنها درباره این است که آیا سرمایه‌گذاری های دیگری توسط طرفین قرارداد مشارکت به ویژه برای پروژه‌های تزریق آب برای تولید ثانوی انجام می‌شد یا خیر و چه موقع می‌شد..." بند ۱۱۹. این گفته قلب حقایق است و منظور از آن ایجاد این توهم است که اختلاف عمده بین طرفین، به زمان‌بندی و مقدار سرمایه گذاری مربوط می‌شود که دیوان می‌تواند درباره آن تصمیم گیرد. گفته مزبور به سه دلیل عمده خلاف واقعیت است. یکی اینکه حتی در مواردی که سرمایه گذاری موضوع مورد اختلاف بین طرفین است، اختلاف تنها درباره زمان و میزان آن نبوده، بلکه به ملاحظات فنی و اقتصادی نیز مربوط می‌شود. دلیل دوم آن است که تقریبا" ۴۰ درصد اختلاف بین برآوردهای خواندگان و کورلب، که ظاهرا" مبنای ادعای نهائی خواهان قراردارد، مربوط به استحصال اولیه است. سومین و مهمترین نکته این واقعیت است که کلیه این استدلالات بیهوده‌اند، زیرا که گویای رویدادهای آینده‌اند که ماهیتا" مبتنی بر حدس و گمان هستند و نباید در تصمیمات قضائی راه یابند.

۶ - معتقدم که دو نکته اول شایسته بحث بیشتری است و نکات خاصی از برآوردهای واقعی باید ذکر شود. برآوردهای کورلب و خواندگان برای سالهای ۱۹۹۹-۱۹۷۹ را میتوان بشرح ذیل خلاصه کرد(۲): (به ۱،۰۰۰ بشکه)

	کورلب	خواندگان	مابه‌التفاوت	میزان مندرج در حکم
اولیه	۱۹۳،۸۳۰	۱۰۵،۸۵۳	۸۷،۹۷۷	۱۴۰،۰۰۰
ثانوی	۱۵۸،۳۲۵	۳۹،۱۵۲	۱۱۹،۱۷۳	۱۴۰،۰۰۰ - ۱۵۰،۰۰۰
جمع	۳۵۲،۱۵۵	۱۴۵،۰۰۵	۲۰۷،۱۵۰	۲۸۰،۰۰۰ - ۲۹۰،۰۰۰

(۲) بند ۱۱۹ حکم.

اختلاف در میزان استحصال اولیه را نمی‌توان ناشی از مفروضات مختلف راجع به زمان و اینکه اصولا" در آتیه سرمایه گذاری بیشتری خواهد شد یا خیر، دانست. تا حدود زیادی، اختلاف در اینجا (متجاوز از ۴۰ درصد کل اختلاف) زائیده نظرات فنی است. در استحصال ثانوی، اختلاف موجود تقریبا" ۱۲۰ میلیون بشکه است. حتی اگر من باب بحث، شهادت خود کورلب را بپذیریم(۳)، ۷۵ تا ۸۰ درصد اختلاف در اینجا به زمان بندی مربوط می‌شود و بدین ترتیب، تقریبا" ۲۵ درصد اختلاف، یعنی ۲۹ میلیون بشکه ناشی از نکات گوناگون فنی است. بنابراین در جمع، از کل ۲۰۷ میلیون بشکه نفت مورد اختلاف، ۱۱۷ میلیون بشکه (۲۹+۸۸) ناشی از روشهای مختلف فنی است. بدین لحاظ، نظر ابراز شده در حکم راجع به دلیل اصلی وجود اختلاف، نادرست است و کمی بیش از نیمی از اختلافات، به دلایل فنی مربوط می‌شود.

۷ - راجع به مقادیر خاص نفت قابل استحصال از هر یک از حوزه‌ها، در حکم هیچ استدلالی برای یافته‌های آن، جز یکی دو اظهارنظر کلی ارائه نشده است. از آنجا که علی‌الاصول حکم باید نظری حقوقی به منظور تعیین غرامت باشد، اینگونه اظهارنظرهای یکجانبه و بی اساس چیزی جز عدم احترام به قانون که شعبه باید پای بند بدان باشد، نیست. این دیوان قبلا" نظر داده است که:

> "یکی از قواعد مسلم قانون مسئولیت بین‌المللی دولتها این است که بابت جبران خسارات نظری یا مشکوک، هیچ حکمی نمی‌توان صادر کرد."(۴)

---

(۳) سواد رسمی مذاکرات، ص ص. ۱۶۷ و ۱۷۰.

(۴) آموکو اینترنشنال فایننس کورپوریشن،حکم شماره ۳-۵۶-۳۱۰، بند ۲۳۸.

٨ - بررسی پیش بینی های رسمی در زمان اجرای قرارداد که مورد قبول کلیه طرفهای قرارداد است و نیز اظهارات رسمی خود خواهان نشان می‌دهد که مقدار کل نفت قابل استحصال که در حکم آمده ۲ تا ۳ برابر بیش از میزانی است که هر خریدار منطقی فرضی در سال ۱۹۷۹ احیانا" فرض می کرد. شایسته تذکار است که خود خواهان کل سهم خود از تولید آتی از ایران را در زمان مصادره، ۱۵ میلیون بشکه اعلام کرده بود (رجوع شود به فرم 10-K خواهان) بدین معنی که کل مقدار نفت قابل استحصال در آینده ۹۰،۰۰۰ MSTB (هزار بشکه متعارف) از کلیه مخازن بوده است.

۹ - از آنجا که حکم هیچگونه استدلالی برای یافته‌های خود ارائه نمی‌کند و حتی مقادیر پیشنهادی خود را به تفکیک برحسب مخازن بیان نمی‌دارد، تحلیل حکم و رد آن تنها با اظهارنظرهای کلی میسر است. طبیعتا" چنانچه حکم بصورت صحیح و معقول ارائه و یا اگر توضیحات لازم توسط داوران داده شده بود، تحلیل مفصل تر و دقیق تری از آن امکان پذیر می بود.

(الف) استحصال اولیه نفت در میدان رخش

۱۰ - راجع به استحصال اولیه نفت در میدان رخش، حکم نتیجه می‌گیرد که در سال ۱۹۷۹ برآورد منطقی حجم نفت قابل استحصال اولیه تقریبا" ۸۰ میلیون بشکه بوده است. برآورد کورلب (که مبنای ادعای اصلاحی است) و برآورد خواندگان از حجم نفت به ترتیب به شرح زیر است: (۵)

---

(۵) برای مثال، رجوع شود به نمودار H ، توضیحات جلسه استماع، سواد رسمی مذاکرات شماره ۳۸۰.

برحسب ۱۰۰۰ بشکه

	کورلب	خواندگان (گزارش آی- او- اوسی)	حکم
عرب ـ سی	۶۹،۲۱۷	۳۹،۳۷۷	مشخص نشده است
شعیبا	۳۳،۲۸۸	۱۸،۹۵۶	مشخص نشده است
میشریف	۴،۰۷۲	—	مشخص نشده است
جمع	۱۰۶،۵۷۷	۵۸،۳۳۳	۸۰،۰۰۰??

اعداد اولیه خواهان (گزارش مورخ ۲۴ تیر ۱۳۶۲ [۱۵ ژوئیه ۱۹۸۳] PPCI) عبارت بودند از: ۵۸،۹۰۴ [میلیون] بشکه بابت رخش عرب ـ سی، ۳۹،۹۶۰ [میلیون] بشکه بابت شعیبا و ۳،۸۰۴ [میلیون] بشکه بابت میشریف.

پیش بینی‌ها و واقعیات موجود در سال ۱۹۷۹ بشرح ذیل بوده‌اند:

۱۱ - (۱) درباره رخش عرب ـ سی (استحصال اولیه)

(یک) گزارش سال ۱۹۷۵ طرف دوم

(دو) گزارش سال ۱۹۷۶ Geho

(سه) بررسی مدل Case 12 ، سال ۱۹۷۷

(چهار) بسته‌شدن نهایی چاه شماره آرک ـ ۷ در ژوئن ۱۹۷۸ به دلیل نامنظم بودن جریان نفت و تولید بیش از حد آب

(پنج) تولید آب از چاه شماره آرک ـ ۹ از اوایل سال ۱۹۷۸.

با آنکه سه پیش بینی مذکور در بالا، میزان نفت قابل استحصال در فاصله ۱۹۹۹-۱۹۷۹ را در حدود ۶۰ میلیون بشکه نشان می‌دهد (یکی از آنها قدری

کمتر و دوتای دیگر قدری بیشتر)، هیچیک از پیش بینی ها مشکلات و مسائل موجود در چاههای شماره آرک -۷ و آرک -۹ را پیش بینی نکرده و مورد توجه قرار نداده بود. بابت چاه شماره آرک -۷ هم خواهان و هم خواندگان تعدیلاتی، گرچه نه به مقدار مساوی انجام داده‌اند. در مورد چاه آرک -۹ خواندگان تعدیلات قابل ملاحظه‌ای قائل شده‌اند، درحالیکه خواهان (و کورلب) با رد روند پیشنهادی خواندگان و بدون آنکه روندی از دیدگاه خودپیشنهاد کنند، اساساً مسئله را نادیده گرفته‌اند. در اینکه چاه شماره آرک -۹ در سال ۱۹۷۸ شروع به تولید آب کرده بود و بعد از آن نیز تولید آب ادامه یافته بحثی نیست و نمی‌توان آنرا نادیده انگاشت. چون هیچگونه پیش بینی‌ای غیر از پیش بینی‌های خواندگان و شرکت اکسپلوریشن کانسالتنتس لیمیتد درباره این چاه وجود ندارد، نظر من این است که ما اجباراً می‌بایست یا یکی از این دو پیش بینی را قبول می‌کردیم و یا از کارشناسی نظر می‌خواستیم. در هرصورت، هیچ تردیدی نیست که این واقعیت درباره چاهی که بیشترین میزان تولید را در حوزه نفتی داشته، مسلماً تاثیر بسزائی در میزان نفت قابل استحصال برجای می‌نهاد. بدینسان، نفت اولیه قابل استحصال از رخش عرب - سی بسیار نزدیکتر به برآورد خواندگان می‌بود تا به ۶۰ میلیون بشکه پیشنهادی در سه گزارش فوق‌الذکر. هیچ خریدار فرضی معقولی در سال ۱۹۷۹ که اندک مایه‌ای از عقل سلیم می‌داشت مسلماً از توجه به کلیه برآوردها و واقعیات موجود غفلت نمی‌کرد و نمی‌توانست مشکل دو چاه شماره آرک - ۷ و آرک - ۹ را نادیده بگیرد و مسلماً نادیده هم نمی‌گرفت.

۱۲ - (ب) <u>درباره رخش شعیبا</u> (استحصال اولیه)

(یک) بررسی سال ۱۹۷۴ آجیپ

(دو) گزارش سال ۱۹۷۵ طرف دوم

(سه) گزارش سال ۱۹۷۶ Geho

بینی شده بود. (٦) از سوی دیگر، در گزارش سال ۱۹۷۵، میزان ذخایر میشریف و عرب - بی به صورت یکجا درون عرب - سی برآورد شده بود(۷). جمع کل نهائی نفت قابل استحصال از مخازن عرب - بی و میشریف مجموعا" ۳،۵۰۸،۰۰۰ بشکه برآورد شده بود(۸).

هیچ نشانی در پیش بینی ها و واقعیات آنزمان وجود ندارد که یک خریدار فرضی از مخزن رخش میشریف انتظار تولید بیشتری می داشته و درواقع بابت آن پولی پرداخت می‌کرده است.

۱۴ - بدین صورت، "نتیجه گیری" حکم (۹) مبنی بر اینکه کل مقدار نفت قابل استحصال در طول باقیمانده مدت قرارداد مشارکت در سال ۱۹۷۹ منطقا" در حدود ۸۰ میلیون بشکه برآورد می‌شد، کاملا" با این پیش بینی ها و واقعیات موجود در سال ۱۹۷۹ مغایرت دارد و میزان اشتباه در حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون و شاید هم بیشتر باشد.

(ب) استحصال ثانوی در میدان رخش

۱۵ - درمورد استحصال ثانوی رخش، در حکم بعنوان "نتیجه گیری" اظهار شده است که کل میـزان نفـت قابـل استحصال در طول باقیمانده مدت قرارداد مشارکت در سال

---

(٦) گزارش زمین شناسی خواهان، سند شماره ۱۳۵، پیوست ۲، صفحه ۵۹.

(۷) لایحه معارض خواندگان، پیوست هفت، سند شماره ۳۴۵، ضمیمه ۳، صفحه ۲، ضمیمه الف.

(۸) همان ماٴخذ، جدول ۲.

(۹) بند ۱۲۰ حکم.

(چهار) گزارش سال ۱۹۷۶ آجیپ

میزان نفت قابل استحصال، بعد از ۱۱ دی ماه ۱۳۵۷ [اول ژانویه ۱۹۷۹] طبق این گزارشها به ترتیب، ۱۵۸۶۳، ۲۱۰۶۵، ۲۰۱۶۹ و ۱۶۹۰۲ میلیون بشکه است. بنابراین، هیچ محملی برای ۳۹۹۶۰ میلیون بشکه برآوردی خواهان یا ۳۳۲۸۸ میلیون بشکه برآوردی کورلب که هر دوی این برآوردها برای جریان رسیدگی حاضر تهیه شده‌اند، وجود ندارد. ۱۸۹۵۶ میلیون بشکه برآوردی خواندگان بسیار منطقی‌تر بنظر می‌رسد و تنها رقمی است که در حدود پیش بینی‌های موجود در سال ۱۹۷۹ قرار دارد.

۱۳ - (ج) درباره رخش میشریف (استحصال اولیه)

(یک) گزارش سال ۱۹۷۵ طرف دوم

(دو) گزارش سال ۱۹۷۶ Geho

(سه) چاه شماره آرک - ۴، یعنی تنها چاه مولد نفت در این مخزن، در ماه نوامبر ۱۹۷۸ به دلیل تولید آب بسیار و کمی فشار سر چاه بسته شد.

در هر دو گزارش موجود درباره این مخزن پیش بینی شده بود که مخزن مزبور بکلی تهی خواهد شد و یقیناً از سال ۱۹۷۹ به بعد هیچ تولیدی نخواهد داشت. تنها چاه مولد نفت در این مخزن نیز بسته شد. خواهان و کورلب اظهار می‌کنند که ترمیم این چاه غیرممکن نبوده و بنابراین پیش بینی می‌کنند که تقریباً ۴ میلیون بشکه نفت دیگر در فاصله ۹۹-۱۹۷۹ قابل استحصال می‌بود، (علاوه بر ۲،۲۸۸،۰۰۰ بشکه‌ای که تا اول ژانویه ۱۹۷۹ تولید شده بود). در گزارش Geho ، جمع کل تولید نهایی از چاه میشریف در سال ۱۹۷۶، ۲،۰۵۰،۰۰۰ بشکه پیش

۱۹۷۹ منطقا" در حدود ۷۵ تا ۸۰ میلیون بشکه قابل برآورد می بود. هیچ مبنایی برای این "نتیجه گیری" ذکر نشده، جز اینکه گفته شده است که در عین حال که پروژه استخراج ثانوی در میدان عرب ـ سی در مرحله کاملا" پیشرفته‌ای بوده و انتظار ادامه آن در سال ۱۹۷۹ می‌رفته (البته شاید با چند سال تاءخیر بعد از تاریخ موردنظر، یعنی ۱۹۸۱)، پروژه استحصال ثانوی در میدان شعیبا در سپتامبر ۱۹۷۹ در مرحله ابتدائی بود و برنامه‌های لازم نه تهیه شده بود و نه در آینده نزدیک انتظار تهیه آنها می‌رفت(۱۰). معهذا حکم در ادامه مطلب می گوید که: "دیوان معتقد است که استحصال ثانوی از مخزن شعیبا منطقا" انتظار نمی رفت قبل از اواخر دهه ۱۹۸۰ صورت گیرد".(۱۱)

۱۶ ـ مقادیر نفت قابل استحصال ثانوی رخش طبق برآوردهای کورلب (که اساس ادعای اصلاحی است) و خواندگان به قرار زیر است:

بر حسب ۱۰۰۰ بشکه

	(۱۲) کورلب	خواندگان (گزارش آی‌ـ او‌ـ او‌ـ سی)	حکم
میدان رخش عرب ـ سی	۵۰،۳۰۵	۱۳،۵۷۶	مشخص نشده‌است
میدان رخش ـ شعیبا	۳۵،۷۲۰	۲،۷۶۲	" " "
جمع	۸۶،۰۲۵	۱۶،۳۳۸	۷۵،۰۰۰ تا ۸۰،۰۰۰

(۱۰) همان ماءخذ، بند ۱۲۱.

(۱۱) همان ماءخذ.

(۱۲) برای مثال، رجوع شود به نمودار H ، توضیحات خواهان در جلسه استماع، سواد رسمی مذاکرات، سند شماره ۳۸۰.

اعداد اولیه خواهان (PPC1 در ۱۹۸۳) عبارت بودند از: ۸۱،۴۴۶ برای عرب - سی و ۳۳،۹۴۵ برای شعیبا.

واقعیات و پیش بینی هائی که در سال ۱۹۷۹ در دسترس یک خریدار احتمالی بود عبارت بودند از:

۱۷ - <u>الف - درباره رخش عرب - سی (استحصال ثانوی)</u>

(یک) بررسی های اولیه از سال ۱۹۷۲ به بعد

(دو) بررسی مدل ۱۳ ایکس سال ۱۹۷۷

(سه) تاریخچه پروژه تزریق آب رخش عرب - سی

(چهار) وضعیت داخلی ایمینوکو در سال ۱۹۷۹

(پنج) موضع اعلام شده شرکت نفت در سال ۱۹۷۹

ازآنجا که هر دو طرف اساساً توافق کرده‌اند که مدل ۱۳ ایکس مبنای هر برآوردی را در سال ۱۹۷۹ تشکیل می‌داده، ماهیت خود بررسی نیاز به بحث چندانی ندارد. مساله اصلی و اختلاف اساسی بین طرفین این است که آیا پروژه تزریق آب در میدان رخش عرب - سی کاملاً بمرحله اجرا در می آمده یا خیر و در صورتیکه پاسخ مثبت است، در چه زمانی. بدینسان، اثر واقعیات دیگر موجود در سال ۱۹۷۹ است که باید بررسی شود تا تعیین گردد که یک خریدار فرضی معقول در سال ۱۹۷۹ برای این پروژه چه ارزشی قائل می‌شده است.

۱۸ - در سال ۱۹۷۹، هرناظری سابقه امر را به شرح زیر مورد توجه قرار می داد. در سال ۱۹۷۲ آجیپ نتایج تحقیقات خود را ارائه نمود و کمیته توسعه ایمینوکو اعلام

کرد که تحقیقات راجع به میدان رخش عرب ـ سی از بالاترین اولویت برخوردار است.(۱۳) در سال ۱۹۷۳ نتیجه بررسی مدل PPCI شامل تزریق آب، مورد قبول کمیسیون فرعی مدل مخزن (Reservoir Model Subcommittee) قرار گرفت. کمیسیون توسعه در ۱۱ مهر ماه ۱۳۵۲ [۳ اکتبر ۱۹۷۳] توصیه کرد که ایمینوکو پروژه تزریق آب رخش عرب ـ سی را بلافاصله آغاز کند.(۱۴) هیئت مدیره ایمینوکو در دسامبر ۱۹۷۳ پروژه را تصویب کرد و دستور داد که کارهای مهندسی به مناقصه گذارده شود و به مدیرعامل دستور داد که مصالح و حفاری دو چاه تزریقی را سفارش دهد(۱۵). در سال ۱۹۷۴، کرست انجینیرینگ برای انجام مطالعات مهندسی انتخاب شد و کمیته بهره‌برداری مدل ۱۰ ایکس را به عنوان مبنای تزریق آب توصیه کرد. اما چاهی حفر نشد، ظاهراً بدان علت که سکوی حفاری وجود نداشت. در سال ۱۹۷۵، طرف دوم قرارداد (ازجمله، خواهان پرونده حاضر) کلیه پروژه‌های جدید، منجمله پروژه تزریق آب رخش را لغو کرد(۱۶). در سال ۱۹۷۶ نیز به علت موضع طرف دوم قرارداد که همان موضع سال ۱۹۷۵ او بود، پیشرفتی حاصل نشد. در ژوئن ۱۹۷۷ کمیته توسعه مدل PPCI را تصویب و مدل ۱۳ ایکس را انتخاب و اجرای آن را توصیه کرد(۱۷). طرف دوم قرارداد تا دسامبر ۱۹۷۷ قبولی خود را اعلام نکرد(۱۸). در سال ۱۹۷۸ کارهای مهندسی مجدداً به مناقصه

---

(۱۳) لایحه توجیهی و مستندات خواندگان، ضمیمه چهار، جلد سوم، سند شماره ۲۷۲، پیوستهای ۲۵ـ۴.

(۱۴) گزارش عملیات خواهان، سند شماره ۱۴۲، ص ۴۲.

(۱۵) سند شماره ۲۷۲ فوق، پیوستهای ۳۴ـ۴، صورتجلسه ۶۹ هیئت مدیره ایمینوکو.

(۱۶) همان ماخذ، پیوستهای ۳۵ـ۴، صورتجلسه ۸۲ هیئت مدیره ایمینوکو.

(۱۷) همان ماخذ، پیوستهای ۳۶ـ۴ صورتجلسه کمیته بهره‌برداری، ژوئن ۱۹۷۷.

(۱۸) ایضاً، پیوستهای ۳۰ـ۴ صورتجلسه ۱۰۶ هیئت مدیره ایمینوکو.

گذارده شد و به آجیپ محول گردید. حفر دو چاه تزریقی آغاز شد که یکی در ۱۹۷۸ و دیگری در فوریه ۱۹۷۹ بپایان رسید. مدل ۱۳ ایکس نیازبه چهار چاه تزریقی جدید و تبدیل دو چاه موجود به تزریقی و مقادیر زیادی تجهیزات و مصالح داشت. طرف دوم قرارداد، هرگونه تعهد دیگری از جانب طرفین را مورد سئوال قرار داد و به ایمینوکو دستور داد که موارد زیر را در برنامه پنجساله منظور نماید.

"الف) پروژه تزریق آب رخش تا آنجا که به بودجه سال ۱۹۷۸ مربوط می‌شود، توسط طرفهای اول و دوم با تعهدات مالی مربوطه تصویب گردیده است"(۱۹).

با اینحال، برای آگاهی از سرنوشت این پروژه، لازمست به بند زیر توجه کنیم.

۱۹ - راجع به اوضاع داخلی ایمینوکو در سال ۱۹۷۹، واقعیات زیر مسلما" از دید یک خریدار فرضی پنهان نمی‌ماند. در جلسه ۱۱۷ هیئت مدیره ایمینوکو که در دسامبر ۱۹۷۸ تشکیل شد، چون هیچ بودجه‌ای توسط طرفین به تصویب نرسیده بود، به مدیرعامل موقتا" اختیار داده شد که فقط هزینه‌هائی را انجام دهد که به عملیات عادی تولیدی و چند پروژه، منجمله پروژه تزریق آب رخش مربوط می‌شد(۲۰). مفهوم و دامنه این اختیار از بررسی رویدادهای جلسه بعدی هیئت مدیره، یعنی جلسه ۱۱۸ روشن می‌شود که در حکم بکلی نادیده گرفته شده است.

در جلسه مزبور چنین گفته شد:

---

(۱۹) لایحه توجیهی و مستندات خواندگان، ضمیمه چهار، جلد دو، سند شماره ۲۷۱، پیوستهای ۱۱-۴ نظرات طرف دوم.

(۲۰) ایضا"، پیوستهای ۲۰-۴، صورتجلسه ۱۱۷ هیئت مدیره‌ایمینوکو.

"بعد از مذاکرات مفصل، هیئت مدیره از مدیرعامل خواست که بودجه سال ۱۳۵۸ را برمبنای وضع فعلی تهیه و برای طرفین ارسال نماید و موقتا" به مدیرعامل اختیار داد که هزینه‌های جاری عملیاتی را باستثنای هزینه‌های مربوط به نظافت مخازن نفت شماره ۳-۱ و رنگ آمیزی R3-R7 ، کارهای اساسی چاهها و کلیه هزینه‌های بهره‌برداری سوای مهندسی پروژه‌های تزریق آب مخزن رخش را انجام دهد"(۲۱) (خط تاکید اضافه شده است)

در جلسات ۱۱۹ و ۱۲۰ (آخرین جلسه) هیئت مدیره ایمینوکو (۲۲)، ادامه تصمیمات متخذه در جلسه ۱۱۸ تائید شد. هیچ ذکری هم از این جلسات در حکم به میان نیامده است. بنابراین تنها بودجه مصوب برای این پروژه در سال ۱۹۷۹ برای مطالعات مهندسی بوده است. طبق اظهار خواهان، کل هزینه مطالعات مهندسی کمتر از یک درصد هزینه پروژه است (۲۳) و قسمت اعظم آن پیش از ۱۹۷۹ و در همان سال صرف گردید. بنابراین، اساسا" در سال ۱۹۷۹ پیشرفت قابل ذکری مشاهده نشد. نکته قابل توجه اینکه تحقیقات آجیپ تا ۲۹ خرداد ۱۳۵۸ [۱۹ ژوئن ۱۹۷۹] تا ٦۷ درصد پیشرفت کرده بود. این مطلب هم جالب است که بر مبنای این تحقیقات تا آنزمان اعلام شده بود که اقلام عمده مصالح درحدود ۱۰ میلیون دلار هزینه خواهد داشت(۲۴). در گزارش هزینه خواهان، کل هزینه کارگاه و مصالح ۵،۸۷۳،۰۰۰ دلار، یعنی تقریبا" نصف کل هزینه برآورد شده است. این مطلب بعدا" مورد بحث بیشتری قرار خواهد گرفت.

---

(۲۱) سند شماره ۲۷۲، مذکور در فوق، پیوستهای ۲۱-۴، صورتجلسه ۱۱۸ هیئت مدیره ایمینوکو.

(۲۲) ایضا"، پیوستهای ۲۳-۴.

(۲۳) گزارش هزینه خواهان، سند شماره ۱۳٦، جدول B1 .

(۲۴) سند شماره ۲۷۲ (مذکور در بالا)، پیوست های ۲۳-۴، صفحه ٦.

۲۰ - عامل عمده دیگری نیز که یک خریدار احتمالی در سال ۱۹۷۹ درنظر می‌گرفت، وضع مالی طرف اول قرارداد بود. درباره وضع مالی شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۹۷۹، کاملا" مشخص و روشن است که وضع مالی آن شرکت در آن سال و درواقع در سالهای بعد، در مقایسه با سالهای پیش تغییر محسوسی کرده بود. در ژانویه ۱۹۷۹، شرکت نفت بخشنامه‌ای صادر کرد که برای روسای هیئت مدیره کلیه شرکتهای تابعه و ازجمله ایمینوکو ارسال شد. در این بخشنامه ضمن مطالبی آمده است که:

"بنابراین، لطفا" به امور اجرائی و دفاتر مرکزی خود دستور دهید که کلیه تعهدات مالی گذشته، به ویژه اجرای پروژه‌ها را مورد تجدیدنظر قرار دهند.(۲۵)" (خط تاکید اضافه شده است)

در نامه منضم به بخشنامه، خطاب به رئیس هیئت مدیره ایمینوکو، ضمن مطالبی آمده است:

"...به پیوست فتوکپی نامه... را جهت اطلاع و اجرای دقیق مفاد آن ارسال می‌دارد.(۲۶)" (خط تاکید اضافه شده است).

شرکت نفت و مقامات دولتی بارها اظهار داشته بودند که میزان تولید نفت و صادرات ایران نسبت به دوران قبل از انقلاب به مراتب کمتر خواهد بود. این تصمیم براساس مصالح کشور ایران اتخاذ شده بود که طبق قرارداد مشارکت، هر دو طرف صراحتا" متعهد به رعایت آن بودند. بنابراین، جای تردید فراوان بود که طرف اول قرارداد پروژه‌های متضمن تولید بیشتر با هزینه‌های زیاد را تصویب نماید و چنانکه ملاحظه شد، تعهدات مالی، به حدود تعهدات سال ۱۹۷۸ محدود گردید. ادامه چنین پروژه‌ای نه تنها نیاز به موافقت طرف اول قرارداد داشت، بلکه چنانچه مخالف

---

(۲۵) لایحه توجیهی و مستندات خواندگان، ضمیمه چهار، جلد چهار، سند شماره ۲۷۳، پیوستهای ۵۶-۴.

(۲۶) ایضا".

با مصالح و منافع ایران تلقی می‌شد، طرف دوم قرارداد ناچار بود از آن احتراز نماید.

۲۱ - بدین ترتیب و به طور اجمال، یک خریدار معقول فرضی علائق فیلیپس در سپتامبر ۱۹۷۹، درمورد پروژه تزریق آب میدان رخش عرب - سی، یعنی پروژه‌ای که در سال ۱۹۷۳ از بیشترین اولویت برخوردار بود و با اینحال طرف دوم قرارداد آن را سالهای سال عقب انداخته و به دسامبر ۱۹۷۸ موکول کرده بود، با واقعیات زیر مواجه می‌بود: تقریبا" ۲۰ درصد کل هزینه برآوردی، در سال ۱۹۷۸ به مصرف رسیده بود و برای سال ۱۹۷۹، که طبق برنامه قرار بود بیش از ۴۰ درصد کل هزینه به مصرف برسد، اجازه صرف کمتر از یک درصد هزینه داده شده بود، و آنهم برای یک مطالعه مهندسی که یکی از اعضای طرف دوم قرارداد قبلا" آنرا انجام داده بود. طرف اول قرارداد با مشکلات مالی مواجه شده و دستور تجدید نظر در کلیه پروژه‌ها را داده بود، کشور به منظور حفظ مصالح خود تصمیم به کاهش سطح تولید و صادرات گرفته بود، که نشانه روشنی از آن بود که هزینه پروژه بمراتب بالاتر خواهد بود، و سابقه‌ای که به روشنی نشان می‌داد که یکی از طرفین قادر بود اجرای پروژه‌ای را تا مدتهای مدید به تعویق اندازد و درواقع نیز چنین کرد. یک چنین خریدار فرضی مسلما" بهیچوجه تصور نمی‌کرد که این پروژه تا سالهای سال جامه عمل بپوشد و به فرض که تحقق نیز می‌یافت، مسلما" به دهه ۸۰ وصال نمی داد.

آنچه که گفته شد، ریسک نبود بلکه واقعیاتی بود که قبل از تعیین میزان نفت قابل استحصال از چنین پروژه‌ای می‌بایست مورد بررسی و توجه قرار می‌گرفت.

۲۲ - منطقی نیست که تصور شود که یک خریدار باشعور، چه رسد به خریدار منطقی،

برخلاف عقل سلیم عمل کرده، همه واقعیتهای موجود را نادیده بگیرد و برعکس، چنانکه حکم می‌گوید، براساس اوهام ابتدا میزانی از نفت قابل استحصال تعیین کند و سپس یک ضریب ریسک فرضی درنظر بگیرد. اگر چاره دیگری وجود نداشت، مسلما" ضریب ریسک بسیار بالا و ضریب احتمال بسیار کوچک می‌بود. ضمنا" باید خاطرنشان کرد که به مجرد آنکه تعیین تاریخ شروع (اجرای پروژه) میسر می‌گردید، آنوقت مسایل اقتصادی و جزئیات فنی اجرای آن می‌بایست براساس واقعیات جدید بدقت تعیین می‌شد و این امر مستلزم داشتن دانش فنی و تخصصی می‌بود که دیوان فاقد آنست و بدینسان، من هم که از این امر مستثنی نیستم دست به چنین کاری نخواهم زد.

۲۳ - ملاحظه می‌شود که خواهان و کورلب پیش بینی‌های خود را براساس این فرض که پروژه در سال ۱۹۸۱ آغاز می شود، (۲۷) استوار کرده بودند درحالیکه خواندگان تاریخ شروع را سال ۱۹۹۱(۲۸) فرض کرده بودند. واقعیاتی که در بالا بدانها اشاره رفت، پیش‌بینی خواندگان را بسیار منطقی تر جلوه می‌دهد. بدین ترتیب من معتقدم که هر خریدار معقول فرضی درسال ۱۹۷۹، پروژه را بهمان وجهی می‌نگریست که خواندگان می‌دیدند و میزان تولید را بیش از ۱۴ تا ۱۶ ملیون بشکه درنظر نمی‌گرفت.

ب - <u>درباره رخش شعیبا (استحصال ثانوی)</u>

۲۴ - وضع رخش شعیبا آنچنان روشن است که انسان را بدین اندیشه وامی‌دارد که هدف

---

(۲۷) برای مثال، شهادت دکتر کانوتن، سواد رسمی مذاکرات، سند شماره ۳۸۰، ص ۱۶۸.

(۲۸) ایضا".

و منظور حکم چیست. علاوه بر واقعیاتی که درمورد رخش عرب ـ سی گفته شد و در اینمورد هم صادق است، خواهانها هیچ مدرکی تسلیم نکرده‌اند که نشان دهد پروژه تزریق آب رخش شعیبا از اوایل دهه ۷۰ به هیچوجه مورد بررسی قرار گرفته باشد. خواهانها فقط اظهار داشته‌اند که گویا این موضوع در دستور کار کمیته‌ای که قرار بود در سال ۱۹۷۹ تشکیل شود و هیچگاه تشکیل نشد، قرار داشته است. بعد از ملاحظات سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲، که تصور می‌شد شعیبا مهمترین مخزن در میدان نفتی رخش است، دیگر هیچ گونه مطالعات مهندسی و هیچ نوع برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی و درواقع، هیچگونه بحث و صحبتی از این پروژه هرگز بمیان نیامد. در پیش بینی‌ها یا برنامه‌های آن زمان هیچگاه ذکری از آن به عمل نیامده، ولی با اینهمه در حکم گفته می‌شود که اواخر دهه ۸۰ را می‌توان تاریخ آغاز پروژه تلقی کرد. برخلاف آنچه در حکم گفته شده، هیچ خریدار فرضی معقولی پول خود را در چنین محلی نمی‌نهاد. علاوه بر مساله زمان آغاز پروژه، و درواقع کل این مساله که آیا می توان فرض را بر اجرای پروژه گذاشت یا خیر، از آنجا که خواهانها و کورلب نتوانسته‌اند ایرادات فنی خواندگان را رد کنند و براساس مدارک موجود در پرونده، من فکر می‌کنم که دیوان می‌بایست ادعای استحصال ثانوی رخش شعیبا را بکلی رد می‌کرد، زیرا معتقدم که هیچ فردی با هر اندازه شعور، پولی بابت چنین پروژه موهومی در سال ۱۹۷۹ نمی‌پرداخت.

(ج) استحصال اولیه در میدان رستم

۲۵ ـ درمورد میزان استحصال اولیه میدان نفتی رستم، حکم بدون ارائه دلیل به این نتیجه می‌رسد که کل مقدار نفت قابل استحصال در طول باقیمانده مدت قرارداد، در سال ۱۹۷۹ منطقاً در حدود ۶۰میلیون بشکه قابل برآورد می‌بود.(۲۹) برآوردهای

(۲۹) بند ۱۲۲ حکم.

انجام شده توسط کورلب (که اساس دادخواست اصلاحی است) و خواندگان (گزارش آی- او- اوسی) بشرح زیر می‌باشند(۳۰):

برحسب ۱۰۰۰ بشکه

	کورلب	خواندگان (گزارش آی- او- او- سی)	مقادیرمندرج درحکم
الف - میدان‌رستم شعیبا	۶۰،۳۳۹	۳۵،۱۰۶	مشخص نشده
ب - میدان‌رستم میشریف	۲۵،۲۵۷	۱۱،۹۵۷	" "
ج - میدان‌رستم عرب آ-۱	۱،۲۹۳	—	" "
د - میدان‌رستم عرب- سی	۳۶۴	۴۵۷	" "
جمع	۸۷،۲۵۳	۴۷،۵۲۰	۶۰،۰۰۰

ادعای اولیه خواهان برمبنای پیش بینی PPCI در سال ۱۹۸۳ قرار داشت که ارقام برآوردی آن به قرار زیر بود: بابت شعیبا ۵۰،۶۹۶، بابت میشریف ۱۶،۵۵۴، بابت عرب آ - ۱ ۲،۴۸۴ و بابت عرب - سی ۳۶۳ که بدین ترتیب، کل استحصال اولیه [میدان نفتی] رستم به رقم ۷۰،۰۹۷ می‌رسید.

برخلاف این قاعده که حکم باید دلایل یافته‌های دیوان را توضیح دهد، دراین مورد حکم اشاره نمی‌کند که چنین "نتیجه"ای چگونه بدست آمده و نیز برآورد خود را به تفکیک برحسب هر مخزن ذکر نمی‌کند. بنابراین من چاره‌ای جز آن ندارم که همانگونه که تاکنون عمل کرده و منبعد خواهم کرد، برای کلیه "نتیجه‌گیری‌های" رای، تمامی مخازن را درنظر گیرم.

(۳۰) برای مثال، مستندات خواهان در جلسه استماع، سواد رسمی مذاکرات، سند شماره ۳۸۰، نمودار H .

الف - رستم شعیبا (استحصال اولیه)

۲۶ - پیش بینی ها و واقعیات موجود در زمان موردنظر در سال ۱۹۷۹ درباره استحصال اولیه در رستم شعیبا عبارت بودند از:

(یک) - بررسی تخلیه ذخایر سال ۱۹۷۴ "Case-D"

(دو) - گزارش سال ۱۹۷۵ طرف دوم (بر مبنای Case-D با امتداد آن)

(سه) - گزارش سال ۱۹۷۶ Geho

(چهار) - کارکرد واقعی مخزن تا پایان سال ۱۹۷۸

(پنج) - محدودیت GOR (نسبت گاز به نفت) ۱۳۲۰ SCF/STB (فوت مکعب متعارف به بشکه متعارف) وضع شده در سال ۱۹۷۶.

۲۷ - در بررسی تخلیه ذخایر که در سال ۱۹۷۴ به عمل آمد، پیش بینی شده بود که تولید (نفت) تا آخر سال ۱۹۸۸ ادامه یابد. در سال ۱۹۷۵ طرف دوم قرارداد (منجمله خواهان پرونده حاضر) هنگام تهیه و تنظیم گزارش خود از همین گزارش استفاده کرد و پیش بینی تولید را تا سال ۱۹۹۴ بسط داد. بدینسان، پیش بینی مربوط به دوره ۱۹۸۸-۱۹۷۵ در هر دوی این گزارشها، عیناً یکسان است. هم خواهان و هم خوانده، ضریب تصحیحی برابر ۰/۹۲ نسبت به این پیش بینی ها اعمال کرده‌اند، زیرا تولید واقعی در دوره ۱۹۷۸-۱۹۷۵ معادل ۰/۹۲ تولید پیش بینی شده در مدل برای همان دوره زمانی بود. بنابراین باید چنین فرض کرد که یک خریدار فرضی معقول در سال ۱۹۷۹ نیز عیناً چنین می‌کرد. در گزارش سال ۱۹۷۵ طرف دوم قرارداد، کل استحصال اولیه نفت از رستم شعیبا تا آخر سال ۱۹۹۴ را ۱۰۶،۳۴۳،۰۰۰ بشکه برآورد شده بود.(۳۱) حال اگر قسمت مربوط به

---

(۳۱) لایحه معارض خواندگان، ضمیمه یک، سند شماره ۳۴۵، پیوست ۳، جنبه‌های اقتصادی حقوق [مالکانه] طرف دوم.

دوره ۱۹۹۴-۱۹۷۵ با اعمال ضریب تصحیح مورد توافق، تصحیح شود، کل رقم اصلاحی استحصال تقریبا" به ۱۰۲ میلیون (۱۰۱،۹۶۱،۵۶۰) بشکه بالغ می‌گردد و اگر کل تولید تا ۵۷/۱۰/۱۱ [۷۹/۱/۱](۳۲) (یعنی ۶۸،۶۶۱،۰۰۰ بشکه) از آن کسر شود، بقیه نفت قابل استحصال به طور تقریب به ۳۳،۳۳۹،۰۰۰ بشکه می‌رسد. باید خاطرنشان شود که همان گزارش به روشنی نشان می‌داد که تولید نفت تا سال ۱۹۹۴ کاملا" ناچیز و رو به تنزل می‌بود. بنابراین حتی با احتساب ۴ سال و نیم دیگر به همان میزان تولید سال ۱۹۹۴ و بدون تصحیح (یعنی اعمال ضریب ۰/۹۲)، حداکثر ۲،۲۵۰،۰۰۰ بشکه دیگر اضافه می‌شد و کل برآورد استحصال اولیه نفت به ۳۵،۵۸۹،۰۰۰ بشکه می‌رسید. در گزارش سال ۱۹۷۶ Geho راجع به پیش بینی کل استحصال اولیه نفت، مقدار آن ۱۱۳،۴۶۵،۰۰۰ بشکه برآورد شده بود که بعد از کسر کل تولید تا پایان سال ۱۹۷۸، برآورد بقیه استحصال اولیه به ۴۴،۸۰۴،۰۰۰ بشکه می‌رسید. باید خاطرنشان کرد که نه در گزارش Geho و نه در گزارش طرف دوم قرارداد (و طبعا" در Case D) محدودیت GOR پیش بینی نشده بود. با این وصف، در اصلاح (گزارش) طرف دوم قرارداد برای تولید واقعی در مقابل پیش بینی تولید در سالهای ۷۸-۱۹۷۵، می‌توان گفت که قسمتی از اثر این محدودیت در محاسبه منظور شده است. طبیعتا" گزارش Geho نیز نیاز به مقداری تصحیح دارد، در غیر اینصورت می‌توان آنرا پیش بینی خوشبینانه‌ای تلقی کرد.

۲۸ - تردیدی نیست که براساس کلیه پیش‌بینی‌ها و واقعیات موجود در سال ۱۹۷۹، برآورد میزان بقیه استحصال اولیه در دوره ۱۹۹۹-۱۹۷۹ چیزی کمتر از ۳۵/۵ میلیون بشکه می‌بود. همچنین باید خاطرنشان کرد که‌خواهان ضمنا" اظهار داشته‌بود

---

(۳۲) نمودار H ارائه شده توسط خواهان در جلسه استماع، سند شماره ۳۸۰.

که آن قسمت از استحصال اولیه که حسب ادعا با (حفر) هفت حلقه چاه اضافی قابل تولید بوده و در پروژه استحصال ثانوی منظور شده بود، باید توام با ارقام استحصال اولیه درنظر گرفته شود. چون آن مقدار نفت، به فرض وجود، فقط درصورت اجرای پروژه استحصال ثانوی قابل تولید می‌بود، باید آن را توام با استحصال ثانوی در نظر گرفت که ذیلاً خواهد آمد.

ب - میدان رستم میشریف (استحصال اولیه)

۲۹ - پیش بینی های موجود درباره میدان رستم میشریف در سال ۱۹۷۹ عبارت بودند از گزارش سال ۱۹۷۵ طرف دوم قرارداد و گزارش سال ۱۹۷۶ Geho . در گزارش اول، استحصال نهائی اولیه ۳۱،۷۰۱،۰۰۰ بشکه(۳۳) و در گزارش دوم، استحصال نهائی اولیه ۳۲،۴۹۸،۰۰۰ بشکه پیش بینی شده بود(۳۴). پس از کسر جمع تولید تا ۵۷/۱۰/۱۱ [۱/۱/۷۹] یعنی ۱۸،۷۹۳،۰۰۰ بشکه(۳۵)، بقیه نفت قابل استحصال اولیه از رستم میشریف طبق گزارش طرف دوم ۱۲،۹۰۸،۰۰۰ و طبق گزارش Geho ۱۳،۷۰۵،۰۰۰ بشکه می‌بود. بدینصورت، از مدارک موجود در سال ۱۹۷۹، برآوردی در حدود ۱۳ میلیون بشکه بدست می آمد.

ج - رستم عرب الف -۱ و ج (استحصال اولیه)

۳۰ - این مخازن بسیار کوچک هستند و پیش بینی های آن زمان، یعنی گزارش ۱۹۷۵

---

(۳۳) سند شماره ۳۴۵ (مذکور در بالا)، پیوست ۳.

(۳۴) سند شماره ۱۳۵ (مذکور در بالا)، پیوست ۲، ص ۴۳.

(۳۵) نمودار H خواهان در جلسه استماع، سند شماره ۳۸۰.

طرف دوم قرارداد و گزارش Geho ۱۹۷۶ ، بقیه نفت قابل استحصال را به ترتیب ۵۸،۰۰۰ و ۱۳۱،۰۰۰ بشکه برای هردوی آنها بدست می‌دهد. بنابراین، من تصور می‌کنم که مطلب قابل بحثی در اینجا وجود ندارد جز اینکه گفته شود که برآوردهای سال ۱۹۸۳ کورلب و PPCI برای عرب آ -۱ با برآوردهای انجام شده در آن زمان تائید نمی‌شود زیرا هر دوی این برآوردها، حجم نهائی نفت قابل استحصال اولیه را تقریبا" برابر با مقادیر تولید شده تا آن زمان نشان می‌دهد. دلیلی وجود ندارد که یک خریدار فرضی معقول، بابت نفتی پول می پرداخته که در کلیه گزارشهای تنظیمی طرف دوم قرارداد در همان زمان، ازجمله گزارش خود فروشنده، تقریبا" بکلی تخلیه شده و یا باقیمانده ناچیزی داشته است.

(دال) - استحصال ثانوی میدان رستم

۳۱ - آخرین موضوع مورد بررسی در حکم، استحصال ثانوی میدان رستم است. درپند ۱۲۳ حکم گفته شده است که: "دیوان نتیجه می‌گیرد که کل میزان نفت قابل استحصال طی مدت بیست سال باقیمانده عمر قرارداد مشارکت در ۱۹۷۹ منطقا" رقمی بین ۶۰،۰۰۰،۰۰۰ تا ۷۰،۰۰۰،۰۰۰ بشکه برآورد می شد." و در ادامه این مطلب گفته می شود که ایمینوکو یک پروژه مقدماتی و نیز پروژه کامل مهندسی را تصویب کرده بود و نتیجه می‌گیرد: "درحالیکه در ۱۹۷۹ به نظر می‌رسید که استحصال ثانوی از لحاظ فنی در ژانویه ۱۹۸۴ امکان پذیر باشد، دیوان معتقد است عاقلانه‌تر می‌بود که تکمیل پروژه استحصال ثانوی برای یک یا حتی دو سال بعد از آن تاریخ در نظر گرفته می‌شد." مندرجات این بند مشحون از قلب واقعیات و نتیجه‌گیریهای دور از تصور است. لیکن بجای آنکه اظهارنظر خود را بهمین گفته‌ها محدود کنم، مطلب را به تفصیل بیشتری مورد بحث قرار می‌دهم.

۳۲ - تنها مخزن در میدان نفتی رستم که از استحصال ثانوی آن در جائی اصولا" ذکر شده بود رستم شعیبا بود و ادعا نیز تا آنجا که ارتباط به استحصال ثانوی رستم دارد، به همین مخزن مربوط می‌شود. برآورد کورلب (اساس ادعای اصلاحی) و خواندگان از مقدار نفت قابل استحصال به قرار زیر است:(۳۶)

برحسب ۱۰۰۰ بشکه

کورلب	خواندگان (گزارش آی- او- اوسی)	میزان مندرج در حکم
۷۲،۳۰۰	۲۲،۷۷۸	۶۵،۰۰۰ تا ۷۰،۰۰۰

رقم اولیه خواهان (PPCI)، ۸۶،۹۷۳ MSTB بوده است.

۳۳ - در اینجا نیز خریدار فرضی منطقی، چهار مطلب عمده در اختیار می‌داشت که همه آنها مستلزم توجه فراوان بود. این چهار مطلب عبارت بودند از:

(یک) تاریخچه پروژه

(دو) اوضاع ایمینوکو در سال ۱۹۷۹

(سه) وضع شرکت ملی نفت ایران بعد از انقلاب

(چهار) بررسی مهندسی مخزن مربوط به پروژه تزریق آبی که می‌بایست در سال ۱۹۷۷ آغاز شده باشد.

من ذیلا" شرح مختصری درباره هریک از این چهار مطلب بطوری که در سال ۱۹۷۹

---

(۳۶) نمودار H ارائه شده توسط خواهان در جلسه استماع، سند شماره ۳۸۰.

دردسترس بود خواهم داد.

۳۴ - سابقه پروژه تزریق آب رستم شعیبا به سال ۱۹۶۸، یعنی یکسال پیش از اینکه این میدان به مرحله تولید برسد برمی‌گردد(۳۷). چند سال بعد صرف جمع آوری اطلاعات بیشتری شد که درجریان بهره‌برداری و تولید نفت از آن مخزن بدست آمد. در سال ۱۹۷۳، PPCI یک بررسی کامپیوتری از میدان را آغاز کرد. در سال ۱۹۷۴ کمیته توسعه از ایمینوکو خواست که آزمایشی از قابلیت تزریق آب در رستم شعیبا طراحی و بررسی مربوط به قابلیت اجرای آن را تهیه و تنظیم نماید. ضمناً گزارش PPCI را درباره تطبیق تاریخچه و پیش‌بینی تخلیه ذخیره قبول کرد. در سال ۱۹۷۵ کمیته توسعه پیشنهادات کمیسیون فرعی مدل مخزن را بررسی و نتایج اجرای مدل را که در آن تعدادی نمونه تزریق آب در رستم شعیبا با یکدیگر مقایسه شده بود قبول کرد. در سال ۱۹۷۶ نتایج حاصله از آزمایشات قابلیت تزریق که در چاه شماره آر- ۲۸ انجام شده بود مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد که مقادیر تزریق آب مفروض در بررسی کامپیوتری قابل حصول است. طرف دوم قرارداد اظهار کرد که در موقعیتی نیست که بتواند راجع به اجرای پروژه توصیه‌ای بعمل آورد. ایمینوکو توصیه کرد که باید آزمایشات حساسیت (sensitivity) بعمل آید تا اثر تأخیر در تزریق آب معلوم شود. مدل براین فرض استوار بود که شروع کار سال ۱۹۷۷ صورت گیرد. ایمینوکو سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲ را برای تاریخ شروع در مطالعات حساسیت توصیه کرده بود.(۳۸) در همان سال، طرف دوم قرارداد

---

(۳۷) لایحه توجیهی و مستندات خواندگان، ضمیمه چهار، جلد یک، سند شماره ۲۷۰، پیوستهای ۳-۴، صورتجلسه مورخ ۵ شهریور ۱۳۴۷ [۲۷ اوت ۱۹۶۸] کمیته بهره‌برداری حوزه نفتی رستم.

(۳۸) سند شماره ۲۷۲ (یادشده در بالا)، صورتجلسه مورخ ۲۴ اسفند ۱۳۵۴ [۱۵ مارس ۱۹۷۶] کمیته بهره‌برداری، پیوستهای ۲۸-۴.

درخواست کرد آزمایشات بیشتری در حوزه نفتی به عمل آید و علیرغم نظر شرکت نفت مبنی بر اینکه پروژه تا همان تاریخ عقب افتادگی فراوان داشته، کمیته توسعه توصیه کرد که قبل از آغاز هرگونه پروژه تمام عیار، ابتدا باید یک پروژه آزمایشی اجرا شود.(۳۹) در سال ۱۹۷۷، طرف دوم قرارداد از ایمینوکو خواست درباره سرمایه‌گذاریهای لازم مطالعات مقدماتی انجام دهد و تصمیم گیری راجع به پروژه را به تعویق انداخت. (۴۰) سرانجام در ۲۵ مهر ۱۳۵۷ [۱۷ اکتبر ۱۹۷۸] بود که طرف دوم قرارداد بالاخره موافقت خود را با آزمایش مقدماتی اعلام و اضافه کرد که "درمورد کل پروژه، بعد از معلوم شدن نتایج آزمایشات مقدماتی و تجزیه و تحلیل آنها اتخاذ تصمیم توسط ایشان بعمل خواهد آمد"(۴۱).

۳۵ - وضع ایمینوکو در سال ۱۹۷۷ آنچنانکه در سپتامبر همان سال در رابطه‌با آزمایش مقدماتی مخزن رستم شعیبا دیده می‌شد، نشان می‌دهد که گرچه در صدوهفدهمین جلسه هیئت مدیره ایمینوکو منعقده در دسامبر ۷۸ اجازه صرف هزینه‌های مربوط به این آزمایش مقدماتی داده شده بود، در جلسه بعدی، یعنی در صدوهیجدهمین جلسه (۴۲) در مارس آن سال هزینه مزبور حذف و این موضوع مجدداً در جلسات ۱۱۹(۴۳) و ۱۲۰(۴۴) هیئت مدیره تائید شده بود. جالب است که جلسات ۱۱۸،

---

(۳۹) ایضاً، صورتجلسه مورخ نوامبر ۷۶، کمیته بهره‌برداری، پیوستهای ۲۹-۴.

(۴۰) ایضاً، صورتجلسه یکصد و ششمین نشست هیئت مدیره ایمینوکو، مورخ ۲۲ آذر ۱۳۵۶ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷]، پیوستهای ۳۰-۴.

(۴۱) ایضاً، صورتجلسه یکصد و پانزدهمین نشست هیئت مدیره ایمینوکو، بند ۴(ب)، پیوستهای ۳۳-۴.

(۴۲) سند شماره ۲۷۱ (یادشده در بالا)، پیوستهای ۲۱-۴، ص ۳، قلم ۶، پاراگراف دوم.

(۴۳) ایضاً، پیوستهای ۲۲-۴، ص ۲.

(۴۴) ایضاً، پیوستهای ۲۴-۴، ص ۳.

۱۱۹ و ۱۲۰ (هیئت مدیره) در حکم بکلی نادیده گرفته شده‌اند. هیچگونه اقدامی برای اجرای آزمایش مقدماتی بعمل نیامده بود و بطوریکه حسابهای مربوط تا اسفند ۱۳۵۸ (مارس ۱۹۷۹) نشان می‌دهد، حتی پشیزی نیز برای آن صرف نشده بود.(۴۵)

تردیدی نیست که هر خریدار فرضی وضع شرکت نفت را از لحاظ مالی و با توجه به تجدیدنظر در کلیه پروژه‌ها دقیقاً موردتوجه قرار می‌داد. رجوع شود به بند ۲۰ فوق.

۳۶ - نکته مهم دیگری که باید درنظر گرفته شود، این واقعیت است که طبق برآوردهای خود خواهان، کل هزینه اجرای آزمایش مقدماتی، یعنی تنها قسمت از پروژه تزریق آب در رستم شعیبا که می‌توان آن را تصویب شده تلقی کرد، تقریباً یک درصد کل پروژه می بود و بدینصورت راجع به ۹۹ درصد پروژه تصمیمی اتخاذ نشده بود.

۳۷ - خلاصه اینکه با این ترتیب، یک خریدار فرضی در سال ۱۹۷۹ با توجه به واقعیات موجود در آن زمان، پروژه‌ای مشاهده می کرد که مطالعات مهندسی آن در اوایل یا اواسط دهه ۷۰ انجام شده بود، اجرای آن مداوماً به تعویق افتاده بود و فقط یک درصد آن تصویب شده بود و تازه برای آنهم بودجه‌ای نبود. طرف اول قرارداد دچار مشکلات مالی بود و اعلام کرده بود که حتی در تعهدات جاری خود تجدیدنظر خواهد کرد (و در این مورد جز همان یک درصد تعهدی قبول نکرده بود). لیکن در حکم اظهار شده است که یک خریدار فرضی، براساس مطالعات انجام شده

---

(۴۵) لایحه معارض خواندگان، ضمیمه هفت، جلد یک، سند شماره ۳۵۳، خلاصه هزینه‌های سالانه ایمینوکو، پیوست Q1-2 .

در اوایل دهه ۷۰ ـ راجع به پیش‌بینی مقدار استحصال ثانوی نفت و با این فرض که پروژه احتمالا" در سال ۱۹۷۷ آغاز خواهد شد ـ بلادرنگ بابت ٦۵ تا ۷۰ ملیون بشکه نفت پول می‌پرداخته است.

۳۸ ـ من به دو دلیل لازم نمی‌بینم راجع به مطالعه مخزن فوق‌الذکر وارد بحث شوم. یکی بدین دلیل که به نظر من، کل موضوع استحصال ثانوی از رستم شعیبا بسیار واهی است، آنقدر که در هیچ حکمی نمی‌تواند منظور شود. دوم آنکه من معتقدم گزارش مهندسی مخزن مبنا برای پروژه با آغازی منطقی در دهه ۱۹۹۰ از رده خارج شده می‌باشد. مدارکی وجود دارد دال بر آنکه حتی در سالهای ۱۹۷٦ و ۱۹۷۷ تشخیص داده شد که اگر تاریخ شروع سال ۱۹۸۰ و یا ۱۹۸۲ فرض شود، اثر تاءخیر در آغاز کار، باید مطالعه گردد. مطمئنا" تاءخیر بیشتر که انتظار آن هم می‌رفته، استفاده از گزارش مذکور را غیرممکن می‌ساخته است.

۳۹ ـ و بالاخره اینکه، مدارک مربوط به آن زمان قویا" حاکی از آنست که استحصال ثانوی رستم شعیبا آنطورکه در سال ۱۹۷۹ بنظر می آمد، بسیار مبتنی بر حدسیات بوده و حکمی بابت آن قابل تصور نمی باشد. علاوه بر این، من معتقدم که رقم ۲۳ ملیون بشکه استحصال ثانوی از میدان رستم شعیبا که خواندگان نیز پیشنهاد کرده‌اند، تنها "ازنظر فنی" می تواند محتمل دانسته شود و درواقع نمی‌توان آنرا قابل حصول فرض کرد.

پیوست ۴

قیمتهای نفت

۱ - بندهای ۱۳۱-۱۲۵ حکم به قیمتهای نفت اختصاص داده شده است. در بند اول حکم گفته شده است که: "گرچه تجربه نشان می‌دهد که پیش‌بینی قیمتهای نفت خام مشکل است و احتمال زیاد دارد که واقعیت های بعدی بازار، آنرا غلط از آب درآورد، معهذا منظور دیوان در اینجا تعیین محدوده انتظاراتی است که در سپتامبر ۱۹۷۹ معقول به نظر می‌رسید، نه تعیین صحت آن انتظارات." خود این اظهار نیاز به یک بررسی کاملا" انتقادی دارد، بویژه باتوجه به این واقعیت که به عنوان یک اظهارنظر حقوقی و برای درج در یک سند حقوقی، یعنی یک حکم بیان شده است.

۲ - اول اینکه، پیشتر دیدیم که پیش‌بینی تولید امری مبتنی بر حدس و گمان است و همین دیوان در گذشته نظر داده است که پیش بینی برای آینده، بویژه آینده دور، مانند مورد حاضر، جنبه حدس و گمان دارد و بنابراین نباید مورد امعان نظر دیوان قرار گیرد. مزید بر آن، بنظر می آید که پیش بینی قیمتهای نفت جنبه حدس و گمانی بمراتب بیش از پیش بینی تولید آتی دارد. از جمیع مدارک چنین بنظر می‌رسد که پیش بینی قیمت نفت امری است بسیار نظری و در واقع جنبه اظهارنظر دارد. همچنانکه دیوان در نقل قول از شاهد کارشناس خواهان در پرونده شماره ۵۶ خاطرنشان کرده، پیش بینی قیمت های نفت" مبتنی بر اطلاعات و ارقام موجود و نظر کارشناسی در زمان ارزشیابی می باشد"(۱).

---

(۱) آموکو اینترنشنال فایننس، (یادشده در بالا)، حکم جزئی، ص ۲۳۶.

۳ - دوم اینکه، با انتخاب محدوه [قیمتها]، بویژه محدوده‌ای که در این پرونده انتخاب شده، نمی‌توان پیش بینی را از قالب حدسی و نظری بودن خود درآورد. حاصل مجموع تعدادی پیش بینی تصوری، خود نیز محدوده‌ای است تصوری. در این مقوله، یادآوری این نکته حائز اهمیت فراوان است که پیش بینی هایی که تشکیل دهنده محدوده‌اند، همگی گزینش کارانه‌اند و همه آنها توسط خواهانها، در این پرونده و پرونده‌های مشابه ارائه شده و یکایک آنها مبتنی بر روندی افزایشی در ارزش واقعی می‌باشد.

۴ - سوم اینکه، حتی اگر بتوان محدوده‌ای یافت که معقول دانسته شود - که بی‌گمان درمورد محدوده منتخب در حکم صدق نمی‌کند - و بتوان میانه‌ای از آن برگزید، باز ترکیب آن با پیش بینی تصوری تولید منجر به جریان نقدینگی‌ای بمراتب تصوری تر از هر یک از اجزای متشکله آن می‌شود. برای توضیح بیشتر مطلب، فرض کنیم پیش بینی تولید متوسطی را با قطعیت ۷۰ درصد بتوان بدست آورد و پیش‌بینی قیمتی با احتمال ۶۰ درصد صحت تصور کرد. هر یک از اینها را شاید بتوان فی‌نفسه و در حد خود منطقی دانست، اما احتمال صحت جریان نقدینگی ناشی از این دو، تنها ۴۲ درصد خواهد بود. اگر پیش بینی تولید و قیمت را که در حکم آمده درنظر بگیریم، درصد احتمال منطقی بودن جریان نقدینگی حاصله از آنها به احتمال فراوان عددی یک رقمی خواهد بود.

۵ - در بند ۱۲۶ حکم، بار دیگر آمده است که دیوان قصد ندارد حکم به پرداخت "عدم النفع پیش بینی شده" بدهد، بلکه درنظر دارد ارزش اموال مصادره شده را تعیین کند. (در بند ۱۲۵) به حکم صادره در پرونده آموکو اینترنشنال فایننس، مذکور در فوق، راجع به این نکته اشاره می کند که ارزش یک موٴسسه دایر و درآمدزا، مطمئنا" همان ارزش "سرمایه‌گذاری مالی" عواید آتی پیش‌بینی‌شده در آن زمان

نیست و اضافه می‌کند که چشم اندازهای درآمدزایی آن در آینده باید کاملا" در محاسبه منظور شود. و بالاخره، [در بند مزبور] گفته شده است که گرچه درست است که تاریخچه قیمتها تاامروز نشان داده است که قیمتهایی که در ۱۹۷۹ عموما" موردانتظار بود، به میزان زیادی بالا بوده‌اند، لکن این امر کاربرد آن قیمتهای موردانتظار را در تعیین ارزش اموال در ۱۹۷۹، نادرست یا غیرمنصفانه نمی‌سازد.

٦ - تا آنجا که درحکم صادره در این پرونده مطالبی در رابطه با اینکه دیوان راجع به عدم‌النفع چه می خواهد بکند یا چه نمی‌خواهد بکند، عنوان شده است، من درنظر مخالف خود حقایق پشت پرده این استدلالات عوامفریبانه را به تفصیل برملا خواهم کرد.

۷ - اشاره به حکم صادره در پرونده آموکو اینترنشنال فایننس (که در فوق ذکر شد) بسیار جالب است. درخود همان حکم، روش تنزیل جریان نقدینگی برای قیمت گذاری مردود دانسته‌شد و یکی از دلایل آن، استفاده از همین پیش بینی های قیمت نفت بود که در این پرونده ما با آن سروکار داریم. در آن پرونده، دیوان خاطرنشان کرد که "درواقع همه می دانند که قیمتهای نفت فوق العاده بی ثبات بوده‌اند. غیر از نوسانات بازار آزاد، تصمیمات شرکتهای بزرگ نفتی در گذشته و یا تصمیمات اوپک یا سایر کشورهای تولیدکننده در این اواخر درمورد تثبیت قیمتها و یا میزان تولید، مسبب این تغییر قیمتها بوده است. از این رو، مشکلات و امکانات اشتباهی که ذاتا" در هر پیش بینی قیمتی موجود است، به میزان زیادی تشدید می‌گردد"(۲).
(خط تاکید اضافه شده است)

---

(۲) ایضا"، بند ۲۳۷.

در ادامه همان حکم، راجع به پیش بینی های جریان نقدینگی (منتج از پیش‌بینی‌های تولید و قیمت) نتیجه‌گیری شده است که:

> "همانطور که خواهان تصدیق نموده، در هر گونه پیش بینی مربوط به وصولی های نقدی آتی، عنصر حدس و گمان وجود دارد. به همین دلیل، جای تردید است که یک دیوان داوری اصلا" بتواند آنرا برای ارزیابی غرامت به کار برد."(۳)

بدینسان، مشاهده می‌شود که به یافته‌های حقوقی (خود) دیوان در حکم آموکو توجهی نشده است.

۸ - راجع به جمله آخر بند ۴ فوق، باید خاطرنشان شود که تنها واقعیات و رویدادهای بعدی نبود که اینگونه پیش بینی قیمتها را غلط از آب درآورد، بلکه اصولا" ماهیت چنین پیش بینی هاست که تصوری است و بنابراین از همان لحظه اول، پیش بینی‌ها جنبه حدس و گمان دارند و دستخوش اشتباهات فاحش می‌شوند. به‌علاوه، اگر به ماهیت پیش‌بینی‌ای که قیمت نفت را برای ۲۰ سال آینده پیش بینی می‌کند و دوره‌ای که در طول آن قرار بوده این پیش بینی‌ها بعمل آمده باشد، یعنی سال ۱۹۷۹ توجه کنیم، در آنصورت حدسی بودن (این پیش‌بینی) صدچندان می‌شود و این نه بدلیل رویدادهای بعدی، بلکه به علت نفس خود پیش‌بینی‌هاست.

۹ - در بندهای ۱۲۷ و ۱۲۸ حکم، ظاهرا" بخشهائی از نظرات شهود کارشناس طرفین تلخیص و نقل شده است. یکی از این اظهارات اینست که: "دکتر استیونس، همچنین به پیش بینی دیگری اشاره کرد که توسط چیس ایکانامتریکس در مه ۱۹۷۹ انجام شد.... این پیش‌بینی در پرونده شماره ۵۵ ثبت گردید." و همچنین بعدا" در اشاره

---

(۳) همان ماخذ، بند ۲۳۸.

به همین پیش‌بینی، [رای می‌گوید]: پیش‌بینی مزبور که محافظه‌کارانه‌ترین پیش‌بینی مورد استناد موجود در مدارک بود...." نتیجه‌گیری از این اظهارات و حتی می توان فرض کرد که منظور و مقصود از آنها، در بند ۱۲۹ حکم آمده که در آن گفته شده است که: "دیوان داوری نتیجه می‌گیرد که چنین خریداری، احتیاطا" پیش‌بینی می کرد و حدودی از قیمتهای آتی را که... حد پایینی آن، پیش‌بینی محافظه‌کارانه‌ای به موازات پیش‌بینی چپس ایکانامتریکس می‌بود، درنظر می‌گرفت." مقدمات و مفروضاتی که در این چند بند حکم اتخاذ شده، نشانه‌های بسیار خوبی از غیرمنصفانه بودن روش متخذه در حکم است که واقعیات را وارونه جلوه می‌دهد و موجب اضرار خواندگان می‌شود.

۱۰ - اولا"، درمورد دکتر استیونس، در حکم ذکر نشده است که چرا و چگونه وی اشاره به پیش بینی دیگری کرد. وی در شهادت خود(۴) به روشنی اظهار می‌دارد که هدف وی از اینکار این نیست که ثابت کند اعداد و ارقام ارائه شده توسط فیلیپس ایران "غلط" است [بلکه] "منظور آن است که نشان داده شود هیچ اعداد "درستی" وجود ندارد که در تعیین میزان غرامت با استفاده از روش تنزیل جریان نقدینگی بتوان از آنها استفاده کرد."(۵) منظور از شهادت او این بود که ثابت کند که با استفاده از مفروضات مختلف، نتایج مختلفی حاصل می‌شود که هیچکدام از آنها "غلط" یا "درست" نیست، بلکه همه حدس و گمان است. یکی از پیش‌بینی‌های متفاوت قیمت نفتی که وی به کار برد، پیش‌بینی چپس ایکانامتریکس بود که راجع به آن وی اظهار داشت که: "خود این پیش بینی نیز بـه دلیل جو عدم اطمینان و ترس عمومی

---

(۴) لایحه معارض خواندگان، ضمیمه چهار، گزارش اقتصادی، سند شماره ۳۴۸، شهادت آقای دکتر پال استیونس، پیوست ۳.

(۵) ایضا"، ص ۹.

که از اواسط سال ۱۹۷۹ حاکم بود اشتباه و غلط است"(٦)، و مضافا" اینکه "می‌توان قویا" استدلال کرد که با توجه به تقلیل تقاضای مورد انتظار و افزایش عرضه احتمالی، پیش بینی چیس ایکانامتریکس گزاف بوده است."(۷) به همین دلیل، او از پیش بینی دیگری نیز استفاده کرد که در آن، نرخ رشد چیس را تا ۲۰ درصد کاهش داد. خلاصه اینکه، دکتر استیونس به سناریوهای متعددی اشاره کرد تا ثابت کند که با استفاده از روش تنزیل جریان نقدینگی امکان دارد نتایجی از ۱٦۹ تا ۴ میلیون دلار(۸) بدست آید.

۱۱ - ثانیا"، مدارک نشان می‌دهد که خواندگان استدلال کرده‌اند که چون روش تنزیل جریان نقدینگی بسیار مبتنی بر حدس و گمان است، هرگز نباید مورد استفاده واقع شود و بهمین دلیل خواندگان خود پیش بینی قیمتی ارائه نکردند. بنابراین، (پیش‌بینی) چیس ایکانامتریکس را (که به منظور نشان دادن ماهیت غیرقابل اعتماد روش مورد اشاره واقع شد) محتاطانه‌ترین پیش‌بینی موجود نامیدن و خطرناک تر آنکه آن را پایین ترین سطح حدود قیمتها دانستن، کلا" اشتباه و احمقانه است.

۱۲ - ثالثا"، همانگونه که در حکم آمده، پیش‌بینی چیس ایکانامتریکس همان پیش‌بینی است که خواهان دیگری علیه همین خوانده بدان استناد کرده‌است. همین پیش‌بینی را عینا" در این پرونده برگزیدن و آن را حد پائین و محتاطانه پیش‌بینی های مورد استفاده احتمالی یک خریدار در ۱۹۷۹ نامیدن، شدیدا" خواندگان را متضرر می‌کند و دیوان حق ندارد و واقعا" هم بسیار نارواست که درباره موضوع حساسی از پرونده دیگری به قضاوت پردازد.

---

(٦) ایضا"، ص ۲۱.

(۷) ایضا".

(۸) ایضا"، ص ۳۴.

۱۳ - بنابراین، هرگونه اشاره‌ای به صحت و اعتبار پیش بینی چیس ایکانامتریکس بهرصورتی که باشد باید نادیده انگاشته شود. علاوه براین، همانگونه که بارها در بالا گفته شد، پیش بینی برای ۲۰ سال آینده، بویژه درمورد قیمت نفت، موضوعی است که پیش از این توسط همین دیوان مردود شناخته شده است. در این رابطه، باید یادآور شد که در حکم صادره در پرونده اموکو اینترنشنال فایننس (که در بالا بدان اشاره شد) دیوان همین پیش‌بینی چیس ایکانامتریکس را بررسی می‌کرده است.

۱۴ - بنابراین، درمورد قیمت نفت، همه پیش بینی ها مبتنی بر حدسیات است و نمی‌تواند پایه حکم قضایی قرار گیرد. این امر همراه با این واقعیت که درآمد یا منافع آتی یا هر نام دیگری که بر آن نهاده شود، جایی در تعیین میزان غرامت درموارد ضبط قانونی ندارد، جایی برای بحث درباره قابلیت قبول نسبی اینگونه پیش بینی ها و امثال آن باقی نمی‌گذارد.

۱۵ - در پایان اظهاراتم راجع به مقدار نفت و قیمت های نفت، مایلم نکته کلی ولی مهمی را خاطرنشان کنم. اینکه تصور شود ارزش حقوق و منافع خواهان در نتیجه انقلاب ایران بطور معتنابهی افزایش می‌یافته، تصوری نادرست و غیر منطقی است، زیرا تصور خلاف آن معمول تر است. لیکن بسهولت می‌توان ثابت کرد که روش تنزیل جریان نقدینگی یعنی همان روشی که خواهان پیشنهاد کرده و در حکم مورد استفاده واقع شده، در سال ۱۹۷۸ منجر به ارزشی بمراتب کمتر از ارزش محاسبه شده در ۱۹۷۹ می‌شده، زیرا قیمت واقعی نفت تا چند سال سیر نزولی طی کرده بود و دلیلی وجود نداشته است که فرض را بر تغییر روند گذاریم. خود این واقعیت به تنهایی نشان می دهد که چقدر غیرمنصفانه و غیرمنطقی است که حکمی برمبنای روش محاسبه تنزیل جریان نقدینگی و برپایه اطلاعات پیشنهادی سال ۱۹۷۹ استوار گردد. در بحث راجع به مخاطرات به این نکته بازخواهم گشت.

پیوست شماره ۵

هزینه تولید

۱ - من قصد ندارم اظهاراتی را که در حکم در این باره شده به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم و دلایل من بدینقرار است که اولا": برآوردها و پیش بینی های هزینه برای آینده طبیعتا" برپایه وهم و گمان است و بنابراین نباید جزئی از هیچ حکم حقوقی قرار گیرد. ثانیا": ظاهرا" استفاده از این نوع برآوردها اساسا" برای محاسبات برپایه تنزیل جریان نقدینگی است که من آنرا غیرمجاز و غیر قابل قبول می‌دانم و ثالثا"، به فرض محال چنانچه انجام اینگونه برآوردها مفید فایده‌ای هم باشد، اثر آنها را بسهولت می‌توان بررسی کرد.

۲ - با این وصف، پس از ابراز نظرات کلی فوق، احساس می‌کنم لازم است نکاتی را درمورد خود حکم یادآور شوم. اینجانب از صمیم قلب قبول دارم که "برآوردهای خواهان از هزینه‌های آینده طبق قرارداد مشارکت بسیار پائین است"(۱)، ولی معتقدم که میزان کسر این برآورد بمراتب بیش از حدود ۵۰ تا ۷۵ درصدی است که در حکم گفته شده است(۲). خواهان نتوانسته است هیچیک از ایرادات متعددی را که خواندگان مطرح کرده‌اند و اثر آنها ظاهرا" از ۵۰ تا ۷۰ درصد پیشنهادی به اندازه معتنابهی تجاوز می‌کرد بطور منطقی رد کند. در مدارک پرونده، حداقل یک نمونه بارز وجود دارد که برآوردهای برنامه پنجساله که طرفین هیچگاه آنرا تصویب نکردند و معهذا مورد استفاده خواهان قرار گرفت، حتی در سال ۱۹۷۹ نیز بمراتب

---

(۱) بند ۱۳۴ حکم.

(۲) ایضا".

دور از واقعیت بوده است. خواهان اظهار داشته است که در برنامه پنجساله، هزینه ماشین آلات و مصالح و مهندسی برای پروژه تزریق آب رخش ۵،۷۰۰،۰۰۰ دلار (دلار سال ۱۹۷۸) برآورد شده بود.(۳) براین اساس، خواهان سپس اظهار داشته است که هزینه‌ها به دلار سال ۱۹۷۹، به ـ/۵۷۷،۰۰۰ دلار برای مهندسی و ـ/۵،۸۷۳،۰۰۰ دلار برای ماشین آلات و مصالح بالغ خواهد شد.(۴) فرد عالیرتبه‌ای چون آقای ترامپینی، مدیرعامل آجیپ ـ که مطالعات مهندسی را انجام می داده ـ در سال ۱۹۷۹ گفته است که آن شرکت هزینه اقلام عمده مصالح را حدود ۱۰ میلیون دلار برآورد کرده بود(۵). بنابراین (ملاحظه می‌شود که) در خود سال ۱۹۷۹ برآورد هزینه‌ها تقریباً ۱۰۰ درصد اختلاف داشته است. با توجه به اینکه خواهان نه افزایش ارزش واقعی هزینه‌ها و نه افزایش هزینه‌ها در اثر استهلاک تدریجی وسایل و ماشین آلات را درنظر گرفته بوده، در آنصورت کسر برآورد بمراتب بیشتر خواهد بود.

---

(۳) سند شماره ۱۳۶ [یاد شده در بالا]، گزارش هزینه، ص ۱۱.

(۴) ایضاً، جدول ب ـ یک در صفحه ۱۳.

(۵) سند شماره ۲۷۲ [یادشده در بالا]، پیوستهای ۲۳ـ۴، صورتجلسه یکصد و بیستمین نشست هیئت مدیره ایمینوکو.

پیوست شماره ٦

مخاطرات

۱ - برای آنکه غیرمنصفانه بودن نظر غیر منطقی اکثریت را نشان دهم، نظرات خود را راجع به بخش "مخاطرات" حکم بیان می‌کنم. کسی که روش تنزیل جریان نقدینگی را بکار می‌برد چاره‌ای ندارد جز اینکه نرخ تنزیلی نیز درنظر بگیرد. در این رابطه، کوشش می‌کنم مطالبی را که در حکم عنوان شده مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم.

۲ - حرف اصلی حکم در بند ۱۳۵ اینست که "هرگونه نقصان قیمت ناشی از مصادره اموال خواهان و یا از هر تهدید یا اقدام قبلی دیگر خواندگان که بدان ارتباط داشته باشد"، را مستثنی کند و اضافه می‌کند که: "از سوی دیگر، دیوان حقا" نباید اثرات انقلاب ایران بر ارزش اموال را، به صورتی که یک خریدار معقول در سپتامبر ۱۹۷۹ درنظر می‌گرفت، نادیده بگیرد". من احساس می‌کنم که نحوه بیان اظهار اولی بسیار کلی است و جای سوء تعبیر باقی می‌گذارد و همچنین معتقدم که موضوع مخاطرات کلی ملی شدن باید صریحا" مطرح و جزو مخاطراتی که دیوان نمی‌توانسته نادیده بگیرد منظور شود. از آنجا که دو موضوع فوق با یکدیگر ارتباط متقابل دارند، هر دو را یکجا مورد بحث قرار می‌دهم.

۳ - خواهان به کارشناسان خود دستور داده بود که هرگونه خطر مصادره را مستثنی نمایند، با این استدلال که مصادره بدون پرداخت غرامت، باید طبق قانون مستثنی گردد و هر نوع مصادره دیگر (بنا به تفسیر خواهان) مشمول غرامت کامل خواهد بود و لذا هیچگونه ریسکی نباید منظور شود. این مساٴله، با اظهاراتی دقیقا" یکسان از سوی طرفین دعوی، قبلا" مورد بررسی این دیوان قرار گرفته است. در حکم صادره

در پرونده آموکو اینترنشنال فایننس که در بالا بدان اشاره رفت، دیوان چنین نتیجه‌گیری کرد که:

> "مستثنی کردن مصادره بدون پرداخت غرامت اشکالات بیشتری تولید می کند. بنا به گفته خواهان، این استثناء طبق قانون تحمیل گردیده، زیرا خواندگان نمی توانند از اقدامات غیرقانونی خود بهره‌مند شوند. بدون شک، اصل حقوقی مورد استناد خواهان صحیح است، لکن باید به بیان صحیح تر چنین گفت که اصل مزبور، منظور کردن نتایج مصادره نامشروع را در محاسبه غرامت قابل پرداخت منع می کند. برعکس، مصادره مشروع نباید مستثنی شود. مطمئنا" مخاطرات چنین مصادره‌ای به ویژه با احتمال وقوع آن در آینده نزدیک عاملی بازدارنده برای هر سرمایه گذار به شمار می رفته است. علاوه بر این، همانطور که قبلا" گفته شد، غرامت در مورد مصادره مشروع، برخلاف آنچه که در به صفر رساندن مخاطرات فرض می گردد، به معنای اعاده به وضع سابق نیست. درواقع، شرکتهای مصادره شده نفتی اغلب به این نتیجه رسیده‌اند که به نفعشان است که با دریافت ارزش خالص دفتری داراییهای مصادره شده تن به مصالحه دهند. حتی اگر چنین امتیازی معمولا" در چارچوب ترتیبات بازرگانی مثبت و وسیعتری داده شده، باز نمی‌توان آنرا به معنای منتفی کردن مخاطرات مصادره تعبیر نمود. در دستوری که خواهان به کارشناس خود داده چنین فرض شده است که هرگونه غرامتی باید اوضاع را، حداقل از لحاظ مالی، به حالتی برگرداند که گویی اصلا" مصادره‌ای صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، دستور مزبور مبتنی بر نظر یکسان و همانند بودن غرامت مصادره مشروع و خسارت مصادره نامشروع است، که دیوان آنرا مردود شناخته است."

۴ - بعلاوه، مستثنی کردن مخاطره کلی ملی شدن، عاملی بسیار مهم و غیر منطقی را وارد پرونده می‌کند. این بدان معنی است که چون عمل ضبط درواقع انجام شده و آثار آن بر روی ارزش باید بکلی نادیده گرفته شود، قرارداد مورد بحث حتی از قراردادهای مشابه راجع به ذخائر طبیعی در سایر نقاط جهان و بویژه در خاورمیانه که مطمئنا" در معرض مخاطرات کلی ملی شدن قرار داشته‌اند، ارزش بیشتری پیدا کرده است. چنین تناقضی باید بکلی رد گردیده و از آن کاملا" اجتناب شود.

۵ - البته کاملا" روشن است که کلیه این قبیل توهمات و سردرگمی‌ها و حدس و گمانها به گونه‌ای غیرضرور از طریق سناریوی تصنعی خریدار منطقی "فرضی" و علیرغم وجود همه واقعیات و مدارک، بی جهت وارد این پرونده و پرونده‌های مشابه گردیده‌اند. خود این دیوان این نظر را درواقع چنین بیان کرده است:

> "این نمونه دیگری از تصنعی بودن کوششی است که وقف تعیین ارزشی می‌شود که از داد و ستد آزاد بین خریدار و فروشنده فرضی علاقمند که بدون تبانی با یکدیگر مذاکره می‌کنند بدست می آید"(۱).

۶ - بند ۱۳۶ حکم درباره نرخ تنزیل ۴/۵ درصد مورداستفاده خواهان، همراه با ریسکهایی که نرخ مزبور حسب ادعا دربر دارد بحث می‌کند و همچنین برخی از ریسکهایی را که در نرخ تنزیل منظور نشده به گونه‌ای که خواهان از آن استفاده کرده، و دلایل ادعایی آن را ذکر می‌کند. سپس در بند ۱۳۷ اقدام به تلخیص انتقادات اصولی خواندگان شده است. با اینحال، حکم به هیچیک از استدلالاتی که طرفین مطرح کرده‌اند نمی‌پردازد. و در بندهای ۱۵۳-۱۴۱ به بحث درباره چند ریسک جداگانه می‌پردازد تا تعیین کند که علی الاصول این ریسکها در ارزش حقوق و منافع ادعایی خواهان موءثر می‌باشند یا خیر، و در صورت مثبت بودن پاسخ، حدود تاءثیر آنها چقدر است.

۷ - بنابراین من ابتدا به نرخ‌های موسوم به نرخ بازده واقعی می‌پردازم و سپس می‌کوشم چند نکته مهم را که در بندهای ۱۳۷ و ۱۳۶ حکم ذکر شده، توضیح و نشان دهم که چرا تعدادی از ریسکهای دیگری که خواهان مستثنی نموده باید [در بررسی] منظور گردند. و سرانجام به یکایک ریسکهائی می‌پردازم که در حکم مورد بررسی واقع شده‌اند.

---

(۱) حکم صادره در پرونده آموکو اینترنشنال فایننس مذکور در فوق، بند ۲۴۸.

۸ - درمورد نرخ تنزیل، من در یادداشتهای جداگانه‌ای که به دیوان نوشته‌ام، به تفصیل درباره موضوع بحث کرده‌ام. این مطالب درنظر مخالف من نیز نشان داده خواهد شد.

۹ - همانطور که در بند ۷ فوق ذکر کردم، معتقدم تعدادی از مطالب مندرج در بند ۱۳۶ حکم نیاز به توضیح دارد. چنین نیازی از این واقعیت ناشی می‌شود که هرچند حکم برخی از ایرادات خواندگان به تعدادی از ادعاهای خواهان را ذکر کرده، چند مورد دیگر باقی می‌ماند که در حکم به نحوی عنوان شده که به نظر می‌رسد که منظور از آن، حداقل از لحاظ دیوان، قابلیت قبول و اعتبار آنهاست. به این نکات باید از زاویه صحیح نگریست.

۱۰ - نخست، حکم در جریان بحث راجع به کار پروفسور مه‌یرز می‌گوید "مبنای نتیجه‌گیری وی این فرض بود که ریسکهای بالای مرتبط با علایق در ذخایر نفتی در مناطقی که فاقد ثبات سیاسی است، به میزان زیادی نشانه امکان سلب مالکیت است که به نظر وی در پرونده حاضر باید مستثنی شود." گرچه من راجع به مخاطرات کلی ملی کردن بحث کرده‌ام، مناسب می‌دانم خاطرنشان سازم که نظرات آقای مه‌یرز فی‌نفسه اظهارات مرا کاملا" تائید می‌کند. این مطلب دو چیز را به روشنی نشان می‌دهد: یکی اینکه مالکیت ذخائر نفتی در مناطقی که از لحاظ سیاسی بی ثبات است با ریسکهای زیادی مواجه است و دوم اینکه حسب اظهار، پروفسور مه‌یرز معتقد است که اینگونه ریسکها را نباید در این پرونده منظور کرد. ریسکهای فوق‌العاده‌ای که مورد اشاره واقع شد، ارتباطی به دولت ایران، شرکت نفت یا درواقع هیچ واحد خاصی نداشته، بلکه ریسک کلی فوق‌العاده‌ای است که در برخی مناطق جهان وجود دارد. علایق مالکانه موضوع قرارداد مشارکت قبل از انقلاب هم در معرض این ریسک بود و چنانچه فرضا" به شخص دیگری هم منتقل شود، بازهم در معرض این

ریسک هست. این ریسک کاملا" جدا از اثر هر اقدام خاصی است که حسب ادعا به خواندگان نسبت داده شده است. ریسک مزبور هرگز نباید مستثنی گردد.

۱۱ - دوم اینکه، حکم هنگام بحث درباره طرز تفکر دکتر مه‌یرز راجع به سایر ریسکها می‌گوید: "این ریسک ها یا حذف شده یا در "جریان متنوع شدن سرمایه اثر خود را از دست دادند"، زیرا همانطور که حکم ذکر کرده، پروفسور مه‌یرز فرض نموده است که خریدار فرضی، آن ریسکها را در مجموع دارائیهای متنوع شده خود وارد محاسبه می‌کند. به این استدلال دو نکته مربوط می‌شود: یکی اینکه دلیلی برای این تصور وجود ندارد که یک خریدار فرضی صاحب دارایی های بسیار متنوعی باشد. این نکته جزو ایراداتی است که خواندگان طرح کرده و در بند ۱۳۷ حکم به آن اشاره شده است. ولی نکته دومی نیز وجود دارد که بسیار مهم است و اثرات مستقیمی بر ارزشیابی دارد. در حکم، ماجرا به این صورت نقل شده که منظور این است که به محض آنکه یک خریدار فرضی با مجموعه‌ای از دارائیهای گوناگون به فکر خرید حقوق و منافع خواهان بیفتد، اینگونه ریسکهای قابل توزیع (قابل متنوع شدن) از میان می‌رود. بهیچوجه چنین نیست و پروفسور مه‌یرز صراحتا" و به روشنی خلاف این مطلب را شهادت داده است.

۱۲ - پروفسور مه‌یرز در گزارش تکمیلی خود(۲) به روشنی اظهار می‌دارد:

> آیا این بدان معنی است که ریسکهای قابل متنوع شدن باید در تجزیه و تحلیل تنزیل جریان نقدینگی نادیده گرفته شود؟ یقینا" چنین نیست، ولی اثرات پیش بینی شده آنها باید در پیش بینی های جریان نقدینگی منظور گردد و نه در نرخ تنزیل(۳).

---

(۲) اسناد موٴید اظهارات معارض خواهان، سند شماره ۳۲۵، گزارش تکمیلی استیوارت سی مه‌یرز.

(۳) همان ماٴخذ، ص ۱۵.

در پرونده چیزی که ثابت کند خواهان هیچگاه چنین کاری کرده باشد وجود ندارد. درواقع بیشتر اشارات خواهان به اینگونه ریسکها فقط این بوده که این ریسکها در جریان متنوع شدن سرمایه، اثر خود را از دست می‌دهند و متأسفانه حکم هم همین برداشت را دارد، ولی کارشناسی که ظاهراً از وی نقل قول شده، در سال ۱۹۸٦ حرف دیگری زده است. باید خاطرنشان کرد که در گزارش اولیه پروفسور مه‌یرز در سال ۱۹۸۳ گفته شده بود که برخی رویدادها "وقایع تصادفی" هستند و مانند ریسکهای زمین شناسی، هنگامی که ذخائر نفتی‌ای وارد مجموعه‌ای از داراییهای متنوع دیگر می‌شود، اساساً "از بین می‌رود"(۴) (خط تأکید اضافه شد). ولی پروفسور مه‌یرز ظاهراً در پاسخ به ایرادات خواندگان و نظرات کارشناسان دیگر، گفته خود را اصلاح کرد. بااین وصف برخلاف آنچه که خواهان ادعا کرده، برای سال ۱۹۸٦ تغییری نه در نرخ تنزیل و نه در جریانهای نقدینگی در مقایسه با سال ۱۹۸۳ داده نشده و خواهان چیزی نیز ارائه نکرده که نشان دهد آنچه را که کارشناس خود وی در ۱۹۸٦ اذعان کرده بود که باید انجام شود، واقعاً انجام داده است.

۱۳ - سوم اینکه، حکم می‌گوید که: "پروفسور مه‌یرز پیشنهاد کرد که ریسکها و عدم اطمینان‌های مربوط به سایر عناصر سه‌گانه تجزیه و تحلیل ارزش جریان تنزیل نقدینگی در پیش‌بینی‌های مربوطه منظور گردد و خواهان اظهار داشت که در محاسبات خود به همین طریق عمل کرده است." واقعیت امر اینست که پروفسور مه‌یرز چنین کاری را تقریباً در مورد کلیه ریسکها پیشنهاد می‌کند، و چنانکه هم اکنون درواقع دیدیم این نظر درمورد ریسکهای قابل متنوع شدن بیان گردیده است. آنچه که شگفت آورتر است برداشت حکم از این نکته است. درواقع خواهان فقط گفته

---

(۴) گزارش های اقتصادی خواهان، سند شماره ۱۳۳، گزارش مه‌یرز، ص ۱٦.

است (آنهم با مقداری اشکال) که می توان سناریوهایی را تصور کرد که ارزشهایی بالاتر یا نازلتر از آنچه که بکار رفته بدست دهد و به این ترتیب ادعا کرده که سناریوی وی حالت میانگین و بینابینی دارد و بنابراین عاری از آن ریسکهاست. درهر محدوده‌ای، کلیه ارقام غیر از دو حد، [حد بالا و حد پایین] ارقامی پائین تر و ارقامی بالاتر از خود خواهد داشت. و مسلما" این واقعیت، آنها را ارزش متوسط و منطقی ترین ارزش در داخل آن محدوده نمی‌کند، زیرا در آنصورت، هر یک از آنها با تعریفی تطبیق می‌کند که فقط در مورد یکی از آنها می‌تواند صادق باشد. به علاوه، حتی میانگین گرفتن هم چاره آن نیست. باید تمام موارد ممکن را درنظر گرفت و هر مورد را با احتمالات خاص خود سنجید تا بتوان چیزی را گفت که خواهان اینچنین آسان پیشنهاد کرده است. در نبود هر مدرک مغایری، حکم باید این واقعیت را به صراحت می‌گفت که خواهان ثابت نکرده است که در محاسبات سال ۱۹۸۳ خود آنچه را که کارشناس وی در سال ۱۹۸۶ گفته، اعمال کرده است. به علاوه، کلیه این ریسکها می‌بایست در محاسبات برآورد و اعمال می‌شد.

۱۴ - بدین ترتیب، کاملا" روشن می‌شود که خواهان و کارشناسان منتخب وی نتوانسته‌اند مدرکی ارائه دهند که نشان دهد که در محاسبات نرخ تنزیل یا جریانهای نقدینگی آنها، یک رشته ریسکهای مختلف ازجمله و بدون قید محدودیت، ریسکهای کلی ملی شدن و کلیه آن ریسکهایی که پروفسور مه‌یرز آنها را "قابل متنوع شدن" نام نهاده، منظور شده است. درواقع، مدارکی وجود دارد حاکی از آنکه این قبیل ریسکها منظور نشده‌اند. بنابراین در هر محاسبه ارزشی که متضمن ریسکهای آینده باشد، باید کلیه ریسکهائی که خواهان و کارشناس وی از محاسبات خود مستثنی کرده‌اند، برآورد و منظور می‌شد، گرچه احتمال می‌رود که ایشان در استدلالات خود به آنها اشاره کرده باشند. البته، حتی همان استدلالات اگر به درستی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، مبین این واقعیت خواهد بود که اینگونه ریسکها درواقع در

محاسبات نادیده گرفته شده‌اند.

۱۵ - بند ۱۳۸ حکم ابتدا ذکر می‌کند که چون دیوان تصمیم گرفته از انجام محاسبات دیگری به روش تنزیل جریان نقدینگی که در ابتدای رای گفته شده، خودداری کند، ریسکهائی را که با چنین تحلیلی ارتباط دارند مشخص و اثر تقریبی آنها را بر ارزش علایق خواهان در قرارداد مشارکت تعیین خواهد کرد. حکم سپس ریسکهائی را نام می‌برد که باید به این منظور تحلیل گردند. این ریسکها عبارتند از: این ریسک که تمامی نفت قابل استخراج را نتوان تولید کرد، این ریسک که قیمتهای جهانی نفت احتمال دارد کمتر از حدود پیش‌بینی شده باشد و نیز ریسک تجدید نظر اجباری در قرارداد مشارکت.

۱۶ - قبلا" توضیح داده‌ام که چرا تعداد کثیری از ریسکهای دیگر نیز باید مورد بررسی واقع می‌شد و به موقع خود، نظرم را درباره آن ریسکهائی که در حکم منظور شده، بیان خواهم کرد. ولی قسمت اول بند ۱۳۸ است که به بررسی انتقادی نیاز دارد و من در وهله بعد به آن می‌پردازم.

۱۷ - گرچه حکم قبلا" برای نمونه در بند ۱۱۴، این نوع تحلیل را پیشنهاد کرده، اکنون که حکم به برخی از عناصر از قبیل نفت قابل استخراج و قیمتهای آینده نفت پرداخته، آثار واقعی این روش غیرمنطقی به مراتب روشن تر شده است. مسلما" کلیه این بندبازیهای غیر قابل توجیه و فرضیات غیر منطقی از همان اصرار غیرقابل توضیح حکم به موجه دانستن استفاده از روش تنزیل جریان نقدینگی سرچشمه می‌گیرد، ولو اینکه حاصل آن قربانی کردن عدالت و انصاف و منطق صرف باشد. معهذا حتی اگر روش تنزیل نقدینگی را به هر منظور که باشد به کار بریم، روشی که حکم ظاهرا" برای اصلاح آن به کار برده کلا" با نفس اصولی که مبنای روش

تنزیل جریان نقدینگی است تناقض دارد. بنابراین من فقط این نکته دوم را توضیح خواهم داد، زیرا همانطور که قبلا" کرارا" گفته‌ام، روش تنزیل جریان نقدینگی را حتی به شکل صحیح آن ـ به فرض که چنین شکلی وجود داشته باشد ـ نمی توان بکار برد.

۱۸ ـ این واقعیت شهرت دارد و درواقع کارشناسان مختلف طرفهای این پرونده نیز به تفصیل توضیح داده‌اند که روش تنزیل جریان نقدینگی چیزی بیش از روش محاسبه‌ای نیست که نتایج آن بستگی به دقت داده‌های به کار رفته دارد و در برابر زمان بسیار حساس است و خود حکم هم در زیرنویس ۳۵ ص ۸۳ به این واقعیت اذعان دارد. معهذا حکم مناسب دانسته که صرفا" نوعی تعدیل کلی در جهت تصحیح بعضی از داده‌های اساسی، اعمال کند. من، به دیوان گوشزد کرده بودم که اقدام به اخذ تصمیماتی در زمینه‌های فنی و تخصصی که دیوان تخصص لازم را درآنها ندارد، موجب بیعدالتی عظیم می‌شود. این جلوه دیگری از اینگونه دخالت هاست. من هیچگونه ادعای تخصصی در این زمینه ندارم، ولی منطق ساده، همراه با توجه لازم به نظراتی که طرفین ابراز داشته‌اند و توضیحاتی که داده‌اند، مرا قانع کرده است که روشی که در حکم برای "تصحیح" یا "تعدیل" نتایج تنزیل جریان نقدینگی مورد اظهار خواهان اتخاذ گردیده اشتباه و برخلاف نفس روش تنزیل جریان نقدینگی است.

۱۹ ـ من دو نوع تصحیح با اثراتی کلا" متفاوت می‌توانم تصور کنم. از یکطرف می‌توان تصحیحاتی را درنظر گرفت که مستقیما" بر نتیجه اعمال شود و من آنرا تصحیح نوع اول می‌نامم و از طرف دیگر تصحیحاتی وجود دارد که فقط درمورد خود محاسبات و نه درمورد نتایج آن اعمال می شود و من آنها را تصمیمات نوع دوم نام می‌گذارم و این تصحیحات نوع دوم است که من بدان می پردازم و ما بابت بیشتر تعدیلات

لازم با آن سروکار داریم.

۲۰ - اگر از مقدار نفت آغاز کنیم، به روشنی ملاحظه می‌شود که تقریبا" تمام تصحیحات صرفنظر از میزان آنها، از نوع دوم است. این امر از این واقعیت ناشی می‌شود که در تنزیل جریان نقدینگی، از پیش‌بینی تولید به ارقام سالانه استفاده می‌شود و نه برحسب مقدار کلی نفتی که باید تولید شود و طبیعتا" تنها موقعی که می‌توان نتایج را اصلاح کرد هنگامی و به شرطی است که کلیه ارقام سالانه با ضریب واحدی تصحیح گردد. در اینجا تعدادی مخزن نفت با میزان تولید متفاوت و درواقع، روندهای گوناگون مورد انتظار وجود دارد و تمام این عوامل با یکدیگر آمیخته‌اند. علاوه بر آن، ما با پیش‌بینی‌های استحصال اولیه و ثانوی روبرو هستیم. تصحیحاتی که درمورد استحصال ثانوی لازم است در مقابل زمان بسیار حساس و از لحاظ دوره کلی زمانی ناهمگون هستند. بنابراین از لحاظ ریاضی و منطق و درواقع ازنظر حقوقی، حتی تصور چنین تصحیحات کلی و ساده شده‌ای خطا است. درصد معینی از تصحیح در حجم نفت قابل استحصال می‌تواند در نتیجه کلی اثری بسیار بیشتر یا بسیار کمتر از آن درصد معین داشته باشد. همین استدلال درمورد هزینه‌ها که البته اثر کمتری از سایر عناصر دارد، صادق است.

۲۱ - درمورد قیمت نفت تصحیح نوع اول کاربرد دارد، تنها به این شرط که روند پیش‌بینی را بپذیریم و کلیه ارزشهای سالانه را با یک ضریب کاهش دهیم. چون ظاهرا" این چیزی نیست که در حکم پیشنهاد شده، در آنصورت تصحیح را نمی‌توان مستقیما" نسبت به نتیجه اعمال کرد، حتی اگر استدلال اولیه درمورد قیمت آینده نفت درست باشد که نیست. بنابراین در این مورد هم تصحیح نوع دوم باید صورت گیرد.

۲۲ - درمورد نرخ تنزیل و ریسکها، تقریبا" کلیه تصحیحات از نوع دوم می‌باشند. درمورد

خود نرخ تنزیل با این فرض که نهایتا" نرخ تنزیلی بتوان تعیین کرد، تصحیح از نوع دوم است. درمورد ریسک‌ها، چون در این مورد که برخی از این ریسکها در جریانهای نقدینگی و سایر آنها در نرخ تنزیل نهائی باید منظور شوند، اختلافی بین طرفین وجود ندارد، بنابراین کلیه آنها از نوع دوم خواهند بود.

۲۳ - از بررسی اجمالی که در بندهای ۱۷ تا ۲۲ این پیوست بعمل آمد، ملاحظه می‌شود که مفهوم تصحیح یا تعدیل نتایج تحلیل تنزیل جریان نقدینگی، بدون آنکه محاسبه دیگری با روش تنزیل نقدینگی انجام شود، بی معنی است. اگر اجازه داده شود که اینگونه استدلالات بی اساس و غیرمسئولانه به عنوان یافته‌های حقوقی ارائه گردند، معلوم نیست که آینده حقوق بین‌الملل دچار چه سرنوشتی خواهد شد.

۲۴ - اما قضیه به همین جا خاتمه نمی‌یابد و استدلال شگفت آور دیگری نیز در بند ۱۳۹ دیده می‌شود. این استدلال در اشاره به پیشنهاد خواندگان است دایر بر اینکه ماده ۳۵ قرارداد مشارکت که واگذاری حقوق خواهانها را تنها منوط به رضایت شرکت نفت دانسته، ریسک دیگری ایجاد کرده است که بر ارزش آن حقوق اثر می گذارد. در ادامه بند آمده است که: "قبول چنین نتیجه‌ای مستلزم این فرض است که شرکت نفت با سوءنیت برای جلوگیری از فروش آن علایق به یک خریدار واجد شرایط عمل می‌کرد و این فرضی است که دیوان حقا" نمی‌تواند بکند." در اینجا ذکر دو نکته ضرورت دارد، یکی توضیح اثر ماده ۳۵ و دیگری تحلیل نتیجه‌گیری مبتکرانه و استادانه حکم در مورد استفاده احتمالی شرکت نفت از آن ماده.

۲۵ - اثر ماده ۳۵ درواقع بسیار روشن است. این ماده حقوق قراردادی هر کسی را که طرف دوم قرارداد مشارکت شود، حداقل از لحاظ انتقال آن حقوق محدود می‌کند. اثر ماده ۳۵ محدود به این سناریوی فرضی خریدار خیالی نیست. نکته این است که

نه تنها خریدار فرضی و معامله فرضی نیاز به رضایت شرکت نفت و ایران دارد، بلکه خریدار فرضی نیز حقوقی را می‌خرد که در آینده آزادانه قابل انتقال نیست. بنابراین هم انتقال فرضی سال ۱۹۷۹ و هم حقوق موضوع انتقال، مشمول شروط ماده ۳۵ و ریسکهای آن بوده است.

۲۶ - اما قسمت شگفت آور بند ۱۳۹ نتیجه‌گیری آنست، زیرا اثرات ماده ۳۵ هرچه باشد، قبول استدلال ذکر شده درحکم به این معنی است که اگر روزی طرف اول حقوق خود را به نحوی که در ماده ۳۵ مقرر شده اعمال کند، چنین کاری سوء نیت خواهد بود. اگر قرار باشد فرضیاتی را که در حکم ارائه شده باور کنیم، در آنصورت چاره‌ای نیست جز آنکه بپذیریم که امضاءکنندگان قرارداد مشارکت، بویژه افرادی که نمایندگی طرف اول را داشته‌اند سفیه بوده‌اند. لازم است طرف اول سفیه یا طرف دوم شعبده‌باز باشد که حقوقی را برای طرف اول در قرارداد منظور کند که اعمال آن سوءنیت محسوب شود. در واقع، مقایسه متن ماده ۳۵ با سایر موادی که متضمن تصویب طرف اول و ایران است، مثلاً ماده ۱۹/۱(۵) روشن می‌کند که حقوق طرف اول و ایران به موجب ماده ۳۵ مطلق است.

۲۷ - حکم، برداشت محیرالعقول خود از ماده ۳۵ را چنین به پایان می‌برد و به عبارت

---

(۵) قسمتی از ماده ۱-۱۹ (به شرح مندرج در سند شماره ۱۳۲ خواهان، پیوست ٦) مقرر می‌دارد:

> "...با موافقت کتبی دولت... درخواست موافقت از طریق طرف اول بعمل خواهد آمد و نباید بطور غیرمعقول مورد رد یا تاءخیر واقع شود." (خط تاءکید اضافه شد).

ماده ۳۵ چنین شروطی ندارد.

ساده‌تر، نمک روی زخم می پاشد: "علاوه بر این، خواندگان دلیل و مدرکی ارائه نکرده‌اند که نشان دهد چنین شرط موافقت با انتقال، خاص قرارداد مشارکت است و در اکثر قراردادها و ترتیبات اکتشاف و تولید نفت در سراسر خاورمیانه معمول نیست و لذا ممکن است ارزش آنرا به نسبت امکانات دیگر کاهش دهد."

۲۸ - بنظر من این ایراد بیجاست و اشتباها" متوجه طرف [اول] شده است. ایراد بیجاست زیرا تردیدی وجود ندارد که هر محدودیتی در حق انتقال اثر منفی در ارزش دارائی مورد بحث دارد و در اینجا حکم سعی می‌کند که ارزش غرامت را براساس انتقال فرضی در آزادی کامل تعیین کند. دیوان ارزش حقوق ادعائی را براساس ارزش قراردادهای مشابه در خاورمیانه تعیین نمی‌کند تا منظور یا مستثنی بودن شرط مشابهی در آن قراردادها بتواند در اینجا مصداق یابد. ضمنا" ایراد اشتباها" متوجه طرف [اول] شده است. خواندگان نشان داده‌اند که چنین ماده‌ای در قرارداد مشارکت مورد بحث درواقع وجود دارد و به درستی اظهار کرده‌اند که در مقایسه با سایر دارائیهائی که آزادانه در بازار قابل معامله است، اثر نازل دهنده‌ای در ارزش دارایی دارد. این خواهان است که هیچگونه مدرکی ارائه نکرده تا نشان دهد که آیا چنین محدودیتی در کلیه قراردادهای مشابه وجود دارد یا خیر و مضافا" اینکه حتی اگر محدودیتی هم وجود می داشت، تاثیری درارزش آن دارائی نمی‌کرد.

۲۹ - در بندهای ۱۵۳-۱۴۱، حکم درباره آن ریسکهائی بحث می‌کند که می گوید در بررسی منظور شده‌اند. این ریسکها اساسا" از همان سه نوعی است که قبلا" مورد اشاره واقع شد. حکم به تحلیل یکایک این سه ریسک پرداخته و درباره هریک از انواع مختلف مخاطراتی که موجب آن ریسکها می‌شوند بحث می‌کند و در هر قسمت، به نتیجه‌گیری راجع به اثر هر ریسک می پردازد.

۳۰ - گرچه تاکنون روش من این بوده که حکم را بند به بند مورد تحلیل قرار دهم، باید از این روش عدول کنم و نظراتم را به شکل یک مفهوم کلی بیان کنم هرچند که به چند نکته خاص هم باید اشاره نمایم.

۳۱ - همانطور که در بندهای ۵-۲ و ۱۴-۱۰ و ۲۸-۲۴ فوق ملاحظه شد، معتقدم که در اینجا بسیاری ریسکهای دیگر، غیر از آنچه که در حکم منظور شده، وجود دارد که بطور اساسی در ارزش حقوق ادعائی تاءثیر می کرده‌اند. این ریسکها نادیده گرفته شده‌اند، حال آنکه باید به دقت مورد توجه و تحلیل واقع و در ارزیابی پیشنهادی منظور می‌شده‌اند.

۳۲ - ایراد عمده دیگر من به حکم در این زمینه، در بندهای ۲۳-۱۷ فوق تشریح شد. من قویا" معتقدم که هدف اصلی اکثریت در حکم این بوده که به مبلغ معینی که به نفع خواهان باشد برسد، بدون توجه به این اصل اساسی که چنین هدفی باید با ضوابط یک رای حقوقی تطبیق کند و قانونی، عادلانه، صحیح و واقعی باشد. بنظر می‌رسد که حکم فرصت و حوصله‌ای برای این اصول ندارد و درواقع نیز احترامی برای آن قایل نیست.

۳۳ - هر ریسکی باید به نحو صحیح در بررسی منظور شود و اینکار پنج مرحله را باید طی کند. در مرحله اول کلیه ریسکهای مربوط باید مشخص و اطمینان حاصل شود که واقعیات با ریسک اشتباه نگردد. درمرحله دوم، ریسکها باید به دو دسته تقسیم شوند: یکی ریسکهایی که بطور یکنواخت در یکایک جریانهای نقدینگی سالانه موثرند و دوم، آنهائی که اثر یکنواختی ندارند. در مرحله سوم، برای آن ریسکهای گوناگونی که در موارد خاصی جریانهای نقدینگی موءثر است درجه احتمالی قایل شد و به تجزیه و تحلیل احتمالات پرداخت. در مرحله چهارم، کلیه ریسکهای یکنواخت را

در نرخ تنزیلی مبتنی بر مبنا یا ماٴخذی معقول منظور کرد و در مرحله پنجم، کلیه محاسبات را از نو انجام داد. جالب توجه اینکه، این روش را کارشناس منتخب خواهان، یعنی پروفسور مه‌یرز قویاً توصیه کرده است. درآنجا مشکل اینست که روش مورد توصیه کارشناس و محاسباتی که خواهان یا سایر کارشناسان منتخب وی انجام داده‌اند، کاملاً متفاوتند.

۳۴ - اکنون که نظرم را در بند ۳۳ بیان کردم، آنهم صرفاً من باب بحث، از این لحاظ که روش تنزیل جریان نقدینگی اصولاً نباید به کار رود، دلیلی نمی‌بینم که وارد بحث در تحلیل ذهنی حکم راجع به برخی از ریسکها شوم. با این وصف، من با حکم موافقم که می‌گوید اثرات برخی ریسکها معتنابه است، هرچند که نمی‌توانم با استدلالات آن موافق باشم. اما با نظر اکثریت درمورد اثر برخی از آن ریسکهائی که در حکم منظور شده است شدیداً مخالفم. همچنین احساس می‌کنم تعدادی استنباطات غلط را باید خاطرنشان سازم. در بندهای زیر به اجمال به این مسائل می‌پردازم.

۳۵ - درمورد این ریسک که کلیه نفت قابل استحصال تولید نخواهد شد، حکم واقعیات را با ریسک‌هایی که اثراتی هم کلی و هم خاص دارد، اشتباه گرفته است. مشکلات مالی طرف اول یک واقعیت بود و نه ریسک. سیاستهای ایران درمورد تولید آتی دو گونه بود. آن سیاستهائی که در تاریخ ارزیابی اعلام شده و معلوم بود واقعیات محسوب می شد. و اینکه ایران بعداً تصمیم گیرد سقف تولید را تغییر دهد یک ریسک است. درمورد پروژه‌های مربوط به استحصال ثانوی، انتظار می رفت که سالهای متمادی این پروژه‌ها دستخوش تاٴخیر شوند و این امر در سال ۱۹۷۹ یک واقعیت شناخته می‌شد. سپس این ریسک وجود داشت که آیا این پروژه‌ها در واقع در آن تاریخهای شروع به تعویق افتاده آغازخواهند شد یا نه. لازم بود که این ریسکها در جریانهای

نقدینگی وارد محاسبه شوند. نمونه‌های بسیاری از اینگونه خلط مبحث ها در تحلیل اکثریت از این نوع ریسک وجود دارد و این تنها کاستی در به اصطلاح حکم آنان نیست. اینان بسیاری از ریسکها از قبیل ریسکهای بسیار فراوان زمین شناسی و مهندسی که در پروژه‌های استحصال ثانوی مدخلیت دارد و نظایر آن را نادیده گرفته‌اند.

٣٦ - یکی از قسمت های مشخصی که به نظر من بسیار غیرمنطقی است، نحوه برداشت حکم از ریسکهای مرتبط با فورس ماژور از لحاظ اثر آنها بر تولید است. این نمونه بارزی از برداشت حکم از مدارک است. بنابراین من به چند مورد از اظهارات گمراه‌کننده‌تری که در بند ١۴٩ دیده می‌شود، اشاره می‌کنم.

٣٧ - حکم می‌گوید که وقفه‌های کوتاه مدت اثر مهمی در کل تولید ندارد زیرا با افزایش تولید در آینده، آن وقفه‌ها قابل جبران است و احتمال وقفه‌های درازمدت مانند جنگ در سال ١٩٧٩ قابل بحث بود و به علاوه، طبق ماده ١-١٦ قرارداد مشارکت مدت قرارداد قابل تمدید بوده است. اینها سه مطلب عمده‌است که در بند ١۴٩ حکم اظهار شده و هر سه آنها اشتباهات فاحشی هستند. اولا" دیوان از لحاظ فنی صلاحیت پاسخ به این مسأله را نداردکه آیا افزایش سطح تولید برای جبران زیانهای گذشته امکان پذیر بوده است یا خیر. ثانیا" نفس این واقعیت که وقوع رویدادی قابل بحث است، آن رویداد را به یک ریسک مبدل می کند. اگر وقوع آن رویداد مسلم باشد، آن رویداد واقعیت است و اگر این یقین حاصل شود که امکانی برای رخ دادن آن نخواهد بود، یسک آن به صفر می‌رسد. درواقع درموقع سئوال و بحث درمورد احتمال یک رویداد است که ریسک ها و احتمالات را باید درنظر گرفت. ثالثا"، باید به خاطر داشت که تمدید مدت قرارداد مشارکت اثر بارزی در ارزش امروز آن می‌داشت. جالب اینکه حتی کارشناس منتخب خواهان، یعنی پروفسور

مه‌یرز، نه تنها اذعان کرد که [تمدید قرارداد] اثری دارد، بلکه روشها و مثالهائی(٦) برای یک ریسک کوتاه مدت، یعنی اغتشاشات کارگری دراین رابطه ذکر کرد. حکم که قاعدتا" باید نظر حقوقی باشد سخاوتی درمورد خواهان نشان می‌دهد که حتی کارشناس خود خواهان نسبت به او نشان نداده است.

۳۸ - بحث خود را درباره ریسک‌ها با اظهارنظر راجع به بند ۱۵۰ حکم درباره ریسکهای مرتبط با قیمت های نفت و به دنبال آن، با یک اظهارنظر کلی خاتمه می‌دهم. این بند به پیش‌بینی قیمتی که خواهان دیگری علیه خوانده همین پرونده به ثبت رسانیده، به عنوان "محافظه‌کارانه‌ترین پیش‌بینی مقارن موجود در مدارک" اشاره می‌کند. من قبلا" راجع به این موضوع بحث و به این رویه ناشایست شدیدا" اعتراض کرده‌ام. درواقع در این بند گفته شده است که چون در رای حسب ادعا محدوده‌ای درنظر گرفته شده، پس ریسکی وجود نخواهد داشت. در این مورد هم بحث کرده‌ام که چرا چنین محدوده‌ای به هیچوجه نمونه قابل قبولی نیست. بنابراین دراینجا فقط این واقعیت را ذکر می‌کنم که حکم با این کار ماهیت بی‌نهایت یکطرفه خود را نشان داده است. تردیدی در این واقعیت نیست که دیوان پیش‌بینی قیمتی را که در اینجا به‌عنوان حداقل درنظر گرفته شده، قبلا" به دلیل آنکه مبتنی بر حدس و گمان بوده مردود شناخته شده است(۷). در این واقعیت نیز نمی‌توان تردید داشت که کارشناسان خود خواهان به ریسک‌های فراوان مرتبط با پیش بینی قیمت اذعان و درواقع آن را تشریح کرده‌اند. و بالاخره، این واقعیتی است که قیمتهای نفت درحقیقت به ارقامی به مراتب پائینتر از آن پیش بینی ها نزول کرد. اما حکم چنین مصلحت می بیند که کلیه این واقعیات را به نحوی از انحاء نادیده گیرد.

---

(٦) شهادت پروفسور مه‌یرز در جلسه استماع، سواد رسمی مذاکرات، صفحات ۸۵۴-۸۵۳.

(۷) حکم صادره در پرونده آموکو اینترنشنال فایننس، مذکور فوق.

۳۹ - یکی از چشمگیرترین ویژگیهای حکم ابهام کامل آنست. این ویژگی کلا" درمورد حکم صادق است اما دربخش مربوط به ارزیابی حتی بارزتر است. من به نتیجه‌گیری غیرمسئولانه و غیرمنطقی درمورد مقدار نفت در حکم اشاره کردم که نه تنها حجم کل آن بی نهایت زیاد فرض شده، بلکه هیچ پایه‌ای هم ندارد. من همچنین نشان داده‌ام که هیچ مبنای حقوقی برای استفاده از قیمتهای نفت منتظره در آینده وجود ندارد و اینکه بنظر می‌رسد که هدف حکم این است که حداکثر اشاره و استناد ممکن را به پرونده دیگری شامل همان پیش بینی و همان خواندگان بعمل آورد و بدینترتیب حق خواندگان را تضییع کند. من همچنین برداشت غلط و غیرقابل قبول از هزینه‌های آینده را توضیح داده‌ام. ولی شاهکار حکم در آنجایی است که به نرخ تنزیل و ریسک‌ها می‌پردازد و بنظر می‌رسد نهایت کوشش به کار رفته تا مسا"له شرح و بسطی هر چه بیشتر داده شود، بدون اینکه حرفی اصولی گفته شود. البته کلیه این کوششها یک هدف دارد که همان مخفی کردن ماهیت باورنکردنی غرامتی است که مورد حکم واقع شده است.

با این وصف و علیرغم تمام کوششهائی که دو داور دیگر این شعبه در مخفی کردن واقعیت به خرج داده‌اند محاسبه مجدد رقم نهائی و رسیدن به مبنا بس ساده است.

همانطور که در بند ۱۵۶ حکم گفته شده، خواهان ۸/۸ میلیون دلار بابت دیوان تا"دیه نشده سال ۱۹۷۸ به خوانده بدهکار شناخته شده است. از طرف دیگر، حکم خواندگان را بابت نفتی که در ماههای مارس تا سپتامبر ۱۹۷۹ استخراج شده و سایر موضوعات (رجوع شود به همان بند حکم) که طبق محاسبه خواهان به ۳/۵ میلیون دلار بالغ می‌شود، بدهکار شناخته است. بنابراین خواندگان بطور خالص مبلغ ۵/۳ میلیون دلار طلبکار می شوند و لازم می‌شود که حاصل تنزیل جریان نقدینگی بر مبنای ارزش سال ۱۹۷۹ ۶۰/۳ یعنی (۵۵+۵/۳) میلیون دلار گردد. با به کار

بردن مقادیر دیگری که در حکم پیشنهاد شده، یعنی ۲۸۵ میلیون بشکه نفت، پیش بینی قیمت فوق‌الذکر و ۷۵ درصد افزایش هزینه‌ها، به آسانی می‌توان نشان داد که نرخ تنزیل تقریبا" ۷/۵% درصد می‌شود.

شرم آور است که پس از استفاده از اینگونه فرضیات باورنکردنی درمورد مقدار نفت و قیمتهای نفت برمبنای این گفته که انحراف آنها از واقعیات تحت عنوان ریسک‌ها مورد بررسی واقع خواهد شد، و سپس، اذعان به اینکه هر یک از این ریسکها بطور اساسی در ارزش تاءثیر خواهد گذارد، به نرخ تنزیلی معادل ۷/۵ درصد رسید که فرضا" باید دربرگیرنده کلیه آن ریسکها باشد. تاکتیکهائی که دو داور دیگر این شعبه بکار برده‌اند بسیار شبیه تاکتیکهای خواهان است: پرگوئی و طفره رفتن از واقعیت.

بطور خلاصه، ۵۵ میلیون داوری که دو داور دیگر حکم داده‌اند نه تنها براساس استفاده از روشی است که قبلا" [یکی از شعب] دیوان به ریاست حقوقدان برجسته وصاحب نظری آنرا مردود شناخته، بلکه حاصل استفاده از مفروضات زیر نیز هست:

۱ـ مقدار نفتی بیش از سه برابر مقداری که خواهان در ۱۹۷۹ رسما" اعلام کرده است.

۲ـ پیش بینی قیمتی که گزاف بودن آن درواقع ثابت شده و دیوان آن را مبتنی بر حدس و گمان دانسته و مردود شناخته است.

۳ـ نرخ تنزیلی که بنا به‌فرض، دربرگیرنده ریسکهائی است که بطور اساسی بر ارزش تاءثیر داشته، ولی درواقع کمتر از آن چیزی است که شاهد کارشناس خواهان در سال ۱۹۷۹ برای یک موءسسه امریکائی با ریسکهایی‌به مراتب کمتر پیشنهاد کرده است. نرخ تنزیلی که بکار رفته تقریبا" نصف آن نرخی است که همین دیوان در تنها حکم صادره بر مبنای تنزیل جریان نقدینگی یعنی استارت (مذکور

فوق) اعمال کرده و در آنجا نیز ریسکها به مراتب کمتر از این پرونده بوده است.

بنظر می‌رسد که چندان گریزی از این نتیجه گیری آشکار وجود ندارد که تصور اینکه دو داور دیگر این شعبه نظر خود را برمبنای گونه‌ای منطق استوار کرده باشند، بسیار دشوار است. فرض واقع بینانه‌تر این است که هدف، رسیدن به رقمی بسیار بالا و غیرعادلانه و غیرمنصفانه بوده با مقدار زیادی حرافی، نه برای توجیه آن - زیرا که چنین امری غیرممکن می بود - بلکه برای پنهان کردن ماهیت غیرقابل توجیه آن. اینگونه حکم صادر کردن درواقع نیز بسی شرم آور است.

Annex 7

109404
96

P434200

1 of 93

SECURITIES AND EXCHANGE COMMISSION
Washington, D. C. 20549

K
.15-80

K
.31-79

FORM 10-K

ANNUAL REPORT

Pursuant to Section 13 or 15(d) of the
Securities Exchange Act of 1934

For the Fiscal Year Ended

RECEIVED

DECEMBER 31, 1979

Commission File Number 1-720

PHILLIPS PETROLEUM COMPANY

(Exact name of registrant as specified in its charter)

Delaware	73-0400345
(State or other jurisdiction of incorporation or organization)	(I.R.S. Employer Identification No.)

Phillips Building, Bartlesville, Oklahoma 74004

(Address of principal executive offices)

918-661-6600

(Registrant's telephone number, including area code)

PROCESSED BY
RECEIVED
APR 2 1980
DISCLOSURE INCORPORATED

Securities registered pursuant to Section 12(b) of the Act:

Title of each class	Name of each exchange on which registered
Common Stock, $1.25 Par Value	New York Stock Exchange, Inc. Pacific Stock Exchange, Inc. Toronto Stock Exchange
7¾% Debentures Due 2001	New York Stock Exchange, Inc.
8¼% Debentures Due 2000	New York Stock Exchange, Inc.

Indicate by check mark whether the registrant (1) has filed all reports required to be filed by Section 13 or 15(d) of the Securities Exchange Act of 1934 during the preceding 12 months (or for such shorter period that the registrant was required to file such reports), and (2) has been subject to such filing requirements for the past 90 days.

Yes X No ____

Registrant had 154,427,731 shares of Common Stock, $1.25 Par Value, outstanding at December 31, 1979.

POSTE APPELE: 47043695 1989-05-25 23:08 G3-96 S BIEN RECU 06

نظرات مدیریت درباره ذخایر نفت و گاز و اطلاعات مربوط

(بقیه)

کمیسیون بورس و اوراق بهادار خلاصه فعالیتهای تولیدی نفت و گاز را که براساس حسابداری تشخیص ذخایر (خلاصه)، تهیه شده، سندی در دست تهیه می‌داند و واقف است که مسایل نظری و اجرائی متعددی درمورد حسابداری تشخیص ذخایر وجود دارد که باید حل شود.

حسابداری تشخیص ذخایر بر این مفهوم مبتنی است که درآمد و زیان باید درموقع کشف ذخایر یا تجدید نظر در آنها و یا با تغییر شرایط اقتصادی به حساب منظور شوند. مفهوم حسابداری تشخیص ذخایر با بررسی نکات زیر و هنگام بررسی خلاصه آن (در ص ۳۳ - اس) توضیح داده می‌شود.

+ افزایش برآورد ذخایر ثابت شده به مبلغ ۲۸۴ میلیون دلار ناشی از برآورد ذخایر ثابت شده ناشی از توسعه، کشف و سایر افزایشهای سال ۱۹۷۹، (عمدتا" در ایالات متحده) به قیمتهای متوسط فروش تحقق یافته در دسامبر ۱۹۷۹ می‌باشد که به نرخ ۱۰ درصد در سال براساس جدول تولید منتظره تنزیل شده است. مبلغ ۷۲ میلیون دلار بابت ارزش فعلی تنزیل شده هزینه بهره‌برداری و تولید این ذخایر، براساس تجربه عملیاتی سال ۱۹۷۹ برآورد و در جای دیگری در این خلاصه تفریق شده است.

+ متوسط قیمتهای فروش جهانی گاز مایع و طبیعی بین دسامبر ۱۹۷۸ و دسامبر ۱۹۷۹ به مقدار معتنابهی افزایش یافت. در نتیجه این قیمتهای بالاتر، درآمدهای خالص آینده از تولید برآوردی ذخایر ثابت شده افزایش یافت و با تنزیل به نرخ ۱۰

درصد، مبلغ ۸،۸۰۰ میلیون دلار دیگر علاوه بر ارزش فعلی درآمدهای برآوردی که در خلاصه منعکس شده، به دست داد.

+ برآوردهای قبلی ذخایر و پیش بینیهای تولید طی سال ۱۹۷۹ مورد تجدید نظر قرار گرفت تا ذخایر نفت خام ایران (۱۵ میلیون بشکه) و فروش ذخایر نفت خام در محل (۱۹ میلیون بشکه) به دولت نیجریه حذف شود. تجدیدنظر در متوسط قیمتهای فروش دسامبر ۱۹۷۹، منهای متوسط هزینه‌های تولید تجربه شده در ۱۹۷۹، با تنزیل به نرخ ۱۰ درصد، منجر به کاهش ارزش فعلی درآمدهای خالص آینده برآوردی به مبلغ ۱،۹۱۶ میلیون دلار گردید.

+ افزایش تنزیل ۱،۰۰۶ میلیون دلار با اعمال نرخ تنزیل ۱۰ درصد نسبت به ارزش فعلی درآمدهای خالص برآوردی آتی در ابتدای سال، محاسبه شده است.

+ هزینه‌های فعالیتهای اکتشافی ناموفق طی سال ۱۹۷۹، ازجمله نقصان بهای تحصیل اجاره و ترک پروژه‌های اکتشافی متوقف شده (۳۴۳ میلیون دلار) در خلاصه منعکس است.

+ هزینه‌های حفاری چاههای اکتشافی در پایان سال ۱۹۷۹، طرحهای اکتشافی در دست ارزیابی و اجاره‌های نفت و گاز ثابت نشده تا تصمیم نهایی درباره ..... به بعد موکول می شود.

مقادیر برآوردی ذخایر ثابت شده نفت و گاز (حسابرسی نشده)

مقادیر خالص برآوردی شرکت از نفت خام متعلقه، ذخایر گاز طبیعی و مایع گاز طبیعی و تقطیر شده به شرح زیرند:

ذخایر ثابت شده مایعات ×(۱) — برحسب میلیون بشکه

	امریکا	اروپا ـ آفریقا	سایرکشورها	جمع
آغاز سال ۱۹۷۸	۵۵۰	۱۰۷۳	۳۶	۱۶۵۹
تجدیدنظر در برآوردهای قبلی	۲	(۶۵)	(۲)	(۶۵)
استحصال بهبودیافته	۲۳	—	—	۲۳
خرید ذخایر در محل	۱	—	—	—
توسعه، اکتشافات و سایر افزایشها	۴	۱۴	—	۱۸
تولید	(۵۸)	(۵۹)	(۱۰)	(۱۲۷)
فروش ذخایر در محل	—	—	—	—
پایان ۱۹۷۸ طبق گزارش قبل	۵۲۲	۹۶۳	۲۴	۱۰۵۰۹
تعدیل حق‌الامتیاز (۲)	—	(۱۰)	—	(۱۰)
قراردادهای فروش بلند مدت (۲)	—	—	(۸)	(۸)
رویداد بعدی (۳)	—	(۱۲۷)	—	(۱۲۷)
تجدیدنظر پایان سال ۱۹۷۸	۵۸۲	۸۲۶	۱۶	۱،۳۶۴
تجدیدنظر در برآوردهای قبلی	۳۳	(۳۵)	(۱۶)	(۲۸)
استحصال بهبود یافته	۱۷	—	—	۱۷
خرید ذخایر در محل	—	—	—	—
توسعه، اکتشافات و سایر افزایشها	۴	—	—	—
تولید	(۵۸)	(۸۰)	—	(۱۱۸)
فروش ذخایر در محل ـ نیجریه (۴)	—	۱۹	—	۱۹
پایان ۱۹۷۹ (۷)	۵۰۸	۱۱۲	**	۱،۲۲۰

ذخایر نفت مایع ثابت شده مورد بهره‌برداری

آغاز ۱۹۷۸	۴۷۱	۶۱۰	۱۷	۱،۰۹۸

پایان ۱۹۷۸ طبق گزارش قبلی	۴۶۰	۵۴۹	۲۴	۱۰۳۳
تعدیل حق‌الامتیاز (۲)	—	(۵)	—	(۵)
قراردادهای فروش درازمدت (۲)	—	—	(۸)	(۸)
رویداد بعدی (۳)	—	(۲۶)	—	(۲۶)
طبقه بندی مجدد به عنوان بهره‌برداری نشده	(۵)	—	—	(۵)
پایان سال ۱۹۷۸ اصلاحی	۴۵۵	۵۱۸	۱۶	۹۸۹
پایان سال ۱۹۷۹ (۷)	۴۴۱	۴۸۶	-**	۹۲۷

* ذخایر ثابت شده هم شامل ذخایر توسعه یافته و هم شامل ذخایر توسعه نیافته است.
** ذخایر ایران در نتیجه اغتشاشات داخلی آن کشور منظور نشده است.

پیوست ۸

به : آقای برینر
: آقای آلدریچ

از : سید خلیل خلیلیان

موضوع : پیش نویس حکم پرونده شماره ۳۹

تاریخ : هفتم تیرماه ۱۳۶۸ برابر ۲۸ ژوئن ۱۹۸۹

قواعد دیوان و رویه استاندارد داوری ایجاب می‌کند که کلیه داوران دیوان که ماٴمور رسیدگی به یک پرونده هستند، قبل از آنکه حکم آن پرونده صادر شود، فرصت شرکت در کلیه مراحل شور را داشته باشند. داوران دیگر نباید هیچ داوری را از جریان شور و موضوعات مورد بحث در پرونده‌ای که مورد علاقه و توجه همه ایشان است بی‌اطلاع گذارند. یادداشتهای متبادله بین داوران نیز جزئی از جریان شور محسوب می شود و باید تماما" به کلیه داوران مربوطه ابلاغ گردد.

اخیرا" از منبعی که افشای آنرا لازم نمی دانم، یادداشتی دریافت کرده‌ام که قبلا" بدون آنکه در اختیار من گذارده شود برای آقای آلدریچ ارسال شده است. این یادداشت نشان می‌دهد که مذاکرات و یادداشتهایی بین شما مبادله شده که من از آنها بی‌اطلاعم.

از بررسی یادداشتی که آقای آلدریچ برای شما فرستاده‌است معلوم می‌شود که برای تنزیل جریان نقدینگی خالص آینده به نرخ ۱۵ درصد که خواهان پرونده شماره ۳۹ حسب‌ادعا ذیحق بدانست محاسباتی بعمل آمده است. جدول پیوست یادداشت نشان می‌دهد که برای محاسبه ارزش فعلی جریان نقدینگی پیشنهادی برای خواهان فرمولی بکار رفته است که از اینقرار است:

$$\text{ارزش کنونی} = \frac{\text{جریان نقدینگی آینده}}{(1+r)^{t}}$$

که در آن، "r" نرخ تنزیل برحسب مدت و "t" تعداد سالهاست. بدین ترتیب، مثلا" اگر جریان نقدینگی منتظره در سال۲۰، رقم ۱۰۰ دلار باشد، در آنصورت ارزش کنونی ۱۰۰ دلار به نرخ تنزیل ۱۵% به طریق زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{ارزش کنونی} = \frac{\text{۱۰۰ دلار}}{(۱ + ۰/۱۵)^{۲۰}} = \text{۶/۱۱ دلار}$$

برای رسیدن به ارزش کنونی ۶/۱۱ دلار، صورت (یعنی در اینمورد ۱۰۰ دلار) باید به مخرج تقسیم شود. برای محاسبه مخرج، باید خود آنرا (۰/۱۵ + ۱) چند مرتبه در خود ضرب کرد (به توان رساند). در این مثال، عدد ۱/۱۵ را باید ۲۰ مرتبه در خود ضرب و رقم ۱۶/۳۶ یعنی حاصلضرب آنرا به عنوان مخرج کسر فوق تلقی کرد. پیش‌نویس محاسبه آقای آلدریچ که ضمیمه یادداشت ایشان است نشان می‌دهد که مخرج این مثال را ایشان به غلط بصورت زیر محاسبه کرده است:

$$۱+(۰/۱۵\times۲۰)$$

که حاصل آن می‌شود ۴ و آقای آلدریچ رقم ۱۰۰ دلار این مثال را بر آن تقسیم کرده است که نشان می‌دهد در پیش نویس محاسبه آقای آلدریچ، ارزش کنونی ۱۰۰ دلار در سال ۲۰، برابر ۲۵ دلار محاسبه شده، (یعنی ۱۰۰ تقسیم بر ۴) بجای رقم ۶/۱۱ دلار که طبق توضیح فوق جواب صحیح آن است.

درنتیجه این اشتباه ریاضی بدیهی در کاربرد فرمول تنزیل جریان نقدینگی و باتوجه به کلان بودن ادعای این پرونده، شما به رقم گزافی رسیده‌اید که در پیش نویس حکم ذکر شده

است.

با این وصف، همانطور که در یادداشت مورخ ششم تیر ۱۳۶۸ [۲۷ ژوئن ۱۹۸۹] اینجانب اشاره گردید، حتی اگر من باب بحث، فرضیات پیش نویس حکم را درباره مقادیر نفت، قیمتهای نفت و هزینه‌های تولید بپذیریم، باز هم ارزش کنونی جریانهای نقدینگی مورد پیش بینی در پیشنویس حکم به نفع خواهان، ـ تازه اگر فرمول به نحو صحیح بکار رود ـ تقریبا" به رقم ۲۶ میلیون دلار کاسته می‌شود.

همانطور که ملاحظه می‌کنید اختلاف این دو رقم، معتنابه است. بنابراین من از شما دعوت می‌کنم هرچه زودتر درباره این موضوع بحث کنیم. به علاوه، من بدینوسیله مخالفت خود را با نحوه برگزاری شور پرونده شماره ۳۹ توسط شما که درنتیجه آن، من از فرصت شرکت کامل در شور این پرونده محروم شده‌ام، برای ثبت در پرونده اعلام می کنم.

ضمنا" انتظار دارم نسخه‌ای از کلیه یادداشتهای متبادله بین خود دررابطه با شور پرونده ۳۹ را برای من ارسال نمایید و توضیح دهید که به چه دلیل مرا از تبادل نظرها و بحثهای خود درمورد این پرونده کاملا" بی‌اطلاع نگاهداشته‌اید.

رونوشت : مسئولان دفتر دیوان.